



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

شہیدکۂ عترت



شخصیت و شہادت و کرامات بی بی زبیدہ

حضرت فاطمہ بنت الجواد (ع)

تعلیم: محمد امیری سوادکوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهیده عترت (حضرت بی بی زبیده سلام الله علیها)

نویسنده:

محمد امیری سوادکوهی

ناشر چاپی:

محب العتره الطاهره

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	شهبیده عترت (حضرت بی بی زبیده سلام الله علیها)
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۳	« اهداء »
۱۵	فهرست مطالب
۳۷	پیشگفتار
۴۱	فصل اول: زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، دختر امام جواد (علیه السلام)
۴۱	اشاره
۴۲	حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)
۴۳	تولد و شهادت
۴۵	جواد الائمه ، حضرت امام محمد تقی (علیه السلام)
۴۷	سمانه ی مغربیه (سلام الله علیها)
۴۸	« فاطمه » زینت بخش خانه ی جواد الائمه و بیت رسالت (علیهم السلام)
۴۹	فاطمه دختر امیرالمؤمنین (علیهما السلام)
۵۰	فاطمه دختر امام حسن (علیهما السلام)
۵۰	فاطمه دختر امام حسین (علیهما السلام)
۵۱	فاطمه دختر امام سجاد (علیهما السلام)
۵۱	فاطمه دختر امام باقر (علیهما السلام)
۵۱	فاطمه دختر امام کاظم (علیهما السلام)
۵۲	فاطمه دختر امام رضا (علیهما السلام)
۵۲	فاطمه دختر امام جواد (علیهما السلام)
۵۳	فاطمه دختر امام هادی (علیهما السلام)
۵۳	فاطمه دختر امام عسکری (علیهما السلام)

۵۳	بغض امام جواد (علیه السلام) نسبت به قاتلان مادر
۵۴	انتخاب نام فاطمه برای دُرْدانه ی امام جواد (علیه السلام)
۵۵	احترام نسبت به نام فاطمه (سلام الله علیها)
۵۶	« فداها ابوها »
۵۷	نام فاطمه در لغت و روایات!
۵۸	فاطمه در لغت و معانی
۵۸	نام فاطمه (سلام الله علیها) در روایات معصومین (علیهم السلام)
۵۸	بریدگی و دوری او و شیعیانیش از جهنم
۵۹	عجز بشریت از شناخت فاطمه (سلام الله علیها)
۶۰	نام فاطمه بر باب بهشت
۶۱	نام و القاب حضرت فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها)
۶۴	فصل دوم: فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) در اسناد و اقوال
۶۴	اشاره
۶۵	فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) در بیان تاریخ و اسناد
۶۵	دلایل موانع دسترسی به منابع تاریخی در باب اهل بیت (علیهم السلام)
۶۷	فرزندان با عظمت حضرت امام جواد (علیه السلام)
۶۷	۱ . امام علی النقی الهادی (علیه السلام)
۷۰	شاگردان امام هادی (علیه السلام)
۷۱	۲ . حضرت موسی مرقع (علیه السلام)
۷۳	۳ . حضرت حکیمه خاتون (سلام الله علیها)
۷۵	نگاهی گذرا بر حضرت فاطمه بنت الجواد (علیه السلام) در تاریخ و اسناد
۷۷	ابن معلّم ، شیخ مفید (قدس سره)
۷۷	امین الاسلام شیخ طبرسی (قدس سره)
۷۸	بهاءالدین ، علامه اربلی (قدس سره)
۷۸	رشید الدین ، ابن شهر آشوب مازندرانی (قدس سره)
۷۹	فخر شیعه ، علامه ملا محمّد باقر مجلسی (قدس سره)

- عالم ربانی ، علامه ملا احمد نراقی (قدس سره) ۷۹
- تحلیلی تاریخی درباره ی هجرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ۸۰
- تاریخ شفاهی حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) ۸۱
- گرد غربت بر قبر مطهر بی بی زبیده (سلام الله علیها) ۸۴
- ارادت دیرینه ی مردم نراق به بی بی زبیده (سلام الله علیها) ۸۵
- قول مشهور در میان مردم درباره ی حضرت زبیده خاتون (علیها السلام) ۸۹
- وقفیات متعدد مردم برای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ۹۱
- دارالشفای عاشقان ۹۲
- سالم ماندن پیکر مطهر حضرت زبیده خاتون (علیها السلام) پس از ۱۲۰۰ سال ۹۴
- کفایت شهرت در ثبوت قبور امامزادگان جلیل القدر ۹۷
- نظر فقهی استاد الفقهاء و المجتهدین در دفع بعضی از وساوس و شبهات ۹۷
- نظری دیگر در این باب ۹۹
- در اثبات این مطلب شهرت کافی است! ۱۰۲
- اینجا قبر دختر مظلومه و بلافصل امام جواد (علیه السلام) است ۱۰۳
- مقام و منزلت دختر امام جواد (علیه السلام) از نگاه علامه مجلسی (ره) زمان ۱۰۷
- اراده ی خدا بر آن است اینجا محل فیض باشد! ۱۱۰
- جاذبه ی معنوی والای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ۱۱۱
- حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، از برکات کوثر نبوی است ۱۱۳
- عدم العلم و علم به عدم دو چیز است! ۱۱۴
- فصل سوم: حدیث غربت زبیده خاتون علیها السلام ۱۱۹
- اشاره ۱۱۹
- از مدینه تا نراق! ۱۲۰
- فصل چهارم: کرامات حضرت زبیده خاتون (علیها السلام) ۱۳۱
- اشاره ۱۳۱
- شفایافتگان ۱۳۲
- شفای خانم سرطانی از انگلستان ۱۳۳

- ۱۳۶ ----- شفای مرد یزدی که سرطان روده داشت
- ۱۳۷ ----- شفای سرطان خون به عنایت بی بی زبیده (سلام الله علیها)
- ۱۳۸ ----- شفای بیماری که دکترها از او قطع امید کردند!
- ۱۳۹ ----- عنایت ویژه ی زبیده خاتون (سلام الله علیها) به کسانی که نازا بودند
- ۱۴۱ ----- عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها) و بچه دار شدن پس از ۸ سال
- ۱۴۴ ----- شفای بیمار روانی به عنایت دختر حضرت جواد (علیه السلام)
- ۱۴۵ ----- دختر روانی که به عنایت بی بی شفا گرفت
- ۱۴۶ ----- شفای جنین به عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها)
- ۱۴۷ ----- عنایاتی از حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) به نقل از آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحی (دام ظلّه)
- ۱۴۷ ----- ۱ - میهمان نوازی سیره ی آشکار زبیده خاتون (علیها السلام)
- ۱۴۸ ----- ۲ - پذیرایی غیر قابل وصف دختر امام جواد از قافله ی فاطمیه
- ۱۵۰ ----- ۳ - کرامت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در برکت غذا
- ۱۵۱ ----- ۴ - شور و حال کم نظیر در حرم مطهر فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام)
- ۱۵۲ ----- اتوبوسی که از سقوط نجات یافت!
- ۱۵۳ ----- دختری که به درّه سقوط کرد!
- ۱۵۴ ----- بچه ای که بین زمین و هوا ایستاد!
- ۱۵۵ ----- رفع مشکل دیرینه ی خانوادگی به عنایت بی بی (سلام الله علیها)!
- ۱۵۶ ----- برکت بی نظیر غذای تبرکی حضرت زبیده خاتون
- ۱۵۷ ----- خانه دار شدن جوان بیکار
- ۱۵۷ ----- دستور بی بی زبیده و عنایت امام زمان (علیهما السلام) در ساخت حرم مطهر
- ۱۶۱ ----- فصل پنجم: بررسی هجرت سادات و امامزادگان به ایران
- ۱۶۱ ----- اشاره
- ۱۶۲ ----- بررسی هجرت امامزادگان به سرزمین ایران
- ۱۶۲ ----- مهاجرت در کتب آسمانی
- ۱۶۵ ----- ورود سادات به ایران
- ۱۶۶ ----- مهاجرت های گروهی

- حضرت سلطان علی بن محمد باقر (علیه السلام) ۱۶۷
- کاروان علویان به رهبری احمد بن موسی (علیه السلام) (شاهچراغ) ۱۶۸
- هجرت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و همراهانش ۱۷۱
- علل مهاجرت سادات به ایران ۱۷۴
- علل مهاجرت سادات پیش از ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران ۱۷۴
- وجود امنیت قابل ملاحظه در ایران ۱۷۵
- تنوع آب و هوا و مناطق طبیعی مناسب در ایران ۱۷۵
- محبوبیت سادات نزد ایرانیان ۱۷۶
- عدالت خواهی ایرانیان ۱۷۷
- ظلم و جور امویان و عباسیان به ویژه حجاج و منصور ۱۷۸
- ورود یحیی بن زید و یحیی بن عبدالله محض حسنی به ایران ۱۷۹
- مهاجرت ایرانیان به دیار عرب ۱۸۰
- ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران ۱۸۱
- ورود سادات به عرصه سیاست ۱۸۲
- ورود سادات به منطقه با تأسیس حکومت علویان در طبرستان ۱۸۲
- نتیجه ۱۸۴
- تجلیل از زیارتگاههای امامزادگان (علیهم السلام) از دیدگاه مراجع معظّم تقلید ۱۸۶
- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه) ۱۸۶
- آیت الله العظمی بهجت (قدس سره) ۱۸۶
- آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه) ۱۸۷
- آیت الله العظمی مظاهری (دام ظلّه) ۱۸۷
- آیت الله العظمی سبحانی (دام ظلّه) ۱۸۸
- آیت الله العظمی نظری خادم الشریعه (دام ظلّه) ۱۸۸
- عظمت امامزادگان ۱۸۹
- فصل ششم: اشعار و مدح و مرثیه شاعران ولایی در عظمت بی بی زبیده خاتون (علیها السلام) ۱۹۲
- اشاره ۱۹۲

۱۹۳	آقای محسن اسلامی (پویا)
۲۰۴	مهندس مجید امیری سواد کوهی
۲۰۶	مرحوم مهندس محمد علی حسینی دلجانی
۲۰۸	آقای محمد خادم (از اصفهان)
۲۱۱	آقای محمد حسن زاده
۲۱۵	استاد فضل الله شیرانی
۲۲۱	آقای معصوم (عاصی)
۲۲۴	حاج محمد علی فریور (از اصفهان)
۲۲۸	استاد محمد قدسی اصفهانی
۲۳۹	آقای محمدرضا قناعتی (از اصفهان)
۲۴۱	حجت الاسلام و المسلمین شیخ علیرضا محمدی (مسافر)
۲۴۶	آقای محسن ناصحی (از اصفهان)
۲۵۴	فصل هفتم: فهرست اعلام
۲۶۱	فصل هشتم: اسناد و منابع تاریخی
۲۷۰	درباره مرکز

شهیدۂ عترت (حضرت بی بی زبیده سلام الله علیها)

مشخصات کتاب

نام کتاب : شهیدۂ عترت (حضرت بی بی زبیده سلام الله علیها)

نویسنده : دانشمند محقق آقای شیخ محمد امیری سواد کوهی

تاریخ انتشار : اربعین حسینی ۱۴۴۱ قمری پاییز ۱۳۹۸

ناشر : محبّ العتره الطاهره

بهاء : سلام و صلوات بر جواد الائمه (علیه السلام) و یادگار شهیدۂ او

ص: ۱

اشاره

شَهِيدَةُ عِزَّتِ



شخصیت و شہادت و کرامات بی بی زبیدہ

حضرت فاطمہ بنت الجواد علیہا السلام

بقلم: محمد امیری سوادکوہی

این اثر ناچیز ، به پیشگاه منور مادر مظلومه ی شیعه

حضرت صدیقه ی شهیده ، فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

و به آستان قدسی خورشید ولایت ، امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و ماه کرامت ، حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

و به محضر باب الحوائج الی الله ، حضرت جواد الائمه

(علیه السلام)

و به تمامی احیاگرانِ حرم ، و مدافعانِ حریم نورانی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)

خصوصاً نفس های خسته ای که در آن بیابان غربت ، در دفاع از دختر نه ساله ی جواد الائمه (علیهما السلام) به شماره افتاده بود . . . و ندای
جگر سوز مظلومیتشان تاریخ را برای همیشه به خجالت وا داشت ،

اهداء می گردد .

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا وَ حَبِيبِنَا الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ ، وَ بَشِيرًا لِلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ ، لَا سِيَّمَا

الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ ،

وَ الْوَلِيِّ الْمُنْتَقِمِ

الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ (عج)

وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

فصل اول زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، دختر امام جواد (علیه السلام)... ۱۵

حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۱۶

تولد و شهادت.. ۱۷

جواد الاثمه ، حضرت امام محمد تقی (علیه السلام)... ۱۹

سمانه ی مغربیه (سلام الله علیها)... ۲۱

« فاطمه » زینت بخش خانه ی جواد الاثمه و بیت رسالت (علیهم السلام)... ۲۲

فاطمه دختر امیرالمؤمنین (علیهما السلام)... ۲۳

فاطمه دختر امام حسن (علیهما السلام)... ۲۴

فاطمه دختر امام حسین (علیهما السلام)... ۲۴

فاطمه دختر امام سجاد (علیهما السلام)... ۲۵

فاطمه دختر امام باقر (علیهما السلام)... ۲۵

فاطمه دختر امام صادق (علیهما السلام)... ۲۵

فاطمه دختر امام کاظم (علیهما السلام)... ۲۵

فاطمه دختر امام رضا (علیهما السلام)... ۲۶

فاطمه دختر امام هادی (علیهما السلام)... ۲۷

فاطمه دختر امام عسکری (علیهما السلام)... ۲۷

بغض امام جواد (علیه السلام) نسبت به قاتلان مادر. ۲۷

انتخاب نام فاطمه برای دُرْدانه ی امام جواد (علیه السلام)... ۲۸

احترام نسبت به نام فاطمه (سلام الله علیها)... ۲۹

« فداها ابوها ». ۳۰

نام فاطمه در لغت و روایات! ۳۱

فاطمه در لغت و معانی.. ۳۲

نام فاطمه (سلام الله علیها) در روایات معصومین (علیهم السلام)..... ۳۲

بریدگی و دوری او و شیعیانش از جهنم. ۳۲

عجز بشریت از شناخت فاطمه (سلام الله علیها)... ۳۳

نام فاطمه بر باب بهشت.. ۳۴

نام و القاب حضرت فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها)... ۳۵

فصل دوم فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) در اسناد و اقوال.. ۳۸

فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) در بیان تاریخ

و اسناد. ۳۹

دلایل موانع دسترسی به منابع تاریخی در باب اهل بیت (علیهم السلام)... ۳۹

فرزندان با عظمت حضرت امام جواد (علیه السلام).... ۴۱

۱. امام علی النقی الهادی (علیه السلام).... ۴۱

شاگردان امام هادی (علیه السلام).... ۴۴

۲. حضرت موسی مبرقع (علیه السلام).... ۴۵

۳. حضرت حکیمه خاتون (سلام الله علیها)... ۴۷

نگاهی گذرا بر حضرت فاطمه بنت الجواد (علیه السلام) در تاریخ و اسناد. ۴۹

ابن معلّم ، شیخ مفید (قدس سره).... ۵۱

امین الاسلام شیخ طبرسی (قدس سره).... ۵۱

بهاءالدین ، علامه اربلی (قدس سره).... ۵۲

رشید الدین ، ابن شهر آشوب مازندرانی (قدس سره).... ۵۲

فخر شیعه ، علامه ملا محمد باقر مجلسی (قدس سره).... ۵۳

عالم ربانی ، علامه ملا احمد نراقی (قدس سره).... ۵۳

- تحلیلی تاریخی درباره ی هجرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۵۴
- تاریخ شفاهی حضرت فاطمه بنت الجواد (علیها السلام)... ۵۵
- گرد غربت بر قبر مطهر بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۵۸
- ارادت دیرینه ی مردم نراق به بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۵۹
- قول مشهور در میان مردم درباره ی حضرت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۶۳
- وقفیات متعدد مردم برای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۶۵
- دارالشفای عاشقان.. ۶۶
- سالم ماندن پیکر مطهر حضرت زبیده خاتون (علیها السلام) پس از ۱۲۰۰ سال.. ۶۸
- کفایت شهرت در ثبوت قبور امامزادگان جلیل القدر. ۷۱
- نظر فقهی استاد الفقهاء و المجتهدین در دفع بعضی از وساوس و شبهات.. ۷۱
- نظری دیگر در این باب.. ۷۳
- در اثبات این مطلب شهرت کافی است!. ۷۶
- اینجا قبر دختر مظلومه و بلافصل امام جواد (علیه السلام) است.. ۷۷
- مقام و منزلت دختر امام جواد (علیه السلام) از نگاه علامه مجلسی زمان.. ۸۰
- اراده ی خدا بر آن است اینجا محل فیض باشد!. ۸۳
- جاذبه ی معنوی والای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۸۴
- حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)، از برکات کوثر نبوی است.. ۸۶
- عدم العلم و علم به عدم دو چیز است!. ۸۷
- فصل سوّم حدیث غربت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۹۲
- از مدینه تا نراق!. ۹۳
- فصل چهارم کرامات حضرت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۱۰۴
- شفایافتگان.. ۱۰۵

شفای خانم سرطانی از انگلستان.. ۱۰۶

شفای مرد یزدی که سرطان روده داشت.. ۱۰۹

شفای سرطان خون به عنایت بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۱۱۰

شفای بیماری که دکترها از او قطع امید کردند!. ۱۱۱

عنایت ویژه ی زبیده خاتون (سلام الله علیها) به کسانی که نازا بودند.. ۱۱۲

عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها) و بچه دار شدن پس از ۸ سال.. ۱۱۳

شفای بیمار روانی به عنایت دختر حضرت جواد (علیه السلام)... ۱۱۵

دختر روانی که به عنایت بی بی شفا گرفت.. ۱۱۶

شفای جنین به عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۱۱۷

عنایاتی از حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) به نقل از آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحی (دام ظلّه)... ۱۱۸

۱ - میهمان نوازی سیره ی آشکار زبیده خاتون (علیها السلام)... ۱۱۸

۲ - پذیرایی غیر قابل وصف دختر امام جواد [از قافله ی فاطمیه. ۱۱۹

۳ - کرامت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در برکت غذا ۱۲۱

۴- شور و حال کم نظیر در حرم مطهر فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام)... ۱۲۲

اتوبوسی که از سقوط نجات یافت!. ۱۲۳

دختری که به درّه سقوط کرد! ۱۲۴

بچه ای که بین زمین و هوا ایستاد!. ۱۲۵

رفع مشکل دیرینه ی خانوادگی به عنایت بی بی (سلام الله علیها)!. ۱۲۶

برکت بی نظیر غذای تبرکی حضرت زبیده خاتون.. ۱۲۷

خانه دار شدن جوان بیکار. ۱۲۸

دستور بی بی زبیده و عنایت امام زمان (علیهما السلام) در ساخت حرم مطهر. ۱۲۸

فصل پنجم بررسی هجرت سادات و امامزادگان به ایران.. ۱۳۲

بررسی هجرت امامزادگان به سرزمین ایران.. ۱۳۳

مهاجرت در کتب آسمانی.. ۱۳۳

ورود سادات به ایران.. ۱۳۶

مهاجرت های گروهی.. ۱۳۷

* حضرت سلطان علی بن محمد باقر (علیه السلام).... ۱۳۸

* کاروان علویان به رهبری احمد بن موسی (علیه السلام) (شاهچراغ). ۱۳۹

* هجرت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و همراهانش ... ۱۴۲

علل مهاجرت سادات به ایران.. ۱۴۵

علل مهاجرت سادات پیش از ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران.. ۱۴۵

* وجود امنیت قابل ملاحظه در ایران.. ۱۴۶

* تنوع آب و هوا و مناطق طبیعی مناسب در ایران.. ۱۴۶

* محبوبیت سادات نزد ایرانیان.. ۱۴۷

* عدالت خواهی ایرانیان.. ۱۴۸

* ظلم و جور امویان و عباسیان به ویژه حجاج و منصور ۱۴۹

* ورود یحیی بن زید و یحیی بن عبدالله محض حسنی به ایران.. ۱۵۰

* مهاجرت ایرانیان به دیار عرب.. ۱۵۱

* ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران.. ۱۵۲

* ورود سادات به عرصه سیاست.. ۱۵۳

* ورود سادات به منطقه با تأسیس حکومت علویان در طبرستان.. ۱۵۳

* نتیجه. ۱۵۵

تجلیل از زیارتگاههای امامزادگان (علیهم السلام) از دیدگاه مراجع معظم تقلید. ۱۵۷

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه)..... ۱۵۷

- آیت الله العظمی بهجت (قدس سره).... ۱۵۷
- آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه)..... ۱۵۸
- آیت الله العظمی مظاهری (دام ظلّه)..... ۱۵۸
- آیت الله العظمی سبحانی (دام ظلّه)..... ۱۵۹
- آیت الله العظمی نظری خادم الشریعه (دام ظلّه)..... ۱۵۹
- عظمت امامزادگان.. ۱۶۰
- فصل ششم اشعار و مدح و مرثیه شاعران ولایی.. ۱۶۳
- آقای محسن اسلامی (پویا). ۱۶۴
- مهندس مجید امیری سواد کوهی.. ۱۶۹
- مرحوم مهندس حسینی دلجانی.. ۱۷۰
- آقای محمد خادم ۱۷۱
- آقای محمد حسن زاده)
- راضی اصفهانی). ۱۷۳
- فضل الله شیرانی (سخا). ۱۷۵
- آقای معصوم (عاصی). ۱۷۷
- حاج محمد علی فریور. ۱۷۹
- استاد محمد قدسی اصفهانی.. ۱۸۱
- آقای محمدرضا قناعتی ۱۸۷
- حجت الاسلام و المسلمین شیخ علیرضا محمدی (مسافر). ۱۸۸
- آقای محسن ناصحی ۱۹۲
- آقای سید محمود مرتضوی (ناظر) ۱۹۰
- فصل هفتم فهرست اعلام.. ۱۹۴

فاطمه در لغت و معانی.. ۳۲

نام فاطمه (سلام الله علیها) در روایات معصومین (علیهم السلام)..... ۳۲

بریدگی و دوری او و شیعیانش از جهنم. ۳۲

عجز بشریت از شناخت فاطمه (سلام الله علیها)... ۳۳

نام فاطمه بر باب بهشت.. ۳۴

نام و القاب حضرت فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها)... ۳۵

فصل دوم فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) در اسناد و اقوال.. ۳۸

فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) در بیان تاریخ

و اسناد. ۳۹

دلایل موانع دسترسی به منابع تاریخی در باب اهل بیت (علیهم السلام)... ۳۹

فرزندان با عظمت حضرت امام جواد (علیه السلام).... ۴۱

۱. امام علی النقی الهادی (علیه السلام).... ۴۱

شاگردان امام هادی (علیه السلام).... ۴۴

۲. حضرت موسی مبرقع (علیه السلام).... ۴۵

۳. حضرت حکیمه خاتون (سلام الله علیها)... ۴۷

نگاهی گذرا بر حضرت فاطمه بنت الجواد (علیه السلام) در تاریخ و اسناد. ۴۹

ابن معلّم ، شیخ مفید (قدس سره).... ۵۱

امین الاسلام شیخ طبرسی (قدس سره).... ۵۱

بهاءالدین ، علامه اربلی (قدس سره).... ۵۲

رشید الدین ، ابن شهر آشوب مازندرانی (قدس سره).... ۵۲

فخر شیعه ، علامه ملا محمّد باقر مجلسی (قدس سره).... ۵۳

عالم ربانی ، علامه ملا احمد نراقی (قدس سره).... ۵۳

تحلیلی تاریخی درباره ی هجرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۵۴

تاریخ شفاهی حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام)... ۵۵

گرد غربت بر قبر مطهر بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۵۸

ص: ۶

ارادت دیرینه ی مردم نراق به بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۵۹

قول مشهور در میان مردم درباره ی حضرت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۶۳

وقفیات متعدد مردم برای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۶۵

دارالشفای عاشقان.. ۶۶

سالم ماندن پیکر مطهر حضرت زبیده خاتون (علیها السلام) پس از ۱۲۰۰ سال.. ۶۸

کفایت شهرت در ثبوت قبور امامزادگان جلیل القدر. ۷۱

نظر فقهی استاد الفقهاء و المجتهدین در دفع بعضی از وساوس و شبهات.. ۷۱

نظری دیگر در این باب.. ۷۳

در اثبات این مطلب شهرت کافی است!. ۷۶

اینجا قبر دختر مظلومه و بلافصل امام جواد (علیه السلام) است.. ۷۷

مقام و منزلت دختر امام جواد (علیه السلام) از نگاه علامه مجلسی زمان.. ۸۰

اراده ی خدا بر آن است اینجا محل فیض باشد!. ۸۳

جاذبه ی معنوی والای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۸۴

حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)، از برکات کوثر نبوی است.. ۸۶

عدم العلم و علم به عدم دو چیز است!. ۸۷

فصل سوّم حدیث غربت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۹۲

از مدینه تا نراق!. ۹۳

فصل چهارم کرامات حضرت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۱۰۴

شفایافتگان.. ۱۰۵

شفای خانم سرطانی از انگلستان.. ۱۰۶

شفای مرد یزدی که سرطان روده داشت.. ۱۰۹

شفای سرطان خون به عنایت بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۱۱۰

شفای بیماری که دکترها از او قطع امید کردند! ۱۱۱

عنایت ویژه ی زبیده خاتون (سلام الله علیها) به کسانی که نازا بودند. ۱۱۲

ص: ۷

عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها) و بچه دار شدن پس از ۸ سال.. ۱۱۳

شفای بیمار روانی به عنایت دختر حضرت جواد (علیه السلام)... ۱۱۵

دختر روانی که به عنایت بی بی شفا گرفت.. ۱۱۶

شفای جنین به عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۱۱۷

عنایاتی از حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) به نقل از آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحی (دام ظلّه)... ۱۱۸

۱- میهمان نوازی سیره ی آشکار زبیده خاتون (علیها السلام)... ۱۱۸

۲- پذیرایی غیر قابل وصف دختر امام جواد [از قافله ی فاطمیه. ۱۱۹

۳- کرامت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در برکت غذا ۱۲۱

۴- شور و حال کم نظیر در حرم مطهر فاطمه بنت الجواد (علیها السلام)... ۱۲۲

اتوبوسی که از سقوط نجات یافت! ۱۲۳

دختری که به درّه سقوط کرد! ۱۲۴

بچه ای که بین زمین و هوا ایستاد! ۱۲۵

رفع مشکل دیرینه ی خانوادگی به عنایت بی بی (سلام الله علیها)! ۱۲۶

برکت بی نظیر غذای تبرکی حضرت زبیده خاتون.. ۱۲۷

خانه دار شدن جوان بیکار. ۱۲۸

دستور بی بی زبیده و عنایت امام زمان (علیها السلام) در ساخت حرم مطهر. ۱۲۸

فصل پنجم بررسی هجرت سادات و امامزادگان به ایران.. ۱۳۲

بررسی هجرت امامزادگان به سرزمین ایران.. ۱۳۳

مهاجرت در کتب آسمانی.. ۱۳۳

ورود سادات به ایران.. ۱۳۶

مهاجرت های گروهی.. ۱۳۷

*حضرت سلطان علی بن محمد باقر (علیه السلام)... ۱۳۸

* کاروان علویان به رهبری احمد بن موسی (علیه السلام) (شاهچراغ). ۱۳۹

* هجرت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و همراهانش... ۱۴۲

ص: ۸

علل مهاجرت سادات به ایران.. ۱۴۵

علل مهاجرت سادات پیش از ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران.. ۱۴۵

* وجود امنیت قابل ملاحظه در ایران.. ۱۴۶

* تنوع آب و هوا و مناطق طبیعی مناسب در ایران.. ۱۴۶

* محبوبیت سادات نزد ایرانیان.. ۱۴۷

* عدالت خواهی ایرانیان.. ۱۴۸

* ظلم و جور امویان و عباسیان به ویژه حجاج و منصور ۱۴۹

* ورود یحیی بن زید و یحیی بن عبدالله محض حسنی به ایران.. ۱۵۰

* مهاجرت ایرانیان به دیار عرب.. ۱۵۱

* ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران.. ۱۵۲

* ورود سادات به عرصه سیاست.. ۱۵۳

* ورود سادات به منطقه با تأسیس حکومت علویان در طبرستان.. ۱۵۳

* نتیجه. ۱۵۵

تجلیل از زیارتگاههای امامزادگان (علیهم السلام) از دیدگاه مراجع معظم تقلید. ۱۵۷

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه)..... ۱۵۷

آیت الله العظمی بهجت (قدس سره).... ۱۵۷

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه)..... ۱۵۸

آیت الله العظمی مظاهری (دام ظلّه)..... ۱۵۸

آیت الله العظمی سبحانی (دام ظلّه)..... ۱۵۹

آیت الله العظمی نظری خادم الشریعه (دام ظلّه)..... ۱۵۹

عظمت امامزادگان.. ۱۶۰

فصل ششم اشعار و مدح و مرثیه شاعران ولایی.. ۱۶۳

آقای محسن اسلامی (پویا). ۱۶۴

مهندس مجید امیری سواد کوهی.. ۱۶۹

ص: ۹

فصل اول زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، دختر امام جواد (علیه السلام).... ۱۵

حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۱۶

تولد و شهادت.. ۱۷

جواد الائمه ، حضرت امام محمد تقی (علیه السلام).... ۱۹

سمانه ی مغربیه (سلام الله علیها)... ۲۱

« فاطمه » زینت بخش خانه ی جواد الائمه و بیت رسالت (علیهم السلام)..... ۲۲

فاطمه دختر امیرالمؤمنین (علیهما السلام)... ۲۳

فاطمه دختر امام حسن (علیهما السلام)... ۲۴

فاطمه دختر امام حسین (علیهما السلام)... ۲۴

فاطمه دختر امام سجاد (علیهما السلام)... ۲۵

فاطمه دختر امام باقر (علیهما السلام)... ۲۵

فاطمه دختر امام صادق (علیهما السلام)... ۲۵

فاطمه دختر امام کاظم (علیهما السلام)... ۲۵

فاطمه دختر امام رضا (علیهما السلام)... ۲۶

فاطمه دختر امام هادی (علیهما السلام)... ۲۷

فاطمه دختر امام عسکری (علیهما السلام)... ۲۷

بغض امام جواد (علیه السلام) نسبت به قاتلان مادر. ۲۷

انتخاب نام فاطمه برای دُرْدانه ی امام جواد (علیه السلام).... ۲۸

احترام نسبت به نام فاطمه (سلام الله علیها)... ۲۹

« فداها ابوها ». ۳۰

نام فاطمه در لغت و روایات! ۳۱

فاطمه در لغت و معانی.. ۳۲

نام فاطمه (سلام الله علیها) در روایات معصومین (علیهم السلام)..... ۳۲

بریدگی و دوری او و شیعیانش از جهنم. ۳۲

عجز بشریت از شناخت فاطمه (سلام الله علیها)... ۳۳

نام فاطمه بر باب بهشت.. ۳۴

نام و القاب حضرت فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها)... ۳۵

فصل دوم فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) در اسناد و اقوال.. ۳۸

فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) در بیان تاریخ

و اسناد. ۳۹

دلایل موانع دسترسی به منابع تاریخی در باب اهل بیت (علیهم السلام)... ۳۹

فرزندان با عظمت حضرت امام جواد (علیه السلام).... ۴۱

۱. امام علی النقی الهادی (علیه السلام).... ۴۱

شاگردان امام هادی (علیه السلام).... ۴۴

۲. حضرت موسی مبرقع (علیه السلام).... ۴۵

۳. حضرت حکیمه خاتون (سلام الله علیها)... ۴۷

نگاهی گذرا بر حضرت فاطمه بنت الجواد (علیه السلام) در تاریخ و اسناد. ۴۹

ابن معلّم ، شیخ مفید (قدس سره).... ۵۱

امین الاسلام شیخ طبرسی (قدس سره).... ۵۱

بهاءالدین ، علامه اربلی (قدس سره).... ۵۲

رشید الدین ، ابن شهر آشوب مازندرانی (قدس سره).... ۵۲

فخر شیعه ، علامه ملا محمّد باقر مجلسی (قدس سره).... ۵۳

عالم ربانی ، علامه ملا احمد نراقی (قدس سره).... ۵۳

تحلیلی تاریخی درباره ی هجرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۵۴

تاریخ شفاهی حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام)... ۵۵

گرد غربت بر قبر مطهر بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۵۸

ارادت دیرینه ی مردم نراق به بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۵۹

قول مشهور در میان مردم درباره ی حضرت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۶۳

وقفیات متعدد مردم برای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۶۵

دارالشفای عاشقان.. ۶۶

سالم ماندن پیکر مطهر حضرت زبیده خاتون (علیها السلام) پس از ۱۲۰۰ سال.. ۶۸

کفایت شهرت در ثبوت قبور امامزادگان جلیل القدر. ۷۱

نظر فقهی استاد الفقهاء و المجتهدین در دفع بعضی از وساوس و شبهات.. ۷۱

نظری دیگر در این باب.. ۷۳

در اثبات این مطلب شهرت کافی است!. ۷۶

اینجا قبر دختر مظلومه و بلافصل امام جواد (علیه السلام) است.. ۷۷

مقام و منزلت دختر امام جواد (علیه السلام) از نگاه علامه مجلسی زمان.. ۸۰

اراده ی خدا بر آن است اینجا محل فیض باشد!. ۸۳

جاذبه ی معنوی والای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۸۴

حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)، از برکات کوثر نبوی است.. ۸۶

عدم العلم و علم به عدم دو چیز است!. ۸۷

فصل سوّم حدیث غربت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۹۲

از مدینه تا نراق!. ۹۳

فصل چهارم کرامات حضرت زبیده خاتون (علیها السلام)... ۱۰۴

شفایافتگان.. ۱۰۵

شفای خانم سرطانی از انگلستان.. ۱۰۶

شفای مرد یزدی که سرطان روده داشت.. ۱۰۹

شفای سرطان خون به عنایت بی بی زبیده (سلام الله علیها)... ۱۱۰

شفای بیماری که دکترها از او قطع امید کردند!. ۱۱۱

عنایت ویژه ی زبیده خاتون (سلام الله علیها) به کسانی که نازا بودند.. ۱۱۲

عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها) و بچه دار شدن پس از ۸ سال.. ۱۱۳

شفای بیمار روانی به عنایت دختر حضرت جواد (علیه السلام)... ۱۱۵

دختر روانی که به عنایت بی بی شفا گرفت.. ۱۱۶

شفای جنین به عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها)... ۱۱۷

عنایاتی از حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) به نقل از آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحی (دام ظلّه)... ۱۱۸

۱ - میهمان نوازی سیره ی آشکار زبیده خاتون (علیها السلام)... ۱۱۸

۲ - پذیرایی غیر قابل وصف دختر امام جواد [از قافله ی فاطمیه. ۱۱۹

۳ - کرامت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در برکت غذا ۱۲۱

۴- شور و حال کم نظیر در حرم مطهر فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام)... ۱۲۲

اتوبوسی که از سقوط نجات یافت!. ۱۲۳

دختری که به درّه سقوط کرد! ۱۲۴

بچه ای که بین زمین و هوا ایستاد!. ۱۲۵

رفع مشکل دیرینه ی خانوادگی به عنایت بی بی (سلام الله علیها)!. ۱۲۶

برکت بی نظیر غذای تبرکی حضرت زبیده خاتون.. ۱۲۷

خانه دار شدن جوان بیکار. ۱۲۸

دستور بی بی زبیده و عنایت امام زمان (علیهما السلام) در ساخت حرم مطهر. ۱۲۸

فصل پنجم بررسی هجرت سادات و امامزادگان به ایران.. ۱۳۲

بررسی هجرت امامزادگان به سرزمین ایران.. ۱۳۳

مهاجرت در کتب آسمانی.. ۱۳۳

ورود سادات به ایران.. ۱۳۶

مهاجرت های گروهی.. ۱۳۷

* حضرت سلطان علی بن محمد باقر (علیه السلام).... ۱۳۸

* کاروان علویان به رهبری احمد بن موسی (علیه السلام) (شاهچراغ). ۱۳۹

* هجرت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و همراهانش ... ۱۴۲

علل مهاجرت سادات به ایران.. ۱۴۵

علل مهاجرت سادات پیش از ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران.. ۱۴۵

* وجود امنیت قابل ملاحظه در ایران.. ۱۴۶

* تنوع آب و هوا و مناطق طبیعی مناسب در ایران.. ۱۴۶

* محبوبیت سادات نزد ایرانیان.. ۱۴۷

* عدالت خواهی ایرانیان.. ۱۴۸

* ظلم و جور امویان و عباسیان به ویژه حجاج و منصور ۱۴۹

* ورود یحیی بن زید و یحیی بن عبدالله محض حسنی به ایران.. ۱۵۰

* مهاجرت ایرانیان به دیار عرب.. ۱۵۱

* ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران.. ۱۵۲

* ورود سادات به عرصه سیاست.. ۱۵۳

* ورود سادات به منطقه با تأسیس حکومت علویان در طبرستان.. ۱۵۳

* نتیجه. ۱۵۵

تجلیل از زیارتگاههای امامزادگان (علیهم السلام) از دیدگاه مراجع معظم تقلید. ۱۵۷

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه)..... ۱۵۷

- آیت الله العظمی بهجت (قدس سره).... ۱۵۷
- آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه)..... ۱۵۸
- آیت الله العظمی مظاهری (دام ظلّه)..... ۱۵۸
- آیت الله العظمی سبحانی (دام ظلّه)..... ۱۵۹
- آیت الله العظمی نظری خادم الشریعه (دام ظلّه)..... ۱۵۹
- عظمت امامزادگان.. ۱۶۰
- فصل ششم اشعار و مدح و مرثیه شاعران ولایی.. ۱۶۳
- آقای محسن اسلامی (پویا). ۱۶۴
- مهندس مجید امیری سواد کوهی.. ۱۶۹
- مرحوم مهندس حسینی دلجانی.. ۱۷۰
- آقای محمد خادم ۱۷۱
- آقای محمد حسن زاده)
- راضی اصفهانی). ۱۷۳
- فضل الله شیرانی (سخا). ۱۷۵
- آقای معصوم (عاصی). ۱۷۷
- حاج محمد علی فریور. ۱۷۹
- استاد محمد قدسی اصفهانی.. ۱۸۱
- آقای محمدرضا قناعتی ۱۸۷
- حجت الاسلام و المسلمین شیخ علیرضا محمدی (مسافر). ۱۸۸
- آقای محسن ناصحی ۱۹۲
- آقای سید محمود مرتضوی (ناظر) ۱۹۰
- فصل هفتم فهرست اعلام.. ۱۹۴

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه مولانا امير المؤمنين و الائمة المعصومين (عليهم السلام)

به فضل خدا و ائمه هدی (عليهم السلام)، روز شهادت مظلومانه ی حضرت امام جواد (علیه السلام) (۱)، به اتفاق جمعی از علما و دلسوختگان آل الله به زیارت حرم مطهر دختر بلافضل حضرت جواد الائمه (علیه السلام)، حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در نزدیکی شهر نراق نائل شدیم. وقتی بر آستان خورشید پر فروغش قدم نهادیم، حال و هوای معنوی کم نظیری ما را در بر گرفت و کعبه ای را در دل کویر غربت یافتیم که در کنارش زمزمی جوشان و کوثری خروشان و سعی و صفا و شور و نوایی بر آستان الهی اش پدیدار بود.

وقتی به سمت حرم مطهر و قتلگاه پر سوز و گدازش حرکت نمودیم، ناگاه صدای ضجه ی مردان و صدای شیون و بی تابی زنان و کودکان توجه ی ما را به خود جلب کرد. وارد حرم مطهر که شدیم انبوه جمعیتی را در رواق ها مشاهده کردیم که عزادارانی از علما و سوگوارانی از طیف های مختلف مردم، در کنار هم نشسته بودند و به بیانات عالمی دلسوخته از سادات جلیل القدر (۲) که از غربت عترت سخن

ص: ۱۱

۱- آخر ماه ذی القعدة ۱۴۴۱ قمری برابر یازدهم مرداد سال ۱۳۹۸ هجری شمسی

۲- عالم ربانی، استاد حوزه علمیه اصفهان آیت الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی اصفهانی (دام ظلّه)

می گفت گوش فرا می دادند و با شور و حالی غیر قابل وصف ، با کلمه به کلمه ی کلام ایشان چون شمع می سوختند و بی اختیار گریه و زاری و بی تابی می نمودند .

حال و هوای حرم مطهر مرا در بُهت و سکونی عجیب قرار داد و لحظاتی تنها نظاره گر آن بوم و در تأمل این که چگونه صاحب این بارگاه نورانی ، در دل این بیابان داغ و کویر برهوت و عطش چشیده ، اینگونه آنها را با اشک چشمانشان سیراب و دل ها را روانه ی دیار فطرت و مقیم کوی عترت می کند . در دل گفتم که اینجا کجاست که در روز شهادت امام جواد (علیه السلام) مرا به خود خوانده است که هر کسی را که می نگرم در حال و هوایی نورانی برای خود زمزمه ای دارد و *أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَرُدُّ سَلَامِي* را در *هَقِّ هَقِّ* گریه ها و لرزش شانه هایش مشاهده می کردم .

اینجا کجاست که در این حرم دل چنین متلاطم و جاذبه اش چنین همگان را در خود فرو برده است؟! نایی که از نی نوای وجودم برخواست ، چنین روایت کرد که اینجا محلّ فیض ، قطعه ای از بهشت و آیتی از جانب پروردگار عالم است تا ایتم آل محمّد (علیهم السلام) در عصر تاریک غیبت موعود امم را تسلی بخشد تا نمی از یم عنایات فاطمی اش بهر مند گردیده و به جان و روح خود در و انفسای آخرالزمان جلایی دیگر بخشد .

سخن گفتن درباره ی این منبع فیض و کمال که متصل به اقیانوس بیکران ولایت هست بسیار سخت است و این قلم ضعیف را یارای توصیف آن نیست .

حال اگر بخواهیم از آن گنجینه ی عترت در کویر نراق سخن بگوییم و آن عالمه شهیده را در جملاتی کوتاه معرفی کنیم ، چنین می نویسیم :
« صاحب آن قبر مطهر ، آن بانوی شهیده را ليله القدری پُر از اسرار الهی یافتیم که حقایق در وجودش مکتوم و مردم تنها از برکات و کرامات و نورانیتش بهره مند می باشند و از شأن و مقام و مرتبتش کسی جز خدا مطلع نیست » .

اگر چه تاریخ نیز قابلیت آن را نداشت که برگ های زرّین حیات طیبه ی آن عزیزه جواد الائمه (علیه السلام) را بطور کامل در خود جای دهد ، ولی به نوبه ی خود قلم بر لوح جان نهاده تا در وسع خود بر اساس تتبع در روایات و بررسی تاریخ و بیان صاحب نظران آنچه که تا به امروز سینه به سینه به ما رسیده است را در ضمن بیان کرامات و منامات نوه ی باجلالت امام رضا (علیه السلام) ، فاطمه ی دیگری را به موالیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) معرفی و نمی از یم حیات طیبه ، غربت و مظلومیت و عظمت آن یادگار نه ساله ی امام جود و کرامت را تبیین نماییم . علی رغم بی مهری ها و کینه توزی های دشمنان آل الله در قرن های گذشته تا کنون ، قدر و قبر این نازدانه ی امام جواد (علیه السلام) با کرامات عدیده اش بر همگان تداعی گشت و عظمت و نورانیت آن بانوی مظلومه بر دوست و دشمن ثابت شد و این امر بیانگر آن است که دنیا بداند نور خدا هیچگاه خاموش نخواهد شد!

(يُرِيدُونَ)

لِيُظْفِرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ(١)

المتمسك بذيل الولاية ، كلبهم الباسط ذراعيه بالصيد

محمد اميرى سوادكوهي - قم المقدسه



٥ صفر الأحران ١٤٤١ هـ - ق - سالروز شهادت حضرت رقيه خاتون (عليها السلام)

ص: ١٤

١- . صف ، آيه ٧

فصل اوّل: زبیده خاتون (سلام اللہ علیہا) ، دختر امام جواد (علیہ السلام)

اشارہ

ص: ۱۵

حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)

شهیده ی در راه ولایت ، حضرت فاطمه بنت الجواد (علیها السلام) (فاطمه ی صغری)، مشهور به « زبیده خاتون » و « بی بی زبیده » و مکتبی به « ام البنین » ، دختر بلافصل نهمین پیشوای شیعیان جهان ، جوادالائمه ، حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) ، نوه ی حضرت امام رضا (علیه السلام) ، خواهر با عظمت حضرت امام علی النقی (علیه السلام) و عمّه ی با جلال حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) است.

نام مبارکش یاد آور غربت مادر مظلومه ای است که پس از هزار و چهارصد و اندی سال ، هنوز ندای غربت و مظلومیتش نه تنها از کوچه های مدینه ، بلکه از بلاد محبتان علی (علیه السلام) به گوش می رسد و نفس نفس های خسته اش در کویر غربت ، هق هق طفل سه ساله ای را در ذهن متبلور ساخته که هر کدام از آن روایت دیگری را از عاشوراییان در دل ها زنده می کند که از قدم های لرزان زمین می سوزد و از مصیبت آوارگی اش زمان می خروشد .

بانوی مجلله ای که علم و رأفت و عطوفتش را از جدّ بزرگوارش امام رضا (علیه السلام) و سفره داری اش را از پدر بزرگوارش امام جواد (علیه السلام) به ارث برده که وقتی سر بر آستان با کرامتش می نهی ، آرامشی قلبت را در بر میگیرد که گویا در باب المراد حریمش سر بر دامان جواد الائم (علیه السلام) گذاشته و طنین دل آرامی وجودت را در بر می گیرد که ... هر چه می خواهد دل تنگت بگو!

ولادت سراسر نور حضرت فاطمه بنت الجواد (زبیده خاتون) (سلام الله علیها) در مدینه ی منوره و در بیت امامت و کرامت حضرت جواد الائمه (علیه السلام) و از دامان پُر مهرِ مادری پاکدامن و عفیفه به نام حضرت سمانه ی مغربیه (سلام الله علیها) بوده است .

روزهایی که عطر دل انگیز فاطمی ، خانه ی خورشید مدینه را معطر نمود و آسمان ، نور افشان و عرشیان هلله کنان ، آیه ی شریفه ی (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ)^(۱) بر لبانشان مترنم بود .

آن روز مردم مدینه می گفتند : خدا به محمّد بن علی (علیهما السلام) فاطمه داده! و قدم های نو رسیده ی کوثر ولایت را به امام خوبی ها تبریک می گفتند .!

آه ... و صد آه که سؤالی گلویم را می فشارد و تپش های قلبم را به شماره می اندازد و حافظه ی قلمم را به شب های تاریک مدینه و به خون نگاشته های فاطمی ام^(۲) سوق میدهد و ندای « اللَّهُمَّ عَجِّلْ وَفَاتِي سَرِيْعًا »^(۳) ی پاره ی وجود رسول خاتم ، جگرم را آتش میزند که چرا تبریک گویان آن روز ، زبانشان بند نیامد و از خجالت آب نشدند که نام مادر مظلومه ی کوچه های غربت همان

مدینه را پس از مدتها بر زبان جاری کنند که (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)^(۴) ! .

ص: ۱۷

۱- . کوثر ، آیه ۲

۲- . کتاب خون نگاشته های فاطمی ، اثر نگارنده که از فضائل و مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) حکایت دارد.

۳-۳ . بحارالانوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۷۷؛ احقاق الحق ، ج ۱۹ ، ص ۱۶۰ و فرهنگ سخنان فاطمه ، ص ۱۴۸ .

۴- . واقعه ، آیه ۸۰

نمی دانم روزهای آغازین ولادت این مولود با عظمت ، با قلب داغدار امام جواد (علیه السلام) چها کرد که وقتی نام مادر را می شنید ، نه تنها لبخند ، که بغض هایش در گلو چون استخوانی آزارش می داد و « ... فِيمَا صُنِعَ بِأُمِّي فَاطِمَةَ ... » (۱) را در دل زمزمه میکرد .

گویا نگاه و لبخند دل انگیز این مولود ، قدم قدم های این دختر برای پدر یادآور مادر مظلومه ای بود که آه سرد را در وجودش جاری و ساری می کرد و بر افروخته می شد ...!

ای کاش وقتی می خواست قدم های اول زندگی اش را بر دارد امام جواد (علیه السلام) شاهد آن نبود ،

چون کودک است و شاید نتواند محکم قدم بردارد و فاطمه کوچک خانه ناگهان بر زمین بیفتد و لباسش خاکی شود ... ؛ ایکاش امام جواد (علیه السلام) شاهد آن نبوده باشد چرا که این خاندان با لباس و چادر خاکی خاطرات خوبی ندارند ...!

گریه گریه فاش می گویم به یار فاطمه یعنی غمی دنباله دار

اگر چه از تاریخ ولادت و شهادت آن حضرت مطلبی در اسناد و منابع رؤیت نشده و حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) چون شب قدری با فضیلت و پُر از اسرار بر ما نازل شده است ولی آنچه که سینه به سینه تا به امروز به ما رسیده چنین بوده است که روز شهادت آن بانوی مظلومه ، همزمان با سالروز اربعین سید و سالار

ص: ۱۸

۱- اثبات الوصیه : ۱۸ ، بحار الأنوار (ط - بیروت) ، ج ۵۰ ، ۵۹ - به آن چه درباره مادرم زهرا (سلام الله علیها) انجام شد ، می اندیشم .

شهیدان ، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می باشد و بنا بر قول مشهور ، سن زبیده خاتون (سلام الله علیها) در آن زمان ۹ سال بوده است.

پدر

جواد الائمه ، حضرت امام محمد تقی (علیه السلام)

پدر با عظمت حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، نهمین پیشوای شیعیان جهان ، حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) می باشد که در دهم ماه رجب سال ۱۹۵ هجری قمری در مدینه منوره چشم به جهان گشود .

آن امام همام نیز مانند جده ی مظلومه اش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) زندگانی کوتاه و سراسر رنج و مظلومیت داشت و در آخر ماه ذیالقعده سال ۲۲۰ هجری قمری در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسید .

پدر بزرگوارش عالم آل محمد (علیهم السلام) ، حضرت امام رضا (علیه السلام) و مادر ارجمندش بانویی مصری تبار به نام سبیکه می باشد . ریحانه و خیزران از دیگر نام های مادر امام جواد (علیه السلام) است . حضرت امام رضا (علیه السلام) در مورد منزلت فرزندش امام جواد (علیه السلام) و مادر مکرمه ی آن حضرت ، به یارانش فرمود : من دارای پسری شده ام که همچون موسی (علیه السلام) شکافنده دریاها [ی علم] است و همانند عیسی (علیه السلام) مادری قدسیه و پاکیزه دارد . (۱)

ص: ۱۹

پیشوای نهم در سن ۷ سالگی به امامت رسید و هفده سال رهبری مسلمانان را به عهده داشت . ورنه امامت حضرتش با دو نفر از خلفای ستم پیشه ی عباسی مأمون و معتصم مقارن بود .

حضرت جواد (علیه السلام) در داشتن تمام صفات زیبای اخلاقی و انسانی سرآمد خوبان روزگار بوده و پارسایی ، علم و دانش و بخشندگی اش موجب شده بود که با القاب جواد ، تقی ، مرتضی و منتجب شناخته شود . اما در این میان لقب « ابن الرضا (علیه السلام) » به خاطر شکوه و جلالت امام رضا (علیه السلام) در میان مردم شهرت بیشتری داشت و حتی بعد از آن حضرت ، مردم امام دهم و یازدهم (علیهما السلام) را نیز با همین لقب بیشتر می شناختند .

امام رضا (علیه السلام) هنگام خطاب به یگانه فرزندش ، بیشتر ، از کنیه « ابو جعفر » - که نشانه احترام خاصی است - استفاده می کرد . گفتنی است که امام جواد (علیه السلام) پسری به نام جعفر نداشت تا مکنی به ابو جعفر باشد ، اما از آنجایی که آن حضرت شباهت زیادی به جدش امام باقر (علیه السلام) داشت به ابو جعفر ثانی مشهور گردید .

امام محمد تقی (علیه السلام) در سن ۲۵ سالگی و در عنفوان جوانی به دستور معتصم عباسی و توسط همسر بی وفایش ام الفضل (دختر مأمون) در شهر بغداد به شهادت رسید .

سمانه ی مغربیه (سلام الله علیها)

مادر عقیقه ی حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) ، محدثه ای زاهده به نام حضرت سمانه ی مغربیه (سلام الله علیها) ، معروف به سیده و مُکَنّی به امّ الفضل (۱) بود

(۲) .

در منابع تاریخی ،

بحث تفصیلی درباره این بانوی بزرگوار وجود ندارد و به ذکر چند خط در شرح حال همسر با جلالت جوادالائمه (علیه السلام) اکتفاء شده است .

در فضائل این بانو ، همین مقدار کافی است که امام هادی (علیه السلام) در شأن و مقام والای ایشان فرمودند : « أُمِّي عَارِفَةٌ بِحَقِّي ، وَ هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، لَمَّا يَقْرَبُهَا شَيْطَانٌ مَيَّارِدٌ ، وَ لَمَّا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ، وَ هِيَ مَكْلُوَةٌ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَمَّا تَنَامُ ، وَ لَا تَتَخَلَّفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصِّدِّيقِيْنَ وَ الصَّالِحِيْنَ » . (۳)

« مادرم عارف به حق من (حق امامت) است ، اهل بهشت است ، شیطان سرکش به او راهی ندارد و نزدیکش نمی شود و مکر و حيله جبار سرکش به وی نمی رسد ، تحت نظر الهی است که غلفت در او راه ندارد ، او با مادران صدیقین و صالحین فرقی ندارد .» در جنات الخلود آمده است که آن بانو بسیار روزه می گرفت و نماز می خواند (۴) و در زهد و تقوا مثل و مانند نداشت .

ص: ۲۱

۱- . محلاتی ، مآثر الکبراء ، ۱۳۸۴ش ، ج ۳ ، ص ۱۹ .

۲- . حسون ، أعلام النساء المؤمنات ، ۱۳۷۹ش ، ص ۵۱۷ .

۳- . دلائل الامامه ، ص ۲۱۶

۴- . محلاتی ، ریاحین الشریعه ، ج ۳ ، دارالکتب الإسلامیه ، ص ۲۳ .

مرقد مطهر سمانه (سلام الله علیها)، در سامرا، در حرم عسکریین و در مجاورت امام هادی (علیه السلام)، امام عسکری (علیه السلام)، نرجس خاتون (مادر امام زمان (علیه السلام))، حکیمه خاتون (دختر امام جواد (علیه السلام)) و حَدِيث

(مادر امام عسکری (علیه السلام)) میباشد و از ایشان در زمره ی زنان راوی حدیث نیز نام برده شده است . (۱)

« فاطمه » زینت بخش خانه ی جواد الائمه و بیت رسالت (علیهم السلام)

یکی از سنت هایی که در دین اسلام بر آن تأکید شده است انتخاب نام نیک بر فرزندان است که در میان ائمه اطهار (علیهم السلام) و شیعیان و موالیانشان از اهمیت والایی برخوردار بوده است .

امامان معصوم (علیهم السلام) علاقه ی خاصی به نام مبارک رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و نام مقدس حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داشتند و بخاطر همین، نام بسیاری از فرزندان و نوادگان خود را مزین به نام محمّد، علی و فاطمه می کردند تا یاد آور شکوه و جلالت نبوت و ولایت و حلقه ی اتصال آن باشند .

با کمی واکاوی در منابع تاریخی متوجه می شویم قاطبه ی معصومین (علیهم السلام) از جمله امام جواد (علیه السلام) به جهت ارادت ویژه ای که به مادر مظلومه ی خود حضرت عصمت الله الکبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داشتند، نام یکی از دختران خویش را فاطمه گذاشته اند .

ص: ۲۲

امام صادق (علیه السلام) درباره ی نام مبارک « فاطمه » می فرماید: « هَذَا الْإِسْمُ مُحْتَرَمٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ إِسْمٌ إِشْتَقَّ مِنْ إِسْمِهِ لِحَبِيبَتِهِ الصَّدِيقَةِ ». (۱)

« این نام در نزد خداوند با عظمت محترم است؛ و آن نامی است که خداوند از اسم خود برای حبیبه ی خود صدیقه گرفته است ».

فاطمه دختر امیرالمؤمنین (علیهما السلام)

نام یکی از دختران امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فاطمه است، فاطمه بنت علی بن ابی طالب (علیهما السلام) که از راویان حدیث، اسیران و گزارشگران واقعه کربلا است، (۲) پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) به همراه دیگر بازماندگان کاروان امام (علیه السلام) به اسارت درآمد. وی حدیث منزلت (۳)

و رد الشمس (۴)

را روایت کرده است. (۵) ابومخنف برخی حوادث واقعه کربلا را با یک واسطه از وی گزارش کرده است. (۶)

ص: ۲۳

- ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۰
- ۲- ابن جوزی، المنتظم، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۴۴.
- ۳- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۰۹۷-۱۰۹۸؛ عاملی، اثبات الهداه، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ۲۳۹؛ جزری، اسنی المطالب، ۱۴۲۶ق، ص ۱۶۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۲۶۳، ۲۶۸.
- ۴- مقریزی، امتاع الاسماع، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۹؛ عاملی، اثبات الهداه، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۱۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۱۷۷.
- ۵- صالحی شامی، سبل الهدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۳۵.
- ۶- ابومخنف، وقعه الطف، ۱۴۱۷ق، ص ۴۸، ۲۷۱؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۶۱-۴۶۲.

فاطمه دختر امام حسن (علیهما السلام)

فاطمه بنت الحسن (علیهما السلام) دختر امام حسن (علیه السلام) است و همسر حضرت امام سجاد (علیه السلام) و مادر امام باقر (علیه السلام) بود که در جمع اسرای کربلا بودند .

امام صادق (علیه السلام) در وصفشان فرمود: « كَانَتْ أُمِّي مِمَّنْ آمَنَتْ وَ اتَّقَتْ وَ أَحْسَيْنَتْ (وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) » ، « مادر من با ایمان و با تقوا و نیکوکار بود و خدا هم نیکوکاران را دوست دارد » ،^(۱) و همچنین فرمود: « كَانَتْ

صِدِّيقَةً لَمْ تُدْرِكْ فِي آلِ الْخَسَنِ امْرَأَةً مِثْلَهَا » ^(۲)

، « او زنی راستگو بود که در خاندان امام حسن زنی همانند او یافت نشد » .

فاطمه دختر امام حسین (علیهما السلام)

فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) ، دختر بزرگ حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) بود که برخی ایشان را زییده می خوانند^(۳)

که ضمن حضور در واقعه کربلا ، همراه بازماندگان شهدا به اسیری به شام برده شدند .

در برخی اقوال آورده شده که حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) تمامی دختران خویش را به اسم مادر بزرگوارشان حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) قرار داده اند .

ص: ۲۴

۱- اصول کافی / ترجمه مصطفوی ؛ ج ۲ ، ص ۳۷۸

۲- الکافی ؛ ج ۱ ، ص ۴۶۹

۳- اسرار الشَّهاده ، ج ۳ ، ص ۴۶۷ .

فاطمه دختر امام سجاد (علیهما السلام)

در منابع تاریخی طبق نوشته ی شیخ مفید (قدس سره) یکی از دختران گرامی شان نام فاطمه نام دارد . (۱)

فاطمه دختر امام باقر (علیهما السلام)

در ذکر اولاد امام محمد باقر (علیه السلام) نام فاطمه بنت محمد باقر (علیهما السلام) وجود دارد ، ایشان از راویان حدیث های غدیر و منزلت از فاطمه دختر حضرت سجاد (علیه السلام) می باشد . (۲)

فاطمه دختر امام صادق (علیهما السلام)

امام صادق (علیه السلام) نیز دختری به نام فاطمه دارند ، (۳) فاطمه بنت جعفر الصادق (علیهما السلام) راوی برخی احادیث همچون حدیث های غدیر و منزلت می باشند . (۴)

فاطمه دختر امام کاظم (علیهما السلام)

امام موسی کاظم (علیه السلام) نیز اسامی دخترانشان را نیز به اسم حضرت زهرا (سلام الله علیها) قرار می دادند و لذا برای فرق بین تشابه اسامی ، پسوند هایی را نیز اضافه می نمودند ،

لذا برای آن حضرت چهار دختر به نام فاطمه ذکر کرده اند و این چهار بزرگوار به

فواطم مشهور بوده اند ایشان عبارتند از :

ص: ۲۵

۱- مفید ، الارشاد ، ۱۴۱۳ق ، ج ۲ ، ص ۱۵۵ .

۲- الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷

۳- مفید ، الارشاد ، ۱۴۱۳ق ، ج ۲ ، ص ۲۰۹ .

۴- الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷

اول فاطمه کبری ، ملقب به حضرت معصومه (سلام الله علیها) که در فضل ایشان همان بس که پدرشان امام کاظم (علیه السلام) در حقشان بفرماید : فداها ابوها ، ایشان در شهر مقدس قم مدفون است .

دوم ، فاطمه وسطی ، ملقب به (سنی فاطمه) که در اصفهان مدفون است .

سوم ، فاطمه صغری

، ملقب به (بی بی هیت) که در مدخل شهر باکو ، در آذربایجان شوروی مدفون است .

چهارم ، فاطمه اخری ، مشهور به (خواهر امام) که در رشت مدفون است .

فاطمه دختر امام رضا (علیهما السلام)

ش-ی-خ-ص-دوق در ع-ی-ون اخ-ب-ار الرض-ا (علیه السلام) از دختر امام رضا (علیه السلام) به نام فاطمه حدیث نقل کرده است (۱)

و در کتب انساب نیز برای امام رضا (علیه السلام) دختری به نام فاطمه ذکر شده که همسر یکی از نوادگان جعفر طیار (علیه السلام) بوده است (۲) .

همچنین ایشان راوی حدیث غدیر نیز می باشد .

فاطمه دختر امام جواد (علیهما السلام)

حضرت امام جواد (علیه السلام) نیز دختری به نام فاطمه داشته (۳)

که به فاطمه صغری مشهور و به حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) موصوف می باشند .

ص: ۲۶

۱- اعیان الشیعه ، ج ۸ ، ص ۳۹۰

۲- ریاحین الشریعه ، ج ۵ ، ص ۳۱ .

۳- مفید ، الارشاد ، ۱۴۱۳ق ، ج ۲ ، ص ۲۹۵ .

فاطمه دختر امام هادی (علیهما السلام)

مورخین برای امام هادی (علیه السلام) نیز یک دختر برشمرده اند که در مورد اسم ایشان نظرات متفاوت است ، اما با توجه به روش و سیره ی ائمه (علیهم السلام) و اجداد آن حضرت به نظر می رسد ایشان نیز یکی از اسامی دخترشان را فاطمه قرار داده اند.

فاطمه دختر امام عسکری (علیهما السلام)

آنچه معروف است آن بوده که امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزندی بجز امام مهدی (علیه السلام) ندارند ، اما برخی مورخین که برای آن حضرت فرزندان دیگری نقل میکنند و نام فاطمه در میان آن ها به چشم می خورد . (۱)

بغض امام جواد (علیه السلام) نسبت به قاتلان مادر

« وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ قَالَ : إِنِّي لَعِنْدَ الرَّضَا إِذْ جِيءَ بِأَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) وَ سِنَّهُ أَقْلٌ مِنْ أَرْبَعِ سِنِينَ فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَأَطَالَ الْفِكْرَ فَقَالَ لَهُ الرَّضَا (علیه السلام) بِنَفْسِي فَلَمْ طَالَ فِكْرُكَ فَقَالَ فِيمَا صُنِعَ بِأُمِّي فَاطِمَةَ أَمَا وَاللَّهِ لَأُخْرِجَنَّهْمَا ثُمَّ لَأُحْرِقَنَّهْمَا ثُمَّ لَأُذَرِيَنَّهْمَا ثُمَّ لَأَنْسِفَنَّهْمَا فِي الْيَوْمِ نَسْفًا فَاسْتَدْنَاهُ وَ قَبَلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ بِأَبِي

أَنْتَ وَ أُمِّي أَنْتَ لَهَا يَعْغِي الْإِمَامَةَ . (۲) »

ص: ۲۷

۱- حسینی ، سید محمد رضا ، تاریخ اهل البيت (علیهم السلام) قم ، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) ، ۱۴۱۰ق ، ص ۱۱۲ به نقل از هدایه المخطوطه .

۲- اثبات الوصیه : ۱۸ ، بحار الأنوار (ط - بیروت) ، ج ۵۰ ، ۵۹

« جناب زکریا بن آدم می گوید: خدمت حضرت رضا (علیه السلام) نشسته بودم که امام جواد (علیه السلام) را پیش او آوردند. پس آن حضرت از چهار سال کمتر بود. حضرت جواد (علیه السلام) دست هایش را بر زمین نهاد، سرش را به طرف آسمان بلند کرد و در فکری عمیق فرو رفت. امام رضا (علیه السلام) فرمود: جانم فدایت چرا در فکری؟ امام جواد (علیه السلام) فرمود: به آن چه درباره مادرم زهرا (سلام الله علیها) انجام شد، می اندیشم. به خدا سوگند، حق قاتلانش آن است که اگر دستم به آن ها برسد، آنان را سوزانده، تکه تکه کنم و ریشه شان را بر کنم.

در این هنگام، امام رضا (علیه السلام) او را در آغوش کشید، میان دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدایت، به راستی که تو لایق امامت شیعه هستی.»

انتخاب نام فاطمه برای دُرَدانه ی امام جواد (علیه السلام)

انتخاب نام مبارک «فاطمه» بر دختر با جلالت جوادالائمه (علیه السلام) توسط پدر نیز از علاقه ی وافر آن امام همام بر مادر مظلومه ی شان حضرت زهرا (سلام الله علیها) حکایت دارد که از کودکی از غم شهادت و مظلومیت مادر شهیده ی شان در سوز و گداز بود.

با آن شدت علاقه و ارادتی که امام جواد (علیه السلام) به مادر مظلومه و مجروحه ی شان حضرت زهرا (سلام الله علیها) داشتند، یقیناً ظرف وجودی این نازدانه در زمان تولد در نگاه ولایتی آن امام همام ملموس بوده و نورانیت و عظمت آن دُرَدانه را رؤیت نموده که عزیزترین نامی که در دل می پرواند را بر این مولود زندگی نهاد، چرا

که امام معصوم (علیه السلام) همانند پیامبر از روی حکمت سخن می گوید (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ) (۱)؛

چه غمبار بود برای امام جواد (علیه السلام) وقتی که این دختر را با نام مادر صدایش می زد و در افق نگاه و سرنوشتش ، او را مظلومه ای مجروح و شهیده می دید که زبان از بیانش به لکنت می افتد .

این بانوی با عظمت مورد عنایت ویژه ی امام جواد (علیه السلام) بود چرا که از روایات استفاده می شود که امامان معصوم (علیهم السلام) نسبت به فرزندانشان که همنام مادر مظلومه ی شان بودند برخوردی متفاوت داشتند و به کسی که نام فرزند خود را فاطمه نهاد فرمودند :

« ... وَ قَالَ : إِذَا سَمَّيْتَهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسْبُهَا وَلَا تَضْرِبْهَا وَلَا تَلْعَنُهَا . هَذَا الْإِسْمُ مُحْتَرَمٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هُوَ إِسْمٌ إِشْتَقَّ مِنْ إِسْمِهِ لِحَبِيبَتِهِ الصَّدِيقَةِ » (۲)

... حال که او را فاطمه نامیدی به او ناسزا نگو؛ او را نزن و نفرینش نکن ، این نام در نزد خداوند با عظمت محترم است؛ و آن نامی است که خداوند از اسم خود برای حبیبه خود صدیقه گرفته است .

احترام نسبت به نام فاطمه (سلام الله علیها)

از مطالب بسیار ظریفی که در تاریخ ثبت شده و می توان بدان اشاره کرد آن

ص: ۲۹

۱- . نجم ، آیات ۵و۴

۲- . وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۰۰

است که وقتی ائمه اطهار (علیهم السلام) نام برخی از دختران خود را به نام مبارک مادر مظلومه ی شان مزین می فرمودند ، ضمن آنکه نگاه ویژه ای نسبت به آن مولود داشتند ، تعابیر و جملاتی که رسول خدا a برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) بکار می بردند را در طول زندگی شان به مناسبت های مختلف برای آنان استفاده می کردند .

این تعابیر ناب حاکی از منش و سیره ی فاطمی نازدانه های آل الله بوده که از آن مظلومه ی تاریخ به ارث برده بودند که معصوم (علیه السلام) را به یاد جده ی شهیده شان سوق می داد و این مطلب بسیار قابل تأمل و تعمق بوده است .

« فداها ابوها »

در تاریخ حیات طیبه ی حضرت فاطمه ی معصومه (سلام الله علیها) به نقل از صاحب کشف اللثالی می خوانیم : روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه ای نوشته به خانه ی حضرت باب الحوائج ، امام کاظم (علیه السلام) بردند . امام در سفر بود ، امام رضا (علیه السلام) نیز در مدینه حضور نداشتند .

هیأت اعزامی از این که خدمت امام زمان (علیه السلام) خود نرسیده بودند و با دست خالی باز می گشتند اندوهگین بودند . حضرت فاطمه ی معصومه (سلام الله علیها) که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بود ،

با مشاهده غم و اندوه آنان ، پاسخ پرسش ها را نوشت و به آنان داد . شیعیان با خوشحالی مدینه را ترک کردند . در بیرون مدینه امام کاظم (علیه السلام) را زیارت و داستان خود را تعریف کرده

پاسخ های حضرت معصومه (سلام الله علیها) را ارائه دادند . امام کاظم با دیدن جواب ها ، با بیان جمله : « فداها ابوها » رضایت و مسرت خود را بیان کرد . (۱)

از نگاه نگارنده اگر چه بخاطر عناد دشمنان آل الله ، برگ های زرینی از تاریخ امامزادگان عظیم الشأن در آتش جهل و کینه ی بنی العباس سوخت و از بین رفت و لکن این امر از جلالت و شکوه عالمه ی آل جواد (علیه السلام) یعنی حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) نکاسته و مقام و منزلت ایشان نزد پدر بزرگوارشان امام جواد (علیه السلام) در عرض ارادت امروز مردم به جایگاه رفیع این بانوی کریمه کاملاً مشهود است که در میان سادات و بنی الزهرایی که در آن ناحیه به شهادت رسیدند از درخشش ویژه ای برخوردارند .

نام فاطمه در لغت و روایات!

از آنجایی که امام جواد (علیه السلام) نام فاطمه (سلام الله علیها) را بر بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) نهادند،

شایسته است ضمن بررسی این نام مقدس در لغت و روایات به فلسفه ی نامگذاری آن پردازیم .

خدای تبارک و تعالی در حدیث قدسی فرمود :

این فاطمه است و من فاطر زمین و آسمان هستم

(یعنی خالق آسمان و زمین هستم .) و در روز قیامت ، دشمنان خود را از رحمت محروم می گردانم و

ص: ۳۱

اولیای خود را، از هر چه آنها را می آزارد و ناپسند دارند، جدا نموده ام، پس نام فاطمه را از نام خود مشتق نمودم. (۱)

فاطمه در لغت و معانی

کلمه «فاطمه»، مشتق از مصدر «فطم» است که در لغت عرب به معنای بریدن، قطع کردن و جداشدن است. این کلمه از جهت هیئت به صورت صیغه «فاعل» است، ولی دارای معنای مفعولی است و به معنای بریده و جدا شده می باشد. (۲)

نام فاطمه (سلام الله علیها) در روایات معصومین (علیهم السلام)

در رابطه با وجه نامگذاری حضرت به این اسم که مشهورترین نام حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می باشد، دلایل متعددی در روایات بیان شده است.

بریدگی و دوری او و شیعیانش از جهنم

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ هَلْ تَدْرِي لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةٌ قَالَ عَلِيٌّ لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَشِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ ؛ »

رسول خدا **a** فرمودند: ای علی! آیا می دانی دخترم فاطمه

را چرا فاطمه

نامیدم؟ فرمودند: برای چه؟ رسول خدا فرمودند: بخاطر اینکه او و شیعیان

ص: ۳۲

۱- بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۲۶، ر ۱۰.

۲- لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ مصباح المنیر، ماده فطم.

او از آتش نگاه داشته شده اند . (۱)

عجز بشریت از شناخت فاطمه (سلام الله علیها)

« عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا ؛ »

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر سوره قدر می فرماید : در آیه ی (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (۲) منظور از « اللیله » فاطمه (سلام الله علیها) ، و منظور از « القدر » خداوند است ، پس هر که فاطمه را به واقع بشناسد ، لیله القدر را درک کرده است ، و همانا او رافاطمه نامیدند چون مردمان از کسب معرفت واقعی نسبت به وی عاجز هستند . (۳)

بریدگی و دوری از شر

یونس به ظبیان نقل می کند : امام صادق (علیه السلام) پس از شمارش اسامی حضرت

فاطمه (سلام الله علیها) ، فرمود : « أَتَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ ؟ قُلْتُ : أَخْبِرْنِي

يَا سَيِّدِي قَالَ : فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ » (۴)

یونس! آیا می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفتم : مرا از آن آگاه سازید . فرمود :

دوری از شر و بدی .

ص: ۳۳

۱- بحارالانوار ، ج ۴۳ ، ص ۲۱۱؛ نایب الموده ، ج ۲ ، ص ۱۹ - ۲۰ .

۲- قدر ، آیه ۲

۳- مقتل الحسین ، ج ۱ ، ص ۵۶

۴- همان

فتال نیشابوری نیز در ضمن حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آورده است: « چون از بدی ها بریده شده است او را فاطمه نامیدند . » (۱)

شر در مقابل خیر است و این دو از صفات متقابلند . کسی که شر در حریم و آستانه او راه ندارد خیر محض و حسن مطلق است . این حسن ، حسن خدادادی است و کاشف از طهارت و قداست ظاهر و باطن .

نام فاطمه بر باب بهشت

« حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ [بِالنُّورِ] لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ فَاطِمَةُ أُمُّهُ اللَّهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ عَلَيَّ مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ » .

رسول خدا a فرمود: مرا به بهشت بردند؛ دیدم بر در آن نوشته شده:

« لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ ، فَاطِمَةُ أُمُّهُ اللَّهُ ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ ، عَلَيَّ مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ » . (۲)

ص: ۳۴

۱- همان

۲- خصال ، شیخ صدوق ، ص ۳۲۳ - ۳۲۴؛ مائه منقبه ، ابن شاذان ، ص ۸۷؛ کنز الفوائد ، کراچی ، ص ۶۳؛ دُر النظیم ، یوسف بن حاتم شامی ، ص ۷۷۱؛ مدینه المعاجز ، علامه بحرانی ، ج ۲ ، ص ۳۵۴؛ بحار الأنوار ، علامه مجلسی ، ج ۸ ، ص ۱۹۱ .

نام و القاب حضرت فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها)

از آنجایی که مردم ایران ارادت دیرینه ای نسبت به خاندان وحی داشته و از فرهنگ غنی و اصیلی برخوردار بوده اند ، همواره اهل بیت عصمت و طهارت و امامزادگان عظیم الشان را مورد تکریم ویژه ی خود قرار می داده و با کلماتی چون شاهزاده ، سلطان ، شاه ، آقا ، مولا ، خاتون ، بی بی و ... آنان را خطاب و ارادت خود را نشان می دادند .

در این بین بانوی با جلالت و با عظمتی از نازدانه های نهمین پیشوای شیعیان جهان ، حضرت جواد الائمه (علیه السلام) به نام مبارک فاطمه (سلام الله علیها) که به زبیده خاتون مشهور می باشد بر تارک تاریخ ایران می درخشد و پناهگاهی برای موالیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده و مردم حرم آنرا شعبه ای از حرم باصفای اسوه ی جود و کرامت جواد الائمه (علیه السلام) می دانند .

این عرض ارادت نسبت به دختر با کرامت امام جواد (علیه السلام) در میان مردم جلوه ی دیگری داشت و از ایشان به بی بی زبیده خاتون یاد می نمودند .

کلماتی سرشار از محبت که گویای مودت و معرفت مردم نسبت به نازدانه ی ابن الرضا (علیه السلام) می باشد .

آنچه که در کتب لغت مورد بررسی قرار گرفته این است که « بی بی » به معنای زن نیکو و خاتون خانه را گویند . [\(۱\)](#) « زبیده » : نام گیاه و گل زیبایی است به نام گل همیشه

ص: ۳۵

بهار که سخن از آن دارد که عطر دل انگیز و طراوت و عنایتش در همه فصل های سال عیان است . تاج العروس نیز می نویسد : زبید . [زُب -
[ع | مصغر) تصغیر زَبَد است بمعنی عطیه . بخشش .

البته برخی بزرگان نیز معتقدند که بنی العباس در پی آن بودند که فرزند امام جواد (علیه السلام) به نام فاطمه را پیدا کنند و به شهادت برسانند ، از اینرو اهل حرم و بنی هاشمیان نام دوّمی برای این بانو نهادند که بگویند این بانو زبیده هست نه فاطمه! تا از شرّ دسیسه های دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در امان باشند .

دهخدا « خاتون »

را چنین تعبیر می کند و می نویسد : خاتون . (ترکی ، ا) خانم و بانو . این لفظ برای احترام بنام زن متصل میشود مثل زینب خاتون و سکینه خاتون . سابقاً عمومی بوده لیکن اکنون مخصوص بعضی از ایلات و دیه هاست و دیگران جای آن خانم استعمال می کنند و برای مقدسات دینیه در وعظ و کتب همان خاتون گویند . لفظ خاتون در قدیمترین کتاب فارسی ترجمه تاریخ طبری (قرن چهارم هجری) هم مکرر آمده پس باید فارسی باشد اگر چه فرهنگ های ترکی آن را ترکی ضبط کرده اند . در سنسکریت بانوی خانه را کتم بینی هم گویند که ممکن است از ریشه خاتون باشد . (فرهنگ نظام) . بزرگ و بی بی و کدبانوی خانه را گویند . (برهان) . از القاب زنان کبار است و این لفظ عربی نیست . اما جمع آن بطرز عربی خواتین آمده و این از تصرفات فارسیان متعرب است . (آندراج) .

ص: ۳۶

در ترکی از القاب زنان کبار است .

نام « فاطمه ی صغری » نیز از آنجایی بر زبان ها جاری است که این دردانه ی عترت، در صغر سن و نه سالگی به شهادت رسیدند ، افزودن صغری بر نام فاطمه تأکیدی است از لسان عامه ی مردم که در تاریخ بماند که دشمنان خدا با عترت طاهره چه کردند و این خود بیانگر اوج غربت و مظلومیت این یادگار امام جواد (علیه السلام) در تاریخ است .

*خلاصه الکلام اینکه دلیل آنکه دختر باکرامت امام جواد (علیه السلام) در اصطلاح عامه ی مردم ، بعنوان بی بی زبیده خاتون یاد می شود حاکی از آن است که این بانوی با کرامت ، از بخشندگی ، فضیلت و جلالتی برخوردار است که لطف و عظمت و عنایتش دائمی و همیشگی بوده و بهار دل های شکسته و طیب دردها و نفس های خسته است .

آری! بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، گل همیشه بهار امام جواد (علیه السلام) است که عطر دل انگیزش از دل کویر نراق به افق محبان آل الله متصاعد و فطرت های پاک فاطمی را به خود می خواند و آرامش ویژه ای را به زائرانش عطا می کند .

ص: ۳۷

فصل دوم: فاطمه بنت الجواد (سلام الله عليها) در اسناد و اقوال

اشاره

ص: ۳۸

در بررسی و تتبع تاریخی، مورخان تعداد فرزندان امام جواد (علیه السلام) را متفاوت گزارش کرده اند. شیخ مفید در کتاب «الإرشاد» می نگارد: جواد الائمه (علیه السلام) چهار فرزند پسر و دختر داشت. (۱) محدث قمی در منتهی الآمال به نقل از کتاب «تاریخ قم» نام چند دختر دیگر از آن امام همام را ذکر می کند. از بین فرزندان امام جواد (علیه السلام) برخی به خاطر نقش اجتماعی بیشتر به صورت برجسته در تاریخ یاد شده اند و برخی هم تنها نامشان ذکر شده و شرح حالی از آنها به میان نیامده است.

دلایل موانع دسترسی به منابع تاریخی در باب اهل بیت (علیهم السلام)

به دلایل مختلف تاریخی اعم از دشمنی ها و کینه توزی های منافقان و معاندان نسبت به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) و از بین رفتن اسناد و برگ های زرینی از حیات طیبه ی اهل بیت (علیهم السلام) و امامزادگان جلیل القدر، اطلاعات کامل تاریخی در اختیار اهل پژوهش نیست.

محدث خبیر شیعه مرحوم علامه حاج سید محمّد باقر موحد ابطحی اصفهانی (قدس سره) در مقدمه ی کتاب القول المعترف فی مولد الامام موسی بن جعفر (علیهما السلام) در تبیین دلایل عدم دسترسی کامل ما به بسیاری از منابع در باب تاریخ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و امامزادگان عظیم الشأن می نویسد:

نخست: بخاطر تقیّه ای بود که بر بیشتر دوران زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) حاکم

ص: ۳۹

۱- شیخ مفید، الإرشاد، چاپ کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۹۵

بوده است .

دوم : به دلیل توریه ای بود که همیشه مراقب حفظ آن بودند و مراقبت از آنرا حفظ مصالح مهم اسلام و صلاح امت اسلامی می دانستند که در موقعیت های خاص در تاریخ به کثرت مشاهده می شود .

سوم : بخاطر اغراض و نیات بد و نامطلوب سیاسی از جانب مخالفین و ستیزه جویان و حاکمان جائز در حق اهل بیت (علیهم السلام) و ترویج مطالب غیر صحیح و شایعات در بین مردم برای نابودی آثار و پایین آوردن مقام آنان مانند اصرارشان بر ولادت صدیقه کبری (سلام الله علیها) قبل از بعثت بوده است .

چهارم : بخاطر نابودی آثار و منابع و مصادر مهم و اساسی کتابهای شیعه و سوزانیدن کتابخانه و مسانید و کتاب های مهم و اساسی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) .

پنجم : بخاطر ایجاد احادیث گوناگون و دروغ بستن بر رسول خدا a و شیعه، و نشر آن در بین مردم برای دست یابی به اغراض فاسدشان .

ششم : بخاطر منع بیان احادیث و اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و وضع مجازات سنگین برای کسانی که در برهه ای از تاریخ نقل حدیث می کنند .

هفتم : بخاطر نبود امکانات و لوازم دقیق و کافی برای ضبط دقیق اخبار و وقایع و حفظ آنها طبق روش زمان ما و عدم دسترسی مؤلفین به تمام منابع و مصادر . (۱)

ص: ۴۰

۱- . القول المعبر فی مولد الامام موسی بن جعفر (علیهما السلام)

تاریخ فرزندان حضرت جواد الائمه (علیه السلام) را بدین شرح معرفی می کند :

۱. امام علی النقی الهادی (علیه السلام)

دهمین ثمره باغ ولایت و دوازدهمین نهال عصمت و طهارت و نخستین فرزند برومند پیشوای نهم در سال ۲۱۲ هجری در یکی از محلات مدینه ، موسوم به « صریا » دیده به جهان گشود و به زیباترین نامی که در خاندان رسالت سابقه دیرین و خوش خاطره ای داشت موسوم گردید و پدر ارجمندش برای وی نام « علی » را برگزید .

او که همانند جد بزرگوارش مأموریت دفاع از اسلام و احیای حقوق مسلمانان را از جانب پروردگار به عهده داشت همان کنیه جدش را بر خویشتن انتخاب کرد و به ابوالحسن موسوم گردید .

سحرگاه روز ۱۵ ذی الحججه هنگامی که خورشید اشعه تابناک خود را بر روی زمین می گسترد ، مولود مسعود خاندان رسالت حضرت امام علی النقی (علیه السلام) دیده بر جهان بازگشود . نوزادی که باعث سربلندی و افتخار اسلام گردید و عمر خود را در راه اعتلای تعالیم ارزنده اسلام مصروف داشت و در پیشبرد اهداف الهی از هیچ کوشش و فعالیت و مجاهده مضایقه ننمود .

لقب ابن الرضا درخشان ترین عنوان و شهرت او و دیگر پیشوایان معصوم بعد وی بود که آن روزها همچون ستاره درخشان در میان دهها القاب دیگر بر تارک

وی می درخشید. از دیگر القاب آن حضرت می توان هادی، ناصح، عالم، فقیه، امین، عسکری، دلیل، فاتح، نقی و مرتضی را نام برد چنانچه امروز بیشتر دوستداران و شیعیان او را با لقب مشهور

« هادی » می شناسند .

آن حضرت تحت تربیت های الهی و معنوی پدر بزرگوارشان، هفت سال و اندی زندگی کرد و بعد از شهادت مظلومانه ی پدر، درخشان ترین و شامخ ترین چهره اسلام بود که بعنوان امام امت، مشکلات فقهی و علمی جهان اسلام را با دانش و بینش خود حل و فصل می نمود .

هشت سال از عمر شریف امام علی النقی (علیه السلام) نگذشته بود که غبار یتیمی بر چهره اش نشست در سال ۲۲۰ هجری در آخر ماه ذیقعد پدر بزرگوار و جوان خود را از دست داد؛ پدری که مظهر علم و تقوی و فضیلت و شجاعت و محور مبارزه با ظلم و ستم و پناه درماندگان و بیچارگان بود .

مدت عمر و زندگی اش از نظر زمان بسیار محدود بود . چون فقط ۲۵ سال در این جهان زندگی کرد، که هفت سال و چند ماه در دوران امامت پدر و هفده سال بعد از وی دوران امامت و پیشوایی او بود .

سال های امامت آن حضرت مصادف با قسمتی از حکومت معتصم و تمام زمامداری منتصر و مستعین و المعتز بالله بوده است .

امام هادی (علیه السلام) در مدینه اقامت داشتند تا اینکه متوکل در سال ۲۳۲ قمری به خلافت رسید . چنانکه در تواریخ مذکور است متوکل به حضرت امیرالمومنین

ص: ۴۲

علی (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) کینه شدیدی داشت و کسانی که اطرافش بودند به بغض و عداوت و دشمنی با آل علی (علیهم السلام) شهرت داشتند .

متوکل خلیفه عباسی در ظاهر حضرت هادی (علیه السلام) را با احترام و تکریم به سامرا آورد ولی همواره در صدد اهانت و آزار حضرت بود؛ به طوری که هنگام ورود ، حضرت را در کاروان سرای نامناسبی سکونت داد . شخصی از دوستان حضرت برای عرض این مطلب به خدمت ایشان آمد . حضرت امام هادی ارواحنا فدا در جواب فرمودند : کسی که خدای متعال قدر و منزلتش را بلند سازد با این اعمال کوچک و حقیر نمی شود .

هر اندیشمندی با نگاهی گذرا به زندگی امام هادی (علیه السلام) در می یابد که آن گرمی در سراسر عمر شریف خویش با محدودیت های رنج آوری روبرو بوده است .

متوکل ، حاکم ستمگر عباسی ، امام هادی (علیه السلام) را به اجبار از مدینه به مرکز خلافتش یعنی سامرا آورد و آن بزرگوار را تحت مراقبت نگه داشت . در عین حال امام با تحمل همه رنج ها هرگز از مسئولیت الهی خویش در قبال جامعه انسانی دست نکشید و به کم ترین تفاهم و سازشی با ستمگران تن نداد و همواره روشنی بخش تاریکی های جهل و بی ایمانی بود .

زیارت جامعه کبیره هدیه امام هادی (علیه السلام) به بشریت

دهمین ستاره آسمان ولایت امام علی النقی (علیه السلام) زیارتی به نام « زیارت جامعه» تقدیم بشریت و دوستان امامت فرموده است . جان ما خاکیان فدای تربت

پاک آن شخصیت افلاکی که با شعاع فروزان سخن خویش ما را آشنا ساخته است . شیوایی کلام و والایی مضمون و دانش و معرفتی که در آن موج می زند خود گویای اصالت این زیارت و معرف دانش سرشار گوینده ارجمند آن امام همام است .

شاگردان امام هادی (علیه السلام)

با آنکه جو اختناق و ستم دوره حکام عباسی ، امکان استفاده از امام هادی (علیه السلام) را بسیار محدود کرده بود ، در عین حال برخی از مشتاقان معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) توانستند به قدر ظرفیت خویش از حضرت امام هادی (علیه السلام) کسب فیض کنند . در روایات ، ۱۸۵ نفر از راویان احادیث و شاگردان امام را نام برده اند که در میان آنان چهره های درخشانی چون حضرت عبدالعظیم حسنی ، حسین بن سعید اهوازی و فضل بن شاذان نیشابوری به چشم می خوردند .

امام دهم ، حضرت هادی (علیه السلام) در سال ۲۵۴ هجری در سامرا بدست معتمد عباسی لعنت الله علیه مسموم و به شهادت رسید . در خانه ای که فقط فرزندش امام حسن عسکری (علیه السلام) بر بالین او بود .

زهر سراسر بدن امام هادی (علیه السلام) را فرا گرفته بود و حضرت در بستر بیماری آخرین زمزمه های قدسی را با معبود خویش نجوا می کرد . غم و اندوهی گران

بر قلوب مؤمنان سنگینی می کرد و چشم ها در فراق آن محبوب اشک می ریخت . حضرت امام علی النقی (علیه السلام) آن طیبب آلام دردمندان و شفیق دل های مجروح مؤمنان ، بر اثر زهر کشنده ، در سومین روز از ماه رجب سال ۲۵۴ هجری قمری شربت شهادت نوشید .

۲ . حضرت موسی مبرقع (علیه السلام)

دومین فرزند برجسته و بزرگوار امام جواد (علیه السلام) ، ابواحمد موسی مبرقع (علیه السلام) نام دارد ، از آنجا که آن امامزاده ی جلیل القدر دارای شمایل بسیار زیبا و صورت جمیل بود در کوچه ها برقع به صورت می انداخت ، از این جهت او را موسی مبرقع گویند .

تولد موسی مبرقع (علیه السلام) را در سال ۲۱۴ هجری قمری نوشته اند و در هنگام شهادت پدرش حدود ۵ یا ۶ سال بیشتر نداشت ، چنان که برادر بزرگوارش حضرت علی النقی (علیه السلام) ۷ یا ۸ سال بیشتر نداشت که موسی ۳۰ ساله بود که از مدینه هجرت کرد و راهی قم شد و در هنگامی که در شهر مدینه بود ، سرپرستی اولاد امام جواد (علیه السلام) را می کرد و اموال صغار آن بزرگوار را سرپرستی نموده و موقوفات و صدقات پدرش را به اهلس می رسانید .

در سال ۲۴۴ بود که متوکل عباسی که از موقعیت امامزاده موسی مبرقع (علیه السلام) وحشت داشت ، او را از مدینه به بغداد احضار کرد و ایشان را در شهر سامرا منزل داد تا او را مثل برادر بزرگوارش امام علی النقی (علیه السلام) زیر نظر داشته باشد

و ایشان تا سال ۲۴۷ که متوکل مُرد در سامرا بود ، پس از مرگ متوکل ، موسی به ایران آمد و سال ۲۵۶ بود که به قم وارد شد و در قم مزارعی ایجاد کرد و خود به کار کشاورزی پرداخت و در همان جا ساکن شد . (۱)

در شهر قم ساداتی که منتسب به موسی مبرقع هستند ، خود را به سادات برقی معرفی کرده و به این عنوان مشهورند . موسی مبرقع پنج پسر داشت به نام های : ابوالقاسم حسین و علی و احمد و محمد و جعفر .

اولاد و ذریه موسی مبرقع غالباً در ری و قم بودند و از آنجا به قزوین ، همدان ، خراسان ، کشمیر ، هندوستان و سایر بلاد منتشر شدند ، و الان در بلاد شیعه از اعظم طوائف سادات و اشرافند . (۲)

موسی مبرقع (علیه السلام) در شب چهارشنبه ، هشت روز مانده به آخر ربیع الاول سال ۲۹۶ هجری قمری در شهر قم وفات کرد و او را در منزل خودش به خاک سپردند و اکنون آرامگاه او مشهور به چهل اختران است . در بقعه ی بزرگ وی و در کتیبه آن ، اسم شاه طهماسب به تاریخ ۹۳۵ ثبت است ، نخستین کسی که در آن دفن شد محمد بن موسی مبرقع بوده ، پس از آن همسر او بُرئیه دختر جعفر (فرزند امام علی النقی) در کنار شوهر دفن شد ، در کنار محمد فرزند موسی و نزدیکی آرامگاه او گروهی از علوی ها و فاطمی ها ، همگی از

ص: ۴۶

۱- محمدحسین ناصر الشیعه ، تاریخ قم ، بیروت ، انتشارات دارالفکر ، چاپ سوم ، ۱۳۵۰ش ، ص ۱۱۴ .

۲- شیخ عباس قمی ، منتهی الامال ، قم ، انتشارات هجرت ، چاپ یازدهم ، ج ۲ ، ص ۶۲۲ .

اعقاب موسی مبرقع است که در آن جایگاه دفنند و معروفند به چهل اختران و امروزه ملجاء و پناهگاهی برای شیفتگان امامت و ولایت و مرهمی برای دلسوختگان و دردمندان می باشند .

۳. حضرت حکیمه خاتون (سلام الله علیها)

حضرت حکیمه خاتون (سلام الله علیها) یکی از برجسته ترین دختران امام جواد (علیه السلام) است که شایسته ترین زنان عصر خود به شمار می رفت .

وی در فضل و هنر ممتاز بود و در طول حیات پربرکتش ، چهار امام را درک کرد و از محضر آنان بهره ها برد .

پدر گرامیش امام جواد (علیه السلام) ، برادرش حضرت هادی (علیه السلام) ، برادر زاده اش امام عسکری (علیه السلام) و امام زمان (علیه السلام) را که خود افتخار قابلمگی امام دوازدهم را داشت.

از افتخارات دیگر حکیمه خاتون (سلام الله علیها) ، تعلیم و تربیت حضرت نرجس خاتون (سلام الله علیها) مادر امام زمان (علیه السلام) بوده است .

حکیمه (سلام الله علیها) در نزد ائمه اطهار (علیهم السلام) مکرم و محترم و مورد وثوق و اطمینان بود ، تا جایی که به مقام سفارت امام نائل آمد و عرائض مردم را به امام زمان (علیه السلام) می رسانید و توقیعات امام را به مردم بر می گردانید .

گویند : نواب امام زمان (علیه السلام) به وسیله این بانو با امام رابطه برقرار می کردند .

در کمال الدین از احمد بن ابراهیم نقل شده که گفت : من بر حکیمه خاتون دختر امام جواد (علیه السلام) در سال ۲۶۲ وارد شدم و هرچه می خواستم از پشت پرده از

آن حضرت می پرسیدم ، او به ما جواب می داد و او واسطه حجه بن الحسن العسکری بود که تمام امور مربوط به شیعه را انجام می داد . (۱)

از حکیمه خاتون اخبار و احادیث بسیاری نقل شده و آیات بسیاری را تفسیر کرده است که دلیل بر قدرت علمی و روح ایمان و ولایت او است . او با یکی از علویین به نام ابوعلی الحسن المحدث از نوادگان امام سجاد (علیه السلام) ازدواج کرد و نتیجه این ازدواج یک پسر و یک دختر بود .

حکیمه خاتون (سلام الله علیها) سرانجام در سال ۲۷۴ هجری قمری وفات یافت . مرقد شریفش در جوار ضریح امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) قرار دارد که زیارت آن جناب مستحب مؤکد است .

- دیگر فرزندان امام جواد (علیه السلام) که هر کدام در موقعیت و زمان روزگار خود از برترین و بهترین مردم دوران خود بودند در تاریخ شرح حالی از آنها وارد نشده ، تنها اسامی آنها در صفحات تاریخ به چشم می خورد که در ادامه به این اسماء مقدس اشاره می شود (۲):

۴ . ابواحمد حسین (علیه السلام)

ص: ۴۸

۱- . شیخ صدوق ، اکمال الدین ، قم ، دارالکتب الاسلامیه ، چاپ دوم ، ۱۳۹۵ق ، ج ۲ ، ص ۵۰۱ .

۲- . منتهی الآمال ، ج ۲ ، ص ۳۵۰ .

۵. ابو موسیٰ عمران (علیه السلام)

۶. فاطمه (سلام الله علیها) (بی بی زبیده خاتون)

۷. خدیجه (سلام الله علیها)

۸. ام کلثوم (سلام الله علیها)

در تاریخ قم نام زینب، ام محمّد و میمونه نیز به چشم می خورد که از دختران امام جواد (علیه السلام) به شمار رفته اند که در ضریح حضرت فاطمه ی معصومه (سلام الله علیها) مدفون می باشند. (۱)

مرحوم شیخ مفید (قدس سره) نیز از دختران امام جواد (علیه السلام) دختری به نام اماحه نام برده و فرموده امام جواد (علیه السلام) چهار فرزند داشت، علی که امام بعد از او بود موسی، فاطمه و اماحه. (۲)

از آنجایی که از امالفضل همسر دیگر امام فرزندی به دنیا نیامد، تمام فرزندان امام جواد (علیه السلام) از سمانه ی مغریبه (سلام الله علیها) زاده شدند.

نگاهی گذرا بر حضرت فاطمه بنت الجواد (علیه السلام) در تاریخ و اسناد

بنابر تتبع تاریخی و بررسی های اکابر علمی شیعه، بزرگانی مانند شیخ مفید، شیخ طبرسی، علامه اربلی، ابن شهر آشوب مازندرانی، علامه مجلسی و علامه نراقی، حضرت فاطمه بنت الجواد (علیه السلام) را فرزند بلافضل نهمین پیشوای

ص: ۴۹

۱- محمدحسین ناصر الشیعه، تاریخ قم، بیروت، انتشارات دارالفکر، چاپ سوم، ۱۳۵۰، ص ۱۱۴.

۲- شیخ مفید، الإرشاد، چاپ کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۹۵.

شیعیان جهان ، حضرت امام محمّد تقی (علیه السلام) می دانند که بزرگان و علمای متبع معاصر با حضور در حرم مطهرش ، ضمن تأیید و تثبیت این مطلب ، مردم را به آن پناهگاه فاطمی سوق داده و دعوت نموده که از عطر دل انگیز جواد الائمه (علیه السلام) که از آن قطعه از بهشت به مشام میرسد بهره مند شوند .

با توجه به تاریخ شفاهی که از آن بانوی باجلالت در میان مردم مشهور است این مطلب کاملاً قابل پذیرش است که بسیاری از برگ های زرین تاریخ زندگی نازدانه ی امام جواد (علیه السلام) از جمله هجرت مظلومانه ی شان بر اثر تخریب کتابخانه های شیعی و سوزانیدن اسناد توسط عمّال بنی العباس و دشمنان قدار مقام ولایت در طول ۱۴ قرن و دیگر حوادث ، تاریخ پژوهان امروز ما را از آن صفحات مهم بی نصیب نموده است ولکن آنچه که تا به امروز به ما رسیده و ما را به این امر سوق می دهد آن است که علی رغم بی مهری ها و کینه توزی های دشمنان آل الله در قرن های گذشته ، قدر و قبر این نازدانه ی امام جواد (علیه السلام) با کرامات عدیده اش بر همگان آشکار و عظمت و نورانیت آن بانوی مظلومه به خوبی بر دوست و دشمن ثابت شده است و (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) .

(۱)

ص: ۵۰

۱- . صف ، آیه ۷

ابن معلّم، شیخ مفید (قدس سره)

محمّد بن نعمان مشهور به شیخ مفید، متکلم و فقیه امامیه در قرن های چهارم و پنجم قمری، در کتاب نفیس الأرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، جلد ۲، صفحه ی ۲۹۵ در فصل «شهادة الإمام الجواد (علیه السلام)» و اولاده «از حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) سخن می گوید می نویسد:

«... وَ كَانَ مَنْعُوتًا بِالْمُنْتَجِبِ وَالْمُرْتَضَى وَ خَلَفَ بَعْدَهُ مِنَ الْوُلْدِ عَلِيًّا ابْنَهُ الْإِمَامَ مِنْ بَعْدِهِ وَ مُوسَى وَ فَاطِمَةَ وَ أَمَامَهُ ابْنَتَيْهِ وَ لَمْ يُخَلَّفْ ذَكَرًا غَيْرَ مَنْ سَمَّيْنَاهُ.»

... و از القاب آن حضرت منتجب و مرتضی است، و فرزندان آن حضرت یکی پسرش علی بن محمّد است که بعد از او امام بود و دیگر موسی پسر دیگرش بود، و دو دختر داشت بنام فاطمه و امامه، و پسر دیگری جز آن دو که گفتیم نداشت.

امین الاسلام شیخ طبرسی (قدس سره)

امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی مشهور به شیخ طبرسی، دختران با کرامت امام جواد (علیه السلام) را ۳ نفر نقل کرده و در اعلام الوری بأعلام الهدی چنین می نویسد:

«وَ مِنَ الْبَنَاتِ حَكِيمَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ أُمَّ كُلْثُومٍ وَ قَدْ قِيلَ إِنَّهُ خَلَفَ فَاطِمَةَ وَ أَمَامَهُ ابْنَتَيْهِ وَ لَمْ يُخَلَّفْ غَيْرَهُ» (۱)؛

ص: ۵۱

و دختران آن جناب هم حکیمه ، خدیجه و أم کلثوم نام داشته و بعضی هم گفته اند که وی دو دختر به نام فاطمه و امامه از خود باقی گذاشته است .

بهاءالدین ، علامه اربلی (قدس سره)

ابوالحسن علی بن عیسی هکّاری مشهور به بهاءالدین اربلی محدّث ، مورّخ ، ادیب و شاعر شیعی قرن هفتم و نویسنده کتاب کشف الغمه فی معرفه الائمه، که از منابع معتبر دانسته شده نیز بر نام های « فاطمه و امامه » اتفاق نظر دارد .

وَ خَلَفَ بَعْدَهُ مِنَ الْوَلَدِ عَلِيّاً ابْنَهُ الْإِمَامَ مِنْ بَعْدِهِ وَ مُوسَى وَ فَاطِمَةَ وَ أُمَامَةَ ابْنَتَيْهِ وَ لَمْ يُخَلَّفْ ذَكَرًا غَيْرَ مَنْ سَمَّيْنَاهُ آخِرَ كَلَامِهِ (۱)

و فرزندان که داشت بعد از خود علی است که بعد از وی امام بود ، و موسی و فاطمه و امامه ، که دو پسر و دو دختر باشند ، و نگذاشته بود مذکری غیر از آنکه نام بردیم .

رشیدالدین ، ابن شهر آشوب مازندرانی (قدس سره)

محمّد بن علی بن شهر آشوب سیروی مازندرانی ، معروف به ابن شهر آشوب ، فقیه ، مفسّر ، محدّث و عالم شیعه در قرن ششم هجری قمری در کتاب نفیس مناقب آل ابی طالب جلد ۴ ، صفحه ی ۳۸۰ می نویسد :

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهِ سَمَّ الْمُعْتَصِمَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَام) وَ أَوْلَادَهُ عَلِيٍّ الْإِمَامَ وَ مُوسَى

ص: ۵۲

۱- . کشف الغمه فی معرفه الائمه (ط - القدیمه) ، ج ۲ ، ص : ۳۶۲

وَ حَكِيمَهُ وَ خَدِيجَهُ وَ أُمَّ كُثُومٍ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَارِثِيُّ خَلْفَ فَاطِمَةَ وَ أُمَامَةَ فَقَطُّ وَ قَدْ كَانَ زَوْجَهُ الْمَأْمُونُ ابْنَتَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْهَا وَلَدٌ

ابن بابویه: معتصم محمد بن علی را مسموم کرد، و اولاد ایشان علی و موسی و حکیمه و ام کلثوم می باشند. ابو عبدالله حارثی می گوید: و تنها باقی ماندند فاطمه و امامه. و مأمون دختر خود را به عقد ایشان درآور اما از او فرزندی به دنیا نیامد.

فخر شیعه، علامه ملا محمد باقر مجلسی (قدس سره)

فخر شیعه علامه مجلسی اعلی الله مقامه الشریف در کتاب گرانسنگ بحار الانوار جلد ۵۰، صفحه ۸، روایت قَالَ ابْنُ بَابَوَيْهِ سَمَّ الْمُعْتَصِمَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) وَ أَوْلَادَهُ عَلِيٍّ الْإِمَامَ وَ مُوسَى وَ حَكِيمَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ أُمَّ كُثُومٍ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَارِثِيُّ خَلْفَ فَاطِمَةَ وَ أُمَامَةَ فَقَطُّ وَ قَدْ كَانَ زَوْجَهُ الْمَأْمُونُ ابْنَتَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْهَا وَلَدٌ را از مناقب نقل می کند و بر آن صحه می گذارد.

عالم ربانی، علامه ملا احمد نراقی (قدس سره)

احمد بن محمد مهدی فاضل نراقی، دانشمند و مجتهد شیعه، نویسنده و شاعر در کتاب خزائن، صفحه ۱۲۸ دختران امام جواد (علیه السلام) را فاطمه و امامه ذکر می کند.

قبر مطهر حضر زبیده خاتون (سلام الله علیها) نیز در نزدیکی شهر نراق، زادگاه علامه ی نراقی بوده و یقیناً ضمن فیوضات زیارت قبر مطهر دردانه ی امام جواد (علیهما السلام) و کرامات آن مظلومه ی شهیده شامل حال آن الگوی اخلاق و تقوا بوده است.

تحلیلی تاریخی درباره ی هجرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)

مورخ ارزشمند و محقق متتبع، حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ اسماعیل محمدی کرمانشاهی مدیر کتابخانه و مرکز اسناد آستان مقدس حضرت معصومه (سلام الله علیها) و نویسنده ی کتاب های حماد بن عیسی، فاطمه بنت الحسن (علیهما السلام)، کوثر ثانی و ده ها اثر مهم تاریخی، در تحلیلی دقیق از دوران امامت امام علی النقی (علیه السلام)، یکی از رخدادهای عصر امام هادی (علیه السلام) را هجرت سادات به ویژه فرزندان امام جواد (علیه السلام) از جمله حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) به سمت ایران و قم می دانند و می فرمایند:

یکی از رخدادهای مهم عصر امام هادی (علیه السلام) هجرت سادات به ویژه فرزندان امام جواد (علیه السلام) یعنی برادران و خواهران امام هادی (علیه السلام) به سمت ایران و قم و علت آن هم اختناق حاکمان بنی عباس بود و در گسترش تشیع بسیار مؤثر بود.

امام هادی (علیه السلام) در دوران نوجوانی و اواخر کودکی به امامت رسیدند و مدت ۳۳ سال امامت ایشان مقارن با حکومت شش خلیفه عباسی بود.

در زمان حضرت هادی (علیه السلام) رخدادهای بزرگ حادث می شود که آن حضرت با زیرکی تمام از کنار این فتنه ها به خوبی می گذرند و بسیاری از این فتنه ها را تبدیل به فرصت می کنند .

یکی از رخدادهای مهم زمان امام هادی (علیه السلام) هجرت سادات به ویژه فرزندان امام جواد (علیه السلام) یعنی برادران و خواهران امام هادی (علیه السلام) به سمت ایران و قم است و علت آن هم اختناق حاکمان بنی عباس بود و در گسترش تشیع بسیار مؤثر بود .

به تحلیل می توانیم دریافت کنیم هجرت سادات به عنایت امام هادی (علیه السلام) بود زیرا آنها از خاندان امامت بودند بی اذن امام عصر خویش کاری انجام نمی دادند .

در میان ساداتی که به قم هجرت کردند زینب خواهر امام هادی (علیه السلام) و دختر امام جواد (علیه السلام) نیز بودند و ایشان اولین کسی بود که بر فراز حضرت معصومه (سلام الله علیها) سایبانی ساخت . همچنین زبیده خاتون (فاطمه صغری) (سلام الله علیها) نیز با تعدادی از سادات به سمت قم آمدند اما مورد هجوم سپاه دشمن قرار گرفتند و به شهادت رسیدند و قبر شریف این بانو در نراق مورد مراجعه شیعیان قرار گرفته است .

تاریخ شفاهی حضرت فاطمه بنت الجواد (علیها السلام)

تاریخ شفاهی یکی از شیوه های پژوهش در تاریخ است که به شرح و شناسایی وقایع ، رویدادها و حوادث تاریخی بر اساس دیدگاه ها ، شنیده ها و عملکرد شاهدان ، ناظران و فعالان آن ماجراها می پردازد .

به دلایل مختلف تاریخی اعم از دشمنی ها و کینه توزی های دشمنان و معاندان نسبت به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) و از بین بردن اسناد و برگهای زرینی از حیات طیبه ی اهل بیت (علیهم السلام) و امامزادگان جلیل القدر ، تاریخ شفاهی نزدیکترین راه جهت دسترسی و واکاوی حیات طیبه ی آنان بوده که سینه به سینه به نسل ها منتقل و به دلیل تواتر و شهرت از اعتبار بالایی برخوردار است .

بر اساس شواهد تاریخی و نقلی که در فرهنگ مردم نراق به چشم می خورد ، داستان ورود دختر امام جواد (علیهما السلام) به ایران از این قرار بود که بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) و فشار خلفای عباسی و وجود دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) در ایران ، کاروانی از سادات از مدینه به سوی ایران و دوستداران خود حرکت می کند که در بین آنها دختر ۹ ساله ی امام جواد (علیه السلام) که از جایگاه عظیم معنوی و علمی برخوردار بوده است نیز وجود داشته است ، در مدینه تهدید به قتل می شوند و به اتفاق یاران و بنی هاشمیان که کاروان آنها حدود ۴۰۰ نفر بوده اند به سوی ایران هجرت می کنند تا به اصفهان می رسند و سپس مسیر را تغییر داده و به سوی قم حرکتشان را ادامه می دهند .

حکومت وقت با کسب اطلاع از این مهاجرت و ترس از نفوذ سادات علوی در ایران و پیوستن به علاقمندان ، آنها را از مدینه تعقیب و در منطقه فعلی نراق که در تاریخ به خاک سفید مشهور است تنها و غریب محاصره و تعداد زیادی از

بانوان مکرمه بنی هاشمیان که در رکاب و مُلتزم آن حضرت بوده اند را به شهادت می رسانند .

تاریخ شفاهی چنین می گوید : در سه منزلی قم (اطراف نراق-دلیجان) در محاصره حاکمان بنی العباس در آمده و ۲۰۰ نفر از آنان شهید و ۲۰۰ نفر اسیر می شوند که از اسرایشان خبری نیست . مظلومیت شهادت این بزرگواران و دفن شدن پیکرهای مطهر آنها در اطراف امامزاده به کل منطقه که به خاک سفید معروف است فضای معنوی کم نظیری بخشیده است .

اکثر یاران حضرت زنان و کودکانی بی دفاع بوده اند که به طرز نا جوانمردانه ای به شهادت می رسند و از آن ۲۰۰ نفری که به شهادت رسیدند که طبق نقل قولی ۴۳ تن در یک محل و به صورت دست جمعی دفن شده اند . (۱)

شنیدن داستان شهادت این بزرگوار تن هر مسلمانی را به لرزه می آورد و ناخودآگاه تمامی ذهن ها را به سمت و سوی حضرت رقیه خاتون (سلام الله علیها) ، دختر سه ساله حسین بن علی (علیهما السلام) و شهادت مظلومانه اش می کشاند .

در جنگ نا برابر بنی عباسیان با فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) و یارانشان با وجود رشادت های بزرگ از سویشان ، سر نیزه به ساق پای مبارک بی بی می خورد و ایشان دست خود را به طرف آسمان باز می کنند . به امر الهی کوه شکافته می شود و تن نیمه جان دختر امام جواد (علیه السلام) به داخل کوه می رود و کوه بسته

ص: ۵۷

می شود و ایشان به شهادت می رسند. (۱)

گرد غربت بر قبر مطهر بی بی زبیده (سلام الله علیها)

نقل می کنند که مدت ۲۰۰ سال پس از شهادت حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)، بنی العباس و دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) مانع از ساخت حرم مطهر دختر جواد الائمه (علیه السلام) شدند و نمی گذاشتند این مکان مورد توجه شیعیان قرار بگیرد، چرا که سیاست معاویه ای آنان بر این بود که آثار آل علی (علیه السلام) به کلی محو شود و اثری از آن نباشد.

پس از انقراض بنی العباس و کمرنگ شدن دشمنان عترت، برخی از شیعیان علامتی بر قبر شریف وی نصب نمودند که مانند سایبانی کوچک، شبیه نماد خیمه ای بر قبر مطهرش عیان بود که نزدیک به یک قرن چنین گرد غربت بر قبر مطهر یادگار امام جواد (علیه السلام) می نشست.

پس از نزدیک به دو قرن شیعیان در صدد بر آمدند و اتاق گلین کوچکی ساختند که پناهگاهی برای قبر مطهر بشمار می رفت که آن اتاق نیز حدود ۲۰۰ سال برپا بود و بعدها ساختمان حرم را تجدید بنا نموده و با آجر ساختند و گنبد

کوچکی نیز برای آن در نظر گرفتند و حدود چند قرن مضجع شریف بی بی زبیده (سلام الله علیها) چنین در غربت و مظلومیت بوده است.

ص: ۵۸

با قوت گرفتن شیعیان در روزگاران مختلف ، ساختمان و گنبد مطهر بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) توسط پادشاهان وقت از جمله صفویه و قاجاریه به سبک معماری آن روز تغییر و تعمیر می شد که تا به امروز رسید که به لطف خدا بارگاه نورانی حضرت علی رغم بی مهری ها با جلال و شکوه خاصی بر تارک کوهی می درخشد و ملجاء و پناهگاه شیعیان می باشد .



تصویری از مضعع شریف حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی

ارادت دیرینه ی مردم نراق به بی بی زبیده (سلام الله علیها)

مردم منطقه ی نراق از قدیم الایام ارادت و اعتقاد ویژه ای نسبت به قبر مطهر و قتلگاه حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) و یارانشان داشتند و طبق نقل های متواتری که در تاریخ شفاهی مردم آن دیار به ما رسیده است ، اغلب چوپان های منطقه

ص: ۵۹

و انسان های صالح آن دیار از سال های اولیه ی بعد از شهادت آن حضرت تاکنون که شبها در بیابان ها طی طریق می کردند ، در برخی از شب ها از جمله شب های جمعه شاهد نور باران و ساطع شدن نور بر آستان مبارک حضرت بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) بوده اند که این مطلب سبب آن شده که مردم اعتقاد ویژه ای به آن مضجع شریف پیدا کنند و در ناهمواری ها و مشکلات روزگار به آن قبر مطهر پناهنده شوند و خود و خانواده و حتی دارایی های خود را در حصن حصین دختر حضرت جواد (علیه السلام) قرار دهند .

شنیده شده در زمانی گله ی گوسفندی به تعداد ۱۰۰۰ رأس بیمار شده بودند و بجای شیر ، خون از آنها می آمد ، گله ها را به آستانه ی مبارکه ی بی بی زبیده (سلام الله علیها) می آوردند و تعدادی را قربانی می کنند و به زوار می دهند ، بین مردم آن دیار مشهور است که پس از چند روز تمامی گوسفندها شیرشان به حالت قبل بر می گردد و اثری از خون در آن دیده نمی شود .

از اینرو یکی از رسوم خوب و پسندیده دامداران نراقی و روستاهای اطراف در گذشته این بوده است که گله های خود را برای مصون ماندن از بلایا و امراض روز اربعین گرد امامزاده می چرخانده و شیر آن روز گله را به زوار و خادم امامزاده می دادند و چنانچه گوسفندی در زیر زنجیر درب ورودی زانو می زد آن را سر بریده و گوشت آن را نذر می کردند . دامداران منطقه هنوز هم گوشت مراسم پذیرایی روز شهادت حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) را تأمین می کنند و در هر گله ی

نراق و اطراف آن گوسفندانی وجود دارد که نذر دختر با عظمت حضرت جواد الائمه (سلام الله علیها) می باشد .



نمایی از درّه ی شهدا و میدان جنگ بنی العباس با کاروان بی بی زبیده (علیها السلام)

همچنین قسمتی در نزدیکی های قبر مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) وجود دارد به نام درّه ی شهدا که حدود ۲۰۰ شهید در این دره دفن شده اند . این شهدا طبق نقل تاریخ شفاهی بر اثر حمله ی دشمنان به کاروان دختر امام جواد (علیه السلام) به شهادت رسیده و تا به امروز اثری از قبر مطهرشان نیست و در مظلومیت عجیبی بسر می برند .

ص: ۶۱

گویند از آنجایی که پس از شهادت همراهان حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) کسی نبوده در آن بیابان اجساد مطهر شهدا را دفن کند ، به امر خدا ، درّه شکافته می شود و بدن های مطهرشان در زیر زمین قرار می گیرد و آن منطقه از قدیم الایام در میان مردم آن دیار منطقه ای اسرار آمیز بوده که بسیار مقدس است و بعضی از اولیای الهی شبها از این دره انوار مقدس و طنین های خاصی را شاهد بودند و بسیاری از کاروان های زیارتی که در زمان معاصر به دره ی شهدا می روند ، اثرات عجیبی از آن نقطه مشاهده نمودند . (۱)

مظلومیت شهادت این بزرگواران و دفن شدن پیکرهای مطهر آنها در اطراف امامزاده به کلّ منطقه فضای معنوی بی نظیری بخشیده است به طوری که هر سوخته دلی که یک بار به زیارت این بانوی بزرگوار مشرف می شود دیگر نمی تواند یاد و خاطره این دیدار را فراموش کند .

در ساختمان قدیمی امامزاده که تا چندی قبل هم وجود داشت تصاویری بر گنبد نقش بسته بود که در آن نحوه ی شهادت و اسارت کاروان حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) را به تصویر کشیده بود که حکایت از تاریخ مصور و دقیق آن دارد .

ص: ۶۲

۱- نقل از حجت الاسلام والمسلمین مهدی زاده ، احیاگر حرم مطهر بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها)

قول مشهور در میان مردم درباره ی حضرت زبیده خاتون (علیها السلام)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی فقیه محمدی جلالی ، متخصص تاریخ و سیره ، رجال و تراجم که آثار متعددی در باب امامزادگان جلیل القدر به رشته تحریر در آورده است درباره بقعه ی شریفه این امامزاده جلیل القدر می نویسد :

بقعه ی این امامزاده بر فراز کوهی به نام « کوه سفید » در ۷ کیلومتری جنوب شرقی نراق ، در منطقه ای به نام بیدشک « بیدشکین » در ۲۰ کیلومتری شهر دلیجان واقع شده و به « فاطمه صغری » مشهور است .

ساختمان قدیمی بقعه که از آثار دوره صفویّه و قاجاریّه بود . بنای قدیمی از خشت و گل ساخته شده بود و دارای پلان مربع شکل از بیرون و هشت ضلعی از داخل داشت.

دو ایوان ، یکی در جنوب و دیگری در شمال ، ورودی اصلی آن بود . گنبدی مخروطی شکل که با کاشی های خشتی فیروزه ای تزیین شده بود در بالای بقعه خودنمایی می نمود . نقاشی سقف مربوط به دوران قاجار بود . ایوان و اتاق هایی در شمال و جنوب و غرب بقعه وجود داشت . به جهت دور افتاده بودن بنا ، چندین بار مورد دستبرد حفاران قرار گرفت .

بقعه امامزاده بی بی زبیده خاتون که به شماره ۶۹۷۲ و در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۱ به ثبت آثار ملی و تاریخی رسیده بود در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی تخریب و به جای آن بنای جدیدی ساخته شد .

ساختمان جدید با مساحتی حدود هزار متر مربع بنا گردید و شامل؛ ایوان ، گنبد ، گلدسته و حرم است . گنبد بنا دو پوش و از داخل عرقچینی و از خارج به شکل

کلاه خودی است که بر ساقه ای حدود ۵/۱ متری نشسته و چندین پنجره جهت نورگیری دارد . سطح داخلی و خارجی گنبد با کاشی های غیر نره ای پوشش یافته و جلوه ای خاص به زیارتگاه داده است . ازاره زیر گنبد و کف با سنگ مرمر پوشش یافته و در وسط آن ضریح بسیار عالی از جنس آب طلا و نقره است .

دو حسینیه به نام امام جواد و امام رضا (علیهما السلام) در دو طرف اتاق مرقد قرار دارد . ورودی بنا در جانب جنوب قرار دارد که خود شامل ایوان و دو طرف آن دو گلدسته به چشم می خورد . در پیشانی ایوان کتیبه ای سفید در زمینه سبز و گل بوته متن ذیل نوشته شده است : « آستانه متبرکه امامزاده فاطمه صغری ، بی بی زبیده خاتون بنت امام جواد (علیهما السلام) » .

تمام سطح خارجی ایوان و گلدسته با کاشی های مختلف و در زمینه آبی فیروزه ای و گل بوته تزیین شده و آیات قرآنی و روایات و ادعیه در آن نقش بسته است .

درباره شخص مدفون در این بقعه، قول متحدی است و همگان آن را از دخترانِ امام جواد (علیه السلام) می دانند و معتقدند که سیده فاطمه صغری ملقب به بی بی زبیده و از دختران بلافصل امام جواد (علیه السلام) است .

اهالی معتقدند که سیده فاطمه صغری با برخی از خویشان خود، جهت زیارت قبر عمه و جدش امام رضا (علیه السلام)، عازم ایران شد و در نزدیکی قم، در محلی به نام بیدشکین با قوای کفار مواجه شد و او و همراهانش به شهادت نائل آمده اند. (۱)

وقفیات متعدد مردم برای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)

مردم منطقه ی نراق به دلیل اعتقاد غیرقابل وصفی که به آن حضرت دارند، مزارع بسیاری را در شمال و جنوب حرم مطهر ایشان و همچنین در مسیر جاده ای منتهی به بارگاه نورانی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) مقداری از آنرا به همراه آب وقف کردند که برخی از این وقف ها که در اداره ی اوقاف نیز ثبت شده است ۲۰۰ ساله است .

وجود وقفیات فراوان در مزارع مختلف شهر نراق (از قبیل مزرعه بیدشک بالا و پایین، لانه، حسین آباد، گنداب و ...) جهت روضه خوانی و عزاداری در امامزاده زبیده خاتون (سلام الله علیها) حکایت از اعتقاد عمیق مردم نسبت به یادگار حضرت جواد (علیه السلام) در این منطقه دارد. (۲)

ص: ۶۵

-
- ۱- اقتباسی از مزارات ایران و جهان اسلام - قابل ذکر است که نظر نهایی این محقق ارجمند در مقابل نظر مشهور است .
 - ۲- اقتباسی از مقاله ی زبیده خاتون بنت الجواد(علیها السلام)، نگین شهر نراق - علی محمد مظفری . پایگاه اطلاع رسانی حوزه

حرم مطهر بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) دارالشفای عاشقانی است که نه تنها از داخل کشور اسلامی ایران، بلکه زائران فراوانی را از کشورهای خارجی شیفته و دلباخته ی خود کرده است .

هیأت ها و کاروان های فراوانی در شبهای جمعه ، موالید و شهادت های حضرات معصومین (علیهم السلام) به ویژه دهه ی کرامت ، عیدالله الاکبر غدیر ، تولد و شهادت امام جواد و امام رضا (علیهما السلام) از شهرهای نراق ، اصفهان ، قم ، کاشان، خراسان ، یزد ، تهران و ... به این دارالنور می آیند و از الطاف الهی و فضای فوق العاده معنوی که به واسطه نور امام جواد (علیه السلام) بر آنجا حاکم شده ، کسب فیض می کنند و قلوب خود را در معرض تشعشعات رحمت ، علم ، حلم و جود بنت الجواد (علیها السلام) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) قرار می دهند .

در شهر نراق و مناطق اطراف روز اربعین را روز شهادت این بانوی مجد و کرامت می دانند ، لذا هر سال مراسمی با شکوه و گسترده در این امامزاده برگزار می گردد.

هر ساله در این روز از سراسر کشور عاشقان و شیفتگان اهل بیت (علیهم السلام) خود را به آنجا می رسانند و هیأت های فراوانی با پای پیاده از نراق رهسپار حرم مطهر بی بی زبیده (سلام الله علیها) می شوند و جمعیتی در حدود ۷ هزار نفر از سفره با برکت حضرت فاطمه بنت الجواد (علیها السلام) به صرف ناهار پذیرایی می شوند . (۱)

ص: ۶۶

حال و هوای حرم بی بی و زائران دختر نه ساله ی حضرت جواد (علیه السلام) در اربعین حسینی حال و هوایی کربلایی است .

گویی پای در وادی عاشقان گذاشته اند . دیگر وجود زائران در اختیار خودشان نیست پاهای خود را بی محابا به روی خارهایی که وجودشان را به رخ همگان می کشند ، نوازش می دهند تا شاید بتوانند با دردی که متحمل می شوند ، التیام بخش زخم های به خون افتاده ی کاروان حسینی و قافله ی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) باشند .

صدای فریاد زائران از قلب سوخته ی شان حکایت دارد و اشک های ریزان از چشم زائران ، قلب سوخته ی کویر را کمی خنک می کند تا شاید در آن حال و

ص: ۶۷

هوا تسلی بخش قلب سوخته و نرگس چشمان پر از اشک زینب کبری و فاطمه صغری (علیهما السلام) باشند .

در باور مردم نراق و منطقه ، زیارت این امامزاده جلیل القدر مساوی با زیارت امام رضا (علیه السلام) است . اکثر زائران آن حضرت بخصوص کسانی که اولین بار به زیارت آن حضرت می آیند اعتراف می کنند که خواب دیده اند به پایوس جد شریفشان امام رضا (علیه السلام) مشرف شده اند و این نشان از عظمت این امامزاده بزرگوار دارد .

مردم ایام زیارتی مخصوص این امامزاده را اربعین حسینی و روز شهادت امام جواد (علیهما السلام) می دانند و سالها است که مردم نراق در این روزها عشق و ارادت خود را به خاندان رسالت ابراز داشته اند .

سالم ماندن پیکر مطهر حضرت زبیده خاتون (علیها السلام) پس از ۱۲۰۰ سال

فاضل محترم ، حجت الاسلام والمسلمین مهدی زاده از متصدیان زحمتکش احیای حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) نقل می کند از آنجایی که در مناطق اطراف امامزاده بی بی زبیده (سلام الله علیها) اثراتی از شهر از قرن های گذشته باقی مانده و در نزدیکی مزرعه ی بیدشک نیز قبرستان کفار وجود دارد ، برخی در پی گنج و حفاری بیابان های اطراف بر آمدند . از جمله این دزدها که از اعتقادات سالمی برخوردار نبودند ، شبانه وارد حرم خشتی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) می شوند و قبر مطهر را با شقاوتی غیر قابل باور می شکافند! .

البته پس از حدود ۱۵ سال برخی از خانواده های آنها برای ما نقل کردند که آنهایی که به طمع گنج قبر مطهر را حفاری کردند ، ۶ ماه پس از هتاکی شان با ذلت و مرگ نکبت باری به درک واصل شدند و مصداق بارز خسر الدنيا و الآخرة گردیدند .

صبح آن شب این جریان تأسف برانگیز را به ما اطلاع دادند که به اتفاق امام جمعه ی وقت نراق مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای نوروزی و رئیس پاسگاه وقت به حرم مطهر آمدیم و قبر مطهر را در آن حالت اسفناک مشاهده کردیم که در آن دزدها قبر را حفاری نمودند و سپس قسمتی از کفن را نیز با جسارت باز کردند و من جنازه ی حضرت زبیده خاتون(علیها السلام) را دیدم که از میج ها تا سر انگشتان مبارک بی بی (سلام الله علیها) پیدا بود .

از وقتی که من ناخواسته دست مبارک بی بی را از نوک انگشت تا میچ دست مبارکشان را به چشم دیدم تا مدت ها شبها خواب های پریشان می دیدم و صدایی با نهیب به من می فرمود : « چه حق داشتید دستان دختری از ما را ببینید؟! اگر دست ناموس شما را کسی ببیند چقدر ناراحت می شوید »؟! .

فردای آن روز ، زن های صالحه ی نراق را خبردار نمودیم . آنها آمدند و جنازه ها را مشاهده کردند و بصورت پنهانی کفن های اجساد مطهر را تکمیل نمودند و برای ما نقل کردند که گونه ها و پیشانی و موهای جلوی سر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) سالم بوده است و ناخن های حضرت نیز حنا زده بود .

و نیز گفتند مشاهده کردیم که در کنار پیکر مطهر ایشان . دو بانوی دیگر هم دفن شده اند که یکی از آنان بانویی حدود ۶۰ ساله ای بوده است که بنا بر نقل ها این دو بانو بعدها توسط شیعیان در کنار بی بی زبیده خاتون دفن شده اند .

مؤلف شهیر و دانشمند متبع ، حجت الاسلام والمسلمین مهدی پور در این باره می فرمودند : « خانواده ی داماد ما در نراق که به مناسبتی برای مراسمی در حرم بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) (سلام الله علیها) شرکت داشتند و تعدادشان چهل نفر بود ، برای من نقل کردند : در ابتدای بازسازی حرم مطهر بی بی زبیده (سلام الله علیها) بود که به آن مکان مقدس وارد شدیم و در آنجا همگان دیدند که قبر شریف باز بوده و بدن این بانوی با عظمت رؤیت شد که کاملاً ترو تازه بود . من این موضوع را شهادت می دهم به جهت اینکه چهل نفر شاهد و ناقل عینی این جریان بوده اند » .

سالم ماندن بدن پس از مرگ که به آن « بدن های مُتَرَوِّح » می گویند درباره پیامبرانی همچون دانیال ، حیقوق و شعیب و نیز برخی از اصحاب پیامبر همچون حذیفه بن یمان و عمرو بن جموح و برخی از علما همچون کلینی ، صدوق و ... به تجربه ثابت شده است .

از شماری از روایات که برخی از آنها مشترک میان فریقین است ، بدست می آید که خاک اجازه آسیب زدن به بدن اوصیاء و اولیای آنان را ندارد . « إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ » ؛ همانا خداوند متعال بر زمین حرام نموده

است اینکه اجساد انبیاء را بخورد. پس نبی خدا زنده است و روزی داده می شود. (۱)

درباره اهل بیت (علیهم السلام) صریح ترین سخن در نهج البلاغه آمده است: « إِنَّهُ يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنَّا وَلَيْسَ بِمَيِّتٍ وَيَبْلَى مَنْ بَلَى مِنَّا وَلَيْسَ بِبَالٍ » (۲).

کفایت شهرت در ثبوت قبور امامزادگان جلیل القدر

یکی از دلایل بر وجود مضجع شریف حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در مکان فعلی به عنوان دختر بزرگوار امام جواد (علیه السلام)، شهرت آن میان خواص و عوام است که از قدیم الایام مورد تکریم و تعظیم بزرگان دین و عموم مردم بوده و مردم آنجا را شعبه ای از حرم مطهر امام جواد (علیه السلام) دانسته و شبکه ی صریح آن بانوی با کرامت را پنجره فولادی بسمت مشهد الرضا (علیه السلام) می پنداشتند و بر این عقیده و باورند .

نظر فقهی استاد الفقهاء و المجتهدین در دفع بعضی از وساوس و شبهات

در پی القای شبهات بی اساس از سوی برخی افراد ناآگاه درباره ی وجود مقدس حضرت رقیه بنت الحسین (علیهما السلام)، مرحوم آیت الله العظمی تبریزی (قدس سره) با حضور در حرم مطهر حضرت رقیه خاتون (سلام الله علیها) در سخنانی دقیق و قابل تأمل مطالب مهمی را بیان داشتند و در باب کفایت شهرت در ثبوت بعضی از موضوعات خارجی فرمودند: « یادگیری احکام شرعی و فراگیری مسائل فقهی

ص: ۷۱

۱- . بحار الأنوار ، ج ۸۶ ، ص ۲۶۴

۲- . نهج البلاغه ، خطبه ۸۷

از برترین کارهاست . شما می دانید که راجع به ثبوت موضوعات خارجی ، حدودی وجود دارد ، و در همه یا در بیشتر آنها باید بینه اقامه گردد ، ولی در پاره ای از امور خارجی ، مجرد شهرت آنها برای ثبوتشان کافی است و نیازی به اقامه بینه یا چیز دیگری نیست ، مثل آنکه کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است؛ از امام در مورد حکم این مسئله سؤال شد . حضرت فرمود : اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است ، خرید آن جایز نیست . از همین قبیل است حدود منی و مشعر - که حدود منی و عرفات با شهرت ثابت می شود و هم چنین مقابر . ممکن است کسی دوپست سال پیش در جایی دفن شده باشد ، و الان کسی نباشد که دیده باشد فلان شخص در آن مکان دفن شده ، ولی بین مردم مشهور است که آن مکان ، محل دفن فلان شخص است . همین شهرت برای اثبات این که آنجا محل دفن فلان شخص می باشد ، کافی است .

مزار کنونی حضرت رقیه بنت الحسین (علیها السلام) در شام ، از اوّل مشهور بوده است . گویا حضرت امام حسین (علیه السلام) نشانی از خود در شام به یادگار سپرده است تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت (علیهم السلام) و حوادث آن پردازند . این دختر خردسال گواه بزرگی است بر این که در ضمن اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده اند . دفن حضرت رقیه (سلام الله علیها) در این مکان شهرت دارد و مشهور است و ما ملتزم به این شهرت هستیم . حضرت در این مکان جان سپرده و دفن

شده است و ما به زیارتش شتافتیم و باید احترام او را پاس داشت» . (۱)

با توجه به فرمایشات دقیق و عمیق فحل فقها، میرزای بزرگ تبریزی (قدس سره) در باب کفایت شهرت و با توجه به اسناد و بیان قاطع بزرگان شیعه و همچنین اقوال متعدد و کرامات موجود می توان قاطعانه سخن گفت که این قطعه از زمین را سرزمین ستارگان درخشان ابن الرضا (علیه السلام) نامید که در عظمت، سفره داری و کرامت یادآور پدر بزرگوارشان امام جواد (علیه السلام) و اجداد طاهرینشان بوده که در کویر تنهایی بسان پناهگاهی برای ایتم آل محمد (علیهم السلام) و موالیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) می باشند .

نظری دیگر در این باب

نفی و اثبات در مرحله ی اظهار نظر علمی هر دو دلیل می خواهد!

علامه ی محقق و فقیه متکلم، آیت الله العظمی حاج شیخ ابراهیم انصاری خوینی (دام ظلّه) از علما و زعمای برجسته ی شیعه (مقیم لبنان) و از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله العظمی خوینی (قدس سره) که تألیفات متعدد از جمله اصول الدین و ضروریات، موسوعه هفت جلدی حقائق الاحکام، ملاحم القرآن، المسائل الکلامیه و ده ها اثر علمی در مباحث تاریخی، کلامی، حدیثی، فقهی و غیره دارند، در بیاناتی ضمن ارج نهادن شخصیت والای امامزاده

ص: ۷۳

۱- اقتباسی از بیانات آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره در تاریخ ۱۳۸۱ ه . ش در حرم مطهر حضرت رقیه (سلام الله علیها)

واجب التعظیم حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، آن بانوی با جلال را حضرت فاطمه فرزند بلافضل حضرت جواد الائمه (علیه السلام) دانسته و همگان را به تعظیم و تکریم یادگار نهمین پیشوای شیعیان در نراق دعوت نمودند .

علامه ی محقق انصاری در پاسخ به برخی شبهه افکنی ها درباره ی این امامزاده ی جلیل القدر در مرقومه ای به نگارنده می نویسند :

... در باب امامزادگانی که دو احتمال اثبات و نفی وجود دارد ، نظریاتی هست که برخی از پژوهشگران معتقدند : می بایست جانب نفی آن را بگیریم ، ولی چنین نظری از دیدگاه محققان اصیل مردود است .

در عبارات محققان زیاد تکرار می شود که (نفی و اثبات در مرحله ی اظهار نظر علمی هر دو دلیل می خواهد) . حال در مرحله ی عمل یک وقت براءت و یک زمان احتیاط جاری می شود و آن مرحله ی دوّم است .

مثلاً- در مورد بحث ما اگر بخواهیم نظر بدهیم که صاحب مزار موجود در نزدیکی شهرستان نراق آیا دختر امام جواد (علیه السلام) هست یا نیست هیچ محققى بطور جزم اظهار نظر نمی کند که دختر امام جواد (علیه السلام) نیست . بلکه محققین از علما ، مکرراً تصریح فرموده اند که (در مقام صادر کردن حکم فرقی بین نفی و اثبات نیست) ، همانطوری که اثبات بدون دلیل جایز نمی باشد ، انکار بدون دلیل هم جایز نیست .

مثل اینکه کسی بدون دلیل حکم کند که صاحب این مزار دختر امام جواد (علیه السلام)

نیست . و اگر کسی چنین حکمی صادر کند در محافل علما و محققین کلام او از ارزش علمی ساقط است .

اما اگر ما در مرحله علمی به هیچ یک از نفی و اثبات حکم نکرديم ، در مرحله عمل چه باید بکنیم؟!

مثلا- مزاری یا بارگاهی هست و مردم درب آن را می بوسند و به زیارت آن می روند و آنجا پایگاه توسلات و نذورات شده است . آیا در مرحله عمل جایز است این مزار را احترام کنیم ، آیا اکرام صاحب این مزار پسندیده است یا نه؟! درباره ی این مزاری که از نظر علمی به انتساب آن به امام معصوم شک داریم ، آیا اکرام آن نیکوست یا خیر؟!

قول نخست ، قول عده ای از علماست ، که اصرار دارند که وقتی ثابت نشد نباید این نوع امامزادگان را اکرام کنیم .

ولی از طرفی برخی از علما از جمله آیت الله قائمی از شاگردان قدیم آیت الله العظمی خوئی (قدس سره) و نماینده مراجع در آبادان ، ایشان چنین نقل می کردند از یکی از علمای بزرگ نجف آباد که ایشان استدلال می کرده برای رجحان احترام زیارتگاه هایی که در انتسابشان شک داریم ، به اینکه : انسان وقتی برای کسی در صورت یقین احترام قائل شد در صورت شکش هم باید احترام قائل شود و ایشان می فرمودند : به اینگونه امامزادگان ، باید احترام کرد و تا

مادامی که یقین نکرده‌ایم به عدم انتسابشان به امام (علیه السلام) باید آن‌ها را اکرام کنیم و مورد احترام قرار دهیم

حق مطلب این است که اگر مجرد احتمال قلبی باشد بدون شاهد خارجی ولو ظنی جایز نیست اعمال تبعیدی انجام دهیم ولی اگر عرف عام نسل بعد نسل و سینه به سینه، احترام و قداست آن را پذیرفته اند باید حرمت برای آن امامزاده قائل شویم و بقول مرحوم سیدنا الأستاذ آیت الله الخوئی (مرتکز اذهان متشرعه) - که ایشان از آن بعنوان دلیل خامس تعبیر می‌کردند - قداست آنرا تأیید کرده باشد مادامی که دلیل شرعی قاطعی برخلاف آن نباشد و بعنوان امامزاده آن را زیارت می‌کنند همین برای اثبات قداست آن کافی می‌باشد. وقتی ارتکاز اذهان متشرعه در فقه و مرحله استنباط حجت باشد در مسائل تاریخی به طریق اولی حجت است و صحت و قداست و انتساب مزار به دختر بلافصل حضرت جواد الائمه (علیه السلام) در ظاهر نیز ثابت می‌شود.

در اثبات این مطلب شهرت کافی است!

محقق متبع و نویسنده‌ی نامدار، حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام عزه در خصوص این امامزاده عظیم الشان (بی بی زبیده) چنین اظهار نظر فرمودند:

« آنچه که می‌توان درباره‌ی قبر مطهری که در نزدیکی نراق است سخن گفت آن است که بانویی که در آنجا مدفون می‌باشد، قطعاً یکی از بانوان صالحه از

ذراری حضرت صدیقه ی طاهره (سلام الله علیها) است و اینکه ایشان فرزند جوادالائمه (علیه السلام) باشند برای اثبات این مطلب شهرتش کفایت می کند .

اینجا قبر دختر مظلومه و بلافضل امام جواد (علیه السلام) است

عالم ربانی و دلباخته ی امام زمان (علیه السلام) ، جامع منقول ، معقول و مشهود ، فقیه جامع ، محقق متتبع معتبد ، بزرگ محدث و رجالی شیعه ، مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمّد باقر موحد ابطحی اصفهانی (قدس سره) ، احیاگر عوالم العلوم علامه ی بحرانی ، مؤلف صحیفه های اهل بیت (علیهم السلام) ،

مبتکر تفسیر موضوعی قرآن کریم و غواص احادیث و علوم اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) (که بخاطر تألیفات متعدد و دقیق و احیای آثار شیعی به علامه مجلسی عصر نزد علما مشهور بود) ضمن ارادت ویژه ای که به حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) داشتند ، در دفعات متعدد به زیارت ایشان نائل و مردم را به توسل و عرض ارادت به این یادگار مظلومه ی امام جواد (علیه السلام) دعوت می نمودند .

این عالم دلسوخته که فرزند مفسّر و حکیم بزرگ اصفهان ، آیت الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی (قدس سره) و از نوادگان برومند صاحب مکیال المکارم میباشند، مراقد امامزاده های جلیل القدر متعددی را نیز با همت والا و شَمّ ولایی اش احیا نموده که از جمله آن می توان به احیای مشهد اردهال(1) و امامزاده جعفر بن رضا (علیهما السلام) (شاه کرم) در

ص: ۷۷

۱- . مرحوم علامه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی برای مدت زمانی کوتاه با جمعی از اساتید و محققین مؤسسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مشهد اردهال عزیمت نموده و در آنجا اقامت گزیدند و محققین را نیز در حجره های امامزاده اسکان داده و کار تحقیقاتی خود را در مشهد اردهال ادامه دادند . ایشان در مدت کوتاه اقامتشان در مشهد اردهال ، با مشکلاتی که در بارگاه ملکوتی حضرت سلطانعلی وجود داشت ، اعم از کم بودن وسعت حرم مطهر برای مراسم قالی شویان و غیره و مکانی برای استراحت زائران ، عدم سرویس های بهداشتی و رفاهی آشنا گردیدند . لذا در کنار امور علمی و تحقیقاتی ، کارهای عمرانی آستان مبارکه و آن منطقه را آغاز نمودند . بعد از چندی که کار آبادانی بقعه متبرکه آغاز شد و هر روز معظم له نماز جماعت ظهر و مغرب و عشاء را به جماعت در حرم مطهر اقامه می نمودند و به ایراد سخنرانی می پرداختند ، با دید بلندی که داشتند جهت شناساندن بقعه متبرک حضرت ابا الحسن سلطانعلی بن امام باقر (علیه السلام) بین عاشقان و علاقه مندان به ساحت مقدس ائمه معصومین (علیهم السلام) به کاروان های هفتگی جمکران که همه هفته از اصفهان به زیارت مسجد مقدس جمکران مشرف می شدند ، توصیه کردند که ابتدا به زیارت پسر امام پنجم در مشهد اردهال مشرف شوند ، سپس راهی شهر مقدس قم و جمکران گردند و به لطف امام عصر ارواحنا فداه ، روز به روز بر جمعیت زائرین افزوده می شد و از طرفی نیز با رایزنی های متعدد با وزرا و مسئولین ذی ربط کشور ، به وسعت و عمران آن منطقه پرداختند که در لیست خدمات معظم له به اختصار بدان اشاره نمودیم . مرحوم علامه با استعدادی که خداوند به معظم له عنایت فرموده بود ، در امور معماری بسان شیخ بهایی قدس سره صاحب نظر بودند ، طرح جامعی و کاملی برای آستانه مقدس سلطانعلی بن امام محمّد باقر (علیه السلام) ترسیم نمودند که نظر معظم له برای صاحب نظران و کارشناسان مورد استفاده قرار گرفت ، و آن طرح بعد از چندین ماه با کوشش معظم له و پیگیری ها نتیجه گرفت و نقشه تکمیلی آن به تصویب میراث فرهنگی کشور رسید و کار با یک طرح و نقشه شروع گردید . مرحوم علامه که مراسم باشکوه سنتی و مذهبی قالی شویان را دیده بود که چگونه سیل جمعیت و ارادتمندان به ساحت مقدس حضرت سلطانعلی بن امام محمّد باقر (علیه السلام) می آیند ، ولی از آنجایی که ظرفیت آستان مبارکه قابلیت انبوه جمعیت عزاداران را نداشت و روز به روز محدودیت آن بیشتر و بیشتر می شد ، معظم له در کار اجرائی ، طرح جامع را شروع کردند و برای باز شدن فضا و تسطیح نمودن اطراف امام زاده ، فعالیت خود را آغاز نمودند و با هماهنگی های لازم ، از وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اصفهان چندین دستگاه کمپرسی و بلدوزر ماشین آلات سنگین و سبک برای راه سازی قلتک و غیره

به منطقه مشهد اردهال اعزام گردید و در مدت یکسال و اندی چندین میلیون متر مکعب خاک را به اطراف امامزاده ریخته و تسطیح نمودند تا اینکه اطراف امامزاده به سطحی که برای طرح مناسب باشد انجام گیرد ... ، تا امروز که آستانه مبارکه ی آن امامزاده ی واجب التعظیم ، با وسعت کم نظیر و در شکوه خاصی پذیرای زائران و عزاداران بوده و آن از برکات خدمات ارزشمند مرحوم علامه در دوران اقامت کوتاهشان در مشهد اردهال بوده است که قدمی محکم در احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) و خدمت به مردم آن منطقه بشمار رفته و سبب احیای یکی از مراکز دینی و معنوی ایران اسلامی شده است . / اقتباسی از کتاب (در شعاع جانان)

اصفهان و ... اشاره کرد ، اهتمام ویژه ای به زیارت حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) داشتند .

علامه موحد ابطحی (قدس سره) که خود یک محدث خبیر و بصیر بوده و کلامش برای تمامی اکابر علمی شیعه تا به امروز سند و حجت می باشد و پیشوای دینی عصر ، مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی (قدس سره) درباره ی نظرات علمی ایشان می فرمودند : کلام آیت الله ابطحی کلام ما است ، هر چه ایشان بگویند مورد تایید ماست(۱)

؛ این محدث عالیمقام که دقیق ترین و ظریف ترین مسائل علمی را با حساسیت فوق العاده ای مورد بحث و بررسی قرار می دادند و ممکن نبود مطلبی را از نگاه سطحی بنگرد و بر آن تأکید کند ، قاطعانه درباره ی حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در نزدیکی نراق می فرمودند : « اینجا قبر مطهر دختر مظلومه و بلافصل امام جواد (علیه السلام) ، حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) است . به مردم بفهمانید که این بانوی مظلومه و

شهیده چه عظمت و جایگاهی نزد خدای متعال دارد .»

ص: ۷۸

۱- . اقتباسی از کتاب (شعاع جانان)

اصفهان و ... اشاره کرد ، اهتمام ویژه ای به زیارت حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) داشتند .

علامه موحد ابطحی (قدس سره) که خود یک محدث خبیر و بصیر بوده و کلامش برای تمامی اکابر علمی شیعه تا به امروز سند و حجت می باشد و پیشوای دینی عصر ، مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی (قدس سره) درباره ی نظرات علمی ایشان می فرمودند : کلام آیت الله ابطحی کلام ما است ، هر چه ایشان بگویند مورد تایید ماست(۱)

؛ این محدث عالیمقام که دقیق ترین و ظریف ترین مسائل علمی را با حساسیت فوق العاده ای مورد بحث و بررسی قرار می دادند و ممکن نبود مطلبی را از نگاه سطحی بنگرد و بر آن تأکید کند ، قاطعانه درباره ی حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در نزدیکی نراق می فرمودند : « اینجا قبر مطهر دختر مظلومه و بلافصل امام جواد (علیه السلام) ، حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) است . به مردم بفهمانید که این بانوی مظلومه و

شهیده چه عظمت و جایگاهی نزد خدای متعال دارد ».

ص: ۷۹

۱- . اقتباسی از کتاب (شعاع جانان)

مقام و منزلت دختر امام جواد (علیه السلام) از نگاه علامه مجلسی (ره) زمان

مداح و شاعر با اخلاص اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) ، حاج علی پاکدامن نقل می نمایند : چند ماه قبل از ارتحال مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی (قدس سره) ، به مناسبت ارتحال خواهر علویه ی شان، همسر جناب آقای دکتر سید عبدالوهاب طالقانی ، به اتفاق ایشان و حضرت آیت الله حاج سید رضا موحد ابطحی دام ظلّه (داماد معظم حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی (قدس سره)) از قم به اصفهان رفتیم .

در راه برگشت از جاده ی قدیم آمدیم و در طول راه صحبت از حضرت بی بی زبیده (سلام الله علیها) شد . مدتی که گذشت یکدفعه دیدیم مرحوم علامه موحد ابطحی (قدس سره) در حالی که چشمانشان بسته بود و در حال ذکر بودند فرمودند : برویم به زیارت بی بی زبیده (سلام الله علیها) ، دختر مظلومه امام جواد (علیه السلام)!

وقتی چنین فرمودند ، حضرت آیت الله حاج آقا رضا موحد ابطحی دام ظلّه منقلب شدند و چشمانشان پر از اشک شد و شروع به گریه کردند و تا حرم مطهر دختر حضرت جواد (علیه السلام) اشک می ریختند و با خود زمزمه ای داشتند .

به نزدیکی حرم مطهر که رسیدیم ، آیت الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی (قدس سره) با حالتی ناراحت و با عصبانیت غیر قابل وصفی فرمودند : چرا با این حرم چنین کردند؟! چرا به این مکان مقدس نرسیدند؟! چرا تا به اینقدر به دختر با جلالت حضرت جواد الائمه (علیه السلام) ظلم شده است ؟ !

باید این بارگاه نورانی را توسعه دهند و خاکبرداری کنند و در شأن و مقام والای دختر بلافضل حضرت جواد (علیه السلام) به این مکان مقدس برسند .

اینجا بود که اشک از چشمان آیت الله العظمی موحد ابطحی (قدس سره) جاری شد و با حالی منقلب فرمودند : این بی بی ، با این جلالت و قدری که دارند باید بارگاهی درخور نشان ساخت . حقیقتاً در حق این بی بی شهیده ظلم و جفا شده است ! .

سپس به من فرمودند : آقای پاکدامن! ببینید اینجا وسیله ی پذیرایی چیزی هست تهیه کنید؟!!

من به مغازه ای که در نزدیکی صحن مطهر بود رفتم و مقدار زیادی شکلات خریدم و نزدشان آوردم .

شکلات ها را گرفتند و به اخوی بزرگوارشان آیت الله حاج آقا رضا موحد ابطحی نیز فرمودند : بیاید کنار ضریح بایستید .

آیت الله العظمی موحد ابطحی با آن وزانت علمی و تحقیقی و با آن جلالت و ابهتی که داشتند ، ظرف شکلات را در دست گرفتند و کنار ضریح مطهر با دست مبارک خودشان به یکایک زائرها اعم از مرد و زن ، پیر و جوان و کودک، شکلات دادند و با حالتی همچون خادمان حرم ، بسیار متواضعانه از زوار پذیرایی نمودند . به ایشان عرضه داشتم : اجازه دهید ما این کار را انجام دهیم ، شما

به زحمت نیفتید! .

فرمودند : خیر! من به دو علت این کار را انجام می دهم .

ص: ۸۱

اولاً می خواهم به اندازه خودم به مردم بفهمانم که عظمت این دختر مظلومه ی امام جواد (علیه السلام) چقدر هست! ، وقتی مردم می بینند که من (یک عالم دین با این سن و سال) چنین از زائران پذیرایی می کنم ، ابتدائاً متوجه ی جلالت این بی بی می شوند .
ثانیاً اینکه خودم می خواهم برای دختر امام جواد (علیه السلام) کاری کرده باشم .

سپس به من فرمودند : آقای پاکدامن ! شروع کنید به توسل ! ... و من شعری فی البداهه درباره ی بی بی خواندم .

توسل عجیبی صورت گرفت و آیت الله العظمی موحد ابطحی با چشمانی گریان ، از زائران پذیرایی می کردند .

سپس مردم را دور خود جمع کردند ، متوسل به این بانوی بزرگوار شدند و ایشان دعا کردند و مردم با چشمانی اشکبار آمین می گفتند و حال عجیبی در حرم دختر با جلالت حضرت جواد (علیه السلام) بوجود آمد .

بعد از مراسم به من فرمودند : وظیفه ی ما این است که کاری کنیم که مردم به این امامزاده ی جلیل القدر متوجه بشوند .

اشک می ریختند و می فرمودند : من سید محمد باقر همین قدر که دستم

می رسد می بایست از زائران حضرت پذیرایی کنم و به شما بگویم روضه بخوان تا مقام و منزلت دختر امام جواد (علیه السلام) را به دیگران بفهمانیم ... و به همین اندازه باید کاری کرد ! .

اراده ی خدا بر آن است اینجا محل فیض باشد!

دانشمند محقق و فقیه دلسوخته ی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، حضرت آیت الله حاج میر سید حجت موحد ابطحی مد ظله العالی از علمای برجسته ی اصفهان، صاحب تألیفات عدیده و از احیاگران نهضت فاطمیه در قرن معاصر از جمله بزرگانی است که ارادت ویژه ای به یادگار حضرت جواد الائمه (علیه السلام)، حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) دارند و در صدد احیای نام و یاد ستارگان درخشان عترت، من جمله این دختر مظلومه ی امام جواد (علیه السلام) میباشند.

این عالم خدوم که از ارکان مهم و از شخصیت های اصلی و تأثیر گذار نهضت های مهمی چون احیای نهضت فاطمیه، نهضت صادقیه، نهضت غدیری، ایام محسنیه، اهتمام و بزرگداشت شخصیت های برجسته ای چون حضرت رقیه خاتون (علیه السلام)، حضرت ام المؤمنین خدیجه کبری (سلام الله علیها)، حضرت ابوطالب (علیه السلام)، جابر بن عبدالله انصاری، سلمان فارسی، اصلاح برنامه های اجتماعی هفتم صفر (سالروز شهادت امام حسن (علیه السلام))، و بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بشمار می روند، در بیاناتی ضمن تجلیل از مقام والای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)، از کرامات اعجاب انگیز دختر با عظمت جواد الائمه (علیه السلام) سخن گفتند که بدین شرح می باشد:

ما از طریق یکی از آشنایان، با این امامزاده ی جلیل القدر، حضرت فاطمه بنت الجواد (علیها السلام) که به بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) شهرت دارند آشنا شدیم که گفتند

امامزاده ی جلیل القدری در نزدیکی دلیجان و نراق هست که صاحب عنایات و کرامات عدیده ای می باشد و محل برآورده شدن حاجات مردم آن دیار است.

خانواده ی ما نیز پس از اطلاع از کرامات شگفت انگیز آنحضرت ، برای حاجت قلبی شان نیتی کردند و خیلی زود حاجتشان برآورده ی بخیر شد .

جاذبه ی معنوی والای حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)

سپس فرمودند : در سفری که عازم قم و مشهد مقدس بودیم ، تصمیم گرفتیم شبانه به زیارت بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) مشرف شویم . آن زمان که از دلیجان به سمت مضجع شریفشان حرکت کردیم متوجه غربت بی بی زبیده (سلام الله علیها) شدیم ، چرا که در طول مسیر نه جاده ای بود ، نه چراغی و نه امکاناتی و وقتی وارد بارگاه مطهر شدیم کسی در حرم نورانی بی بی زبیده (سلام الله علیها) حضور نداشت و متوجه شدیم چراغ حرم نیز ژنراتوری است و از برق شهری نیز بی بهره بود .

برای اولین بار که قبر مطهر را زیارت کردیم جاذبه ی خاصی از نورانیت دختر حضرت جواد الائمه (سلام الله علیها) روحمان را تحت تأثیر قرار داد . پس از اتمام زیارت از همراهانم سؤال کردم که چه حسی در حرم مطهر یافتید؟! همه ی آنها متفق القول همان حسی را که برای من ملموس گشت را بیان داشتند که جاذبه ای بر روحمان حاکم گشت .

جاذبه و نورانیت حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) سبب شد که پس از آن سفر به یادماندنی ، در دفعات متعدد به زیارت حضرتش نائل شویم و هر دفعه با گروه

های متعدد با همراهانی صد نفری ، دویست نفری و حتی با قافله ی عزای فاطمیه که حدود ۴۰۰ نفر بودند به زیارت بی بی مشرف شدیم و بسیاری از همراهانمان در آن سفرها به صراحت از برآورده شدن حاجاتشان به برکت توسل به این بانوی با عظمت ، خبر دادند که هر کدام از آن شرحش بسیار است که در این مقال نمی گنجد .

در رفت و آمدهایی که به این مضجع شریف داشتیم ، اتفاق های زیادی رخ داد و یکی از آن وقایع این بود که هر زمان که وارد حرم مطهر می شدیم یک فضای پرشوری اتفاق می افتاد و آن در حالی بود که در برخی نوبت ها زمینه و شرایط آن فراهم نبود و در شرایط غیر متعارف ، در زمان و موضوع سفر ، شور و حالی عجیب رخ می داد که عنایت ویژه ی بی بی زبیده خاتون (علیه السلام) بر زائرانش کاملاً محسوس بود و همین امر سبب آن شد که گرایشمان بر این قطعه از بهشت ، بیشتر و بیشتر شود .

برای من کاملاً مشخص شد که این صاحب قبر یک شخصیت الهی دارند نزد خدا و پدر و اجداد بزرگوارشان و بناست از این مکان مقدس فیض بر مردم برسد و اراده ی خدا بر آن است که این قطعه از بهشت رونق پیدا کند . (۱)

ص: ۸۵

۱- . برخی از کراماتی که حضرت آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحی (دام ظلّه) درباره ی سفرهای زیارتی شان به حرم یادگار حضرت جواد (علیهما السلام) مشاهده و لمس نمودند را در فصل کرامات بی بی زبیده (سلام الله علیها) درج نمودیم که دارای نکات ظریفی بوده که برای عموم ارادتمندان به آل الله بسیار قابل تأمل و استفاده است .

حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، از برکات کوثر نبوی است

دانشمند ارجمند و محقق متبحر ، آیت الله حاج شیخ شرف الدین نظری خادم الشریعه دام ظلّه فرزند برومند زعیم حوزه علمیه ی مازندران و بنیانگذار دهه غدیر ، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالله نظری خادم الشریعه (دام ظلّه) در تبیین عظمت و جلالت دختر بلافصل حضرت جواد الائمه (علیهما السلام) ، حضرت زبیده خاتون (علیها السلام) و مضجع شریفشان می فرمایند :

امامزاده ی جلیل القدر و عظیم الشأن حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ، دختر با جلالت حضرت امام جواد (علیه السلام) و از دودمان و ذراری حضرت زهرا (سلام الله علیها) و از برکات کوثر پیامبر اکرم **a** می باشند که بقعه ی متبرکه ی ایشان در آن نقطه ی بالای کوه ، همچون خورشید تألّو و جلوه گری دارد و می درخشد .

همانطوری که به تعبیر قرآن کریم وجود ستارگان در آسمان زینت برای اهل زمین می باشد ، (**إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ**) (۱) ؛ باید گفت بقاع متبرکه و مزارات از نسل کوثر رسول خدا **a** ، ستاره های زمین و زینت آن برای اهل آسمان ها هستند که برای آنها تألّو و درخشندگی خاصی دارند و یکی از این بقاع بابرکت همین مضجع شریف بی بی زبیده (سلام الله علیها) است که از نسل پاک امام جواد (علیه السلام) می باشد .

فرمودند : « **إِنَّ آثَارَنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا** » یعنی : « آثار و نتایج وجود ما بر کمالات ما

ص: ۸۶

دلالت می کند؛ « این امر را در بارگاه نورانی دختر بلافصل امام جواد (علیه السلام) به وضوح لمس می کنیم . اینکه مردم در زیارت حرم نورانی این بانوی باکرامت با توسلاتشان ، حوائجشان برآورده ی بخیر می شود و دعاهایشان مستجاب می گردد ، دلالت از آن دارد که این بقعه و صاحب آن نزد خدای متعال مکان و درجه ای بالا و والا داشته و دارد و این مطلب نیز در امتداد کوشش نبوی است که ان شاءالله تجلیات و عنایات و الطاف آن تا روز قیامت ادامه خواهد داشت .

اینکه برخی بخواهند در پی شبهه افکنی در باب مرقد امامزادگان واجب التعظیم باشند یا از کم اطلاعی بوده و یا از روی غرض ورزی است . علاوه بر اینکه در تاریخ مدارک و سوابق و قرائن در باب آن بزرگواران موجود است که نیاز به تتبع و بررسی دقیق دارد ، باید عرض کنیم آثار و برکاتی از این مرقد نورانی و بقاع متبرکه به ویژه (بی بی زبیده خاتون) در این باره ، در طول قرون متمادی مشاهده گردیده ، که بعنوان میراث ماندگار معنوی ، نسل به نسل ، دوره به دوره ، سینه به سینه تا امروز به موالیان و شیعیان حضرتش رسیده و جای هیچ انکار نیست و این در حالی است که مردم در همین عصر آثار و برکات آنرا مشاهده می کنند .

عدم العلم و علم به عدم دو چیز است!

والد معظم ما حضرت آیت الله العلامه نظری خادم الشریعه (دام ظلّه) در مباحث کلامی و اعتقادی مبنا و استدلالشان این بود که اکثر آنهایی که در پی انکار

موضوعی هستند اینها عدم العلم است . عدم العلم یعنی (نیست) و به این معنا است که من در این موضوع به این نتیجه نرسیدم .

علم به عدم آن است که در موضوعی بتوانی ثابت کنی که نیست .

حال می بایست ملتفت بود که علم به عدم ، نیاز به استقراء تام و تتبع تام دارد، یعنی اگر کسی بخواهد در تاریخ مطلبی را انکار کند ، می بایست تمام تاریخ را بررسی کند و به اصطلاح تتبع تام و استقراء تام در تاریخ کرده باشد .

والد بزرگوار ما برخی اوقات در قالب تمثیل بیان می فرمودند : ساختمانی است که اتاق های متعدد در آن می باشد ، سؤال می شود که آیا فلانی را در ساختمان دیدی ؟ گفته می شود من یک اتاق را دیدم ! ، نمی توانید بگویید در کل ساختمان نیست! و ممکن است که در اتاق بعدی باشد .

اگر تمام اتاق ها و طبقات را بررسی کردید و دیدید و آن وقت نیافتید میتوانید بگویید زید در این ساختمان نیست .

ایشان استدلال می کردند به روایتی از امام صادق (علیه السلام) که روزی یکی از منکرین خدا خدمت حضرت رسید ، امام فرمود : آیا می دانی که در آسمان چه خبر است و چه چیزها وجود دارد؟

منکر خدا گفت : خیر!

امام فرمود : عجب! تو که نه به مشرق و نه به مغرب رفته ای ، نه به داخل زمین فرو رفته ای و نه به آسمان بالا رفته ای ، و نه بر صفحه آسمان ها عبور

ص: ۸۸

کرده ای تا بدانی در آن جا چیست ، و با آن همه جهل و ناآگاهی ، باز منکر هستی؟ آیا شخص عاقل به چیزی که ناآگاه است ، آن را انکار می کند؟(۱)

این امر روشنی است که عدم العلم با علم به عدم دو تا است .

آدلّ دلیل بر امکان شیء وقوع شیء است .

بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) این کرامات و عنایاتی که از جانب ایشان صادر شده است که بیمار نازا حاجت می گیرد و مریض سرطانی که به تشخیص پزشک بیماری اش بدخیم است با توسل به صحت کامل جسمی می رسد ، این امر بیانگر عظمت و جلالت ایشان است که ثابت می کند که صاحب این قبر شریف اهل کرامت و معنویت هستند .

مرحله بعدی شیاع و شهرت در میان مردم است که از هر یک از مردم سؤال می کنید که این بقعه متعلق به کیست؟ می گویند : اینجا قبر مطهر دختر بلافصل حضرت جواد الائمه (سلام الله علیها) است که هزار و دویست سال است که اجداد ما اینجا را چنین می شناسند .

نظر والد معظم بر این بوده که در امور علمی و تاریخی می بایست عصای احتیاط در دست گرفت و نباید فوراً نفی کرد .

ص: ۸۹

شیخ الرئیس می گوید: « کل ما قرع سمعك من الغرائب فذره فی بقعه الامكان ما لم یزدك عنه واضح البرهان » (۱)

، هر چیزی که به گوشت خورد از عجایب و غرائب این را در بقعه امکان قرار بده بگو احتمالش هست تا مادامیکه یک برهانی بر خلاف او قائم نشده . این امکان همان احتمال عقلی است اگر به گوش شما امکان رجعت خورد ، بلا فاصله انکارش نکن بگو ممکن است ، مگر اینکه یک برهان عقلی بر خلاف او قایم شود .

استجاب دعا در بقعه ی زبیده خاتون (سلام الله علیها) دلیل بر آن است که صاحب این قبر نزد خدا وجهه ای دارد و تأیید می کند این امر را که ایشان استمرار از ذراری آن کسانی هستند که در دعای توسل می خوانیم یا وجهه عندالله اشفعی لنا عندالله .

می بایست تأمل نمود که چگونه دعا در جای دیگر مستجاب نمی شود ولی در اینجا مستجاب می شود؟!

پس صاحب قبه وجهه است و این سبب می شود در اینجا دعا مستجاب گردد .

اگر فقط شهرت بود و اثری نداشت انکار قابل تأمل بود ، ولی این دو هیچ کدام قابل انکار نیست و می بایست بگوییم ممکن است بر اثر فشارهای دشمنان و سوزاندن کتابخانه ها و ... تاریخ کامل به ما نرسیده است .

و در خاتمه شایسته است بگوییم که این کرامات دلیل بر جلالت شأن و رفعت مقام بزرگوارانی است که در شأنشان فرمودند :

ص: ۹۰



(فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرَفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ) (١) و (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (٢)

ص: ٩١

١- . نور ، آيه ٣٧

٢- . مائده ، آيه ٣٦

(دلنوشته ای از هجرت فاطمه بنت الجواد علیهما السلام از مدینه تا نراق)

ص: ۹۲

... آسمان مدینه تیره و تاریک بود و نسیم غربتِ عترت، بیت امامت و رسالت را نوازش می داد.

غبار ظلم خیمه ای بر بیت ولایت افکنده بود و حقیقت قرآن خانه نشین و ستارگان عترت در اسارت بی رحمانه ی بنی العباس نور افشانی می کردند!

صدای غرش اهریمن،

قلب یاس های کبود مدینه را می آزرده و باران بی کسی از نگاه های نگران بر کویرِ غربتِ گونه های تفتیده ی شان جاری بود.

غم شهادت و مظلومیت امام رضا (علیه السلام) و جواد الائمه (علیه السلام)، نفس های ایتام آل محمّد (علیهم السلام) را خسته و قلبشان را متلاطم کرده بود و ندای غربت دین از کوچه پس کوچه های مدینه به گوش می رسید.

هر روز سپاه تاریکی بر آستان خورشید یورش می آورد ... گویا ماجرای هجوم به خانه ی وحی را تکرار و قلب فاطمه ای دیگر را متلاطم و آزرده خاطر می نمود.

این بار فاطمه، فاطمه ی پهلو شکسته نبود که هجده بهار از حیات زهرایی اش بگذرد، مدینه ی آنروز فاطمه ی دیگری از فرزندان امام جواد (علیه السلام) را نظاره گر بود که از شکوفه های بهاری اش تنها نه سال می گذشت ... هرچند در آرامش نمی گذشت.

روزها به تهدید و دشنام و ارباب سپری می شد و گویا شب ها با اشک و غربت، ندای اللّهم عجل وفاتی سریعاً از حجره ی فاطمه ی دیگری به گوش می رسید.

فاطمه همان فاطمه هست ، آن یادگار نبوت بود و این یادگار ولایت! .

عجیب است که دل های پر از بغض اهریمنانِ مدینه ، تاب حضور فاطمه ای دیگر در مدینه الرسول **a** را نداشت و آتش کینه ی بنی العباس در خانه ی فاطمیه را نشانه می گرفت تا نور خدا را به گمان خویش خاموش کنند ... ، زهی خیال باطل ! .

گویند فاطمه ی آن روزهای مدینه ، دختر عالمه و زاهده ی امام جواد (علیه السلام) از جایگاه رفیعی در علم و حکمت الهی در میان مردم برخوردار بود و شمع فروزان خانه ی ابن الرضا (علیه السلام) ، دریچه ای از بارقه ی امید را در فضای تیره ی و تار و فتنه برانگیز ناامیدی مدینه در دل های مردم شهر پیامبر می گشود .

نگاهش برای مردم مدینه یادآور پاره ی وجود رسول خاتم و حلقه ی اتصال نبوت و ولایت بود و کلامش آرامش دهنده چون کلام جد بزرگوارش علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ... ، با آنکه هنوز بیش از نه سال از حیات طیبه اش نمی گذشت ، تاریکی ها نمی توانستند نور وجودی اش را تحمل کنند و در پی شهادت و خاموش کردن شمع نه سالگی اش بودند .

دیگر زندگی در مدینه ممکن نبود . مدینه همان مدینه و کوچه هایش همان کوچه ها و مردمش همان مردم! .

کجا روند؟! از چنگال اهریمن های بنی العباس به کدام کوی و برزن پناه برند

تا نسیم آرامش ، غبار بی حرمتی ها را از شانهِ هایشان بزدايد و ابرهای قیرگون

کنار رفته و خورشید درخشان وجودشان رخ عیان کند .

آنجا بود که به اذن امام هادی (علیه السلام) راهی ایران شدند تا در دیار سلمان محمدی سکنی گزینند و به زیارت قبر مطهر خورشید ولایت رضوی و ماه کرامت فاطمی نائل شوند .

کاروان به سمت ایران حرکت کرد ... ؛ چه کاروانی !؟

۴۰۰ صد نفر از سادات هاشمی و اصحاب و موالیان صدیق اکبر و فاروق اعظم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که به کاروان زنان شهرت داشت ، دختر عارفه و عالمه ی جواد الائمه (علیه السلام) را چون نگینی در بر گرفتند و با شوق زیارت و با رعب و وحشت از شیخون دشمن به سمت ایران حرکت نمودند .

این سفر برای کاروان حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) یادآور هجرت شبانه و مخفیانه ی جد بزرگوارشان سیدالشهدا (علیه السلام) از مدینه الرسول تا به کربلای معلی بود که آیه ۲۰ سوره قصص را قرائت نمود : (فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الظَّالِمِينَ) ... با حالت نگرانی و انتظار خطر مرگ از مصر بیرون آمد و گفت : پروردگارا مرا از این مردم ستم پیشه رهایی بخش !

اگر چه دختر با کرامت جوادالائمه (علیهم السلام) صاحب نفس مطمئنه ای است که خدای متعال در ظرف وجودی اش نهادینه ساخته و ترسی جز از جلال و عظمت خدا بر قلب مبارکش ساطع نیست ، ولی تاریخ این مهم را فریاد می زند که هنوز نه بهار از عمر شریفش نگذشته و ریحانه ای است که جسمش تاب

طوفان های سخت بیابان غربت را ندارد .

کاروان کوچه پس کوچه های مدینه را پشت سر می گذاشتند و دشمنان آنان را تحت نظر داشته و تعقیبشان می کردند . . . قافله ی نور از مدینه دور می شد ولی هنوز صدای هق هق درد و دل هایشان بر سر قبر رسول خاتم ، آسمان مدینه را آزار می داد و وداع سخت فاطمه ی دوران با دلی لرزان ، بغض نشکسته ی بقیع را در هم شکست و دیگر آن قطعه از بهشت شاهد فاطمه ای از آل رضا (علیه السلام) در میان خود نبود .

زمین مدینه قدم های مبارک حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) را بوسه باران می کرد تا آنکه دختر با جلالت آل هاشم آخرین قدم هایش را بر آن خاک متبرک و به سمت ایران حرکت کرد .

چه زیبا بود حلقه های مودت و محبت همراهان دختر والامقام امام جواد (سلام الله علیها) در این سفر ، و چه بهره ها که از نفس نفس های مسیحایی فاطمی اش که بردند و چه حظّی از مناجات های شبانه اش در کاروان که نبردند . !

کاروان در ماه محرم و صفر به آرامی طی طریق می کرد و جای جای سرزمین سلمان معطر به قدوم عالمه ای از تبار عالم آل محمّد (علیهم السلام) می گشت ، گویا شهرها و روستاهایی که کاروان خورشید نزول اجلال می فرمود ، حقیقت دین را برای بانوان دیار عجم بازگو می کرد و روضه های زینبی اش مردم دیار سلمان

را به یکباره مسلمان اعجاز فاطمی اش می نمود ... هر چند تاریخ قابلیت بیان آن را نداشت .

رائحه ی یادگار امام جواد (علیه السلام) پس از عبور از بیابان های هموار و ناهموار به اصفهان رسید .

آنجا بود که عالمه ی آل جواد (علیهم السلام) فرمود : به سمت قم حرکت کنید و کاروان هفت بلد راه را برگزیدند و رهسپار عش آل محمد (علیهم السلام) و به سمت و سرای بارگاه نورانی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) شدند .

آری! قم ، آشیانه ی اهل بیت رسول خدا **a** است ، شعبه ای از بهشت و رَوْضَةُ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ . همانجایی که امام صادق (علیه السلام) فرمودند : مکه حرم خدا و مدینه حرم رسول خدا **a** و کوفه حرم حضرت علی (علیه السلام) است و حرم ما اهل بیت شهر مقدّس قم می باشد که در آن بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دفن می شود! پس هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود . [\(۱\)](#)

او به زیارت فاطمه ای معصومه می رفت که او را به زهر جفا در همان نزدیکی ها به شهادت رسانیدند .

در دل شوق زیارت مقامی را داشت که پیش از آن خواهر بزرگوارش بر آن آستان قدم نهاده و بر قبر مطهرش سایه ای گستراند .

کاروان به سمت قم حرکت می کرد! قدم به قدم عمال بنی العباس خبر مسیر

ص: ۹۷

۱- . اقتباسی از کتاب کریمه اهل بیت (علیهم السلام)

کاروان عالمه ی آل رضا (علیه السلام) را از مدینه تا آنجا مخابره می کردند که وقتی به بیابانی در سه منزلی قم (۱) رسیدند بوی فتنه و دسیسه بر مشام اهل قافله رسید و رعب و وحشت عجیبی کاروان را در بر گرفت .

در طول مسیر سیاهی هایی دیده می شد که قدم به قدم کاروان را زیر نظر داشت و صدای شیحه ی اسبانشان کاروان زنان را آزار می داد . هوا گرم بود و آفتاب مستقیم بر کجاوه ها می تابید .

کاروان از بیابانی که دره های سختی داشت و اطرافش تپه های سنگی و کوه های طویل و وحشتناکی بود عبور می کرد که ناگهان قافله ی چهار صد نفره ی عالمه ی آل محمد (علیهم السلام) متوجه شد که در وسط بیابان بی کسی و در کنار دره های هولناک توسط دشمنان آل علی (علیه السلام) محاصره شدند و هیچ راه فراری برای زنان و کودکان نیست .

عرصه را بر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) تنگ نمودند! و از بغضی که نسبت به مادر مظلومه اش زهرای مرضیه (سلام الله علیها) داشتند ، بی حرمتی ها را آغاز کردند و جام بلا بر اهل ولا نوشاندند .

قفس را بر کبوتر تنگ کردند پذیرایی از او با سنگ کردند

ز کین گفتند : زهرای جواد است سپس با فاطمه هم رنگ کردند

حرامیان یورش آوردند و با سنگ ریزه و سر نیزه و شمشیر به استقبال کاروان

ص: ۹۸

نور رفتند و با تیر بارانی از حقد و کینه ی نسبت به فرزندان رسول خدا **a** به قتل عام یاران و بانوان با جلالت بنی هاشم تن دادند .

صدای شیخه ی اسب ها و فریاد های دژخیمان ، نفس های زنان و کودکان را به شماره در آورد . انگار صحنه های عاشورا را در کویر غربت به نمایش گذاشتند ... زنان شیون کنان هر کدام به سمتی به کوه ها پناه می بردند و کودکان به زیر چادرهای مادران ، خود را جمع می کردند که شاید از چشم تازیانه های دشمن در امان باشند .

هم زمان با نیزه و شمشیر مردان و قافله سالارهای حریم را به شهادت رسانیدند و از طرفی به غارت کاروان پرداخته و قهقهه کنان سر مست از فتح و ظفر حدود ۲۰۰ نفر از یاران و بانوان و کودکان حریم عترت را به اسارت در آورده و با تازیانه ای از کین آنان را به سویی روانه کردند .

جلاد های گرگ صفت بنی العباس از میان کاروان در جستجوی ستاره ی درخشان قافله یعنی حضرت فاطمه بنت الجواد (علیها السلام) بودند تا یادگار جوادالائمه (علیه السلام) را به حقارت به اسارت در آورند .

پس از جستجو در معرکه متوجه شدند عده ای از شیعیان مخلص و جان برکف و برخی مخدرات بنی هاشم ، خود را سپر بلای خاتون کاروان کردند و از آن

نازدانه محافظت می کنند . نانجیبیان به سمت آنان یورش آورده و پس از جنگ نمایان و رشادت های عجیب و غیرقابل وصفی به شهادت رسیدند .

از خودگذشتی های یاران زبیده خاتون (سلام الله علیها) در تاریخ یادآور اصحاب سیدالشهدا (علیه السلام) در کربلا بود که تا آخرین نفس ، از ناموس خدا و یادگار ولی خدا دفاع کردند .

بی بی به همراه چند تن از مخدرات بنی هاشم به سمت کوه پناه آورد ... گویا فاطمه ی صغرای دیگری از چنگال دشمن به سمت بیابان فرار می کند .

هرچند تاریخ پاهای خونین و تاول زده ی طفل ۹ ساله ی امام جواد (علیه السلام) و بدن مجروحه ی آن نازدانه را تحمل نکرد ، ولی خار مگیلان و سنگ ریزه های تیز و زمین سخت و بیابان داغ نراق بسیار آزار دهنده بود .

همین طور که کجاوه ها را غارت می کردند فداییان ولایت ، خاتون نه ساله عترت را سمت کوه کنار معرکه همراهی می کردند و خود را سپر بلا می نمودند .

دشمنان که چنین دیدند ، چنان کردند و با نیزه و شمشیر به سمتش حمله ور شدند که ناگهان نانجیبی سنگدل با نیزه بر ساق پای چپ دختر با جلالت امام جواد (علیه السلام) فرود آورد که بی بی از رمق افتاد و خون از پای مبارکش جاری بود .

مگر دختر نه ساله چقدر تحمل دارد ... جراحات عمیق و زخم دلش عمیق تر!

مردان باقیمانده ی از قافله خود را به حضرت رسانیدند و مانع از فرود آمدن دوباره ی شمشیر و نیزه بر بدن مطهرش شدند .

بی بی به سمت کوه فرار کردند و کشان کشان خود را به آنجا رسانیدند و در

حالی که پای خونین حضرت فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها) بر روی زمین کشیده می شد و قطراتش بر زمین نمایان می شد، به قسمتی از کوه رسیدند و آنجا بود که عالمه ی آل جواد (علیهما السلام) از نای دل ناله ای سر داد و به مناجاتی که دل سنگ را آب و کوه را از عظمتش شکافت از خدا خواست که بدن نیمه جانش بدست این حرامیان نیفتد.

و چنین بود که تاریخ چنین شهادت می دهد که به اذن خدا قرآن ناطقی بر کوه نازل شد. (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأُمَمُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ). (۱)

کوه در مقابلش خاشع شد و دختر باجلالت جواد الائمه (علیه السلام) را در آغوش گرفت و سپس به اذن خدا دهانه ی کوه بسته شد و پس از اندک زمانی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) بر اثر جراحات عدیده بهمراه دو تن از هاشمیات به شهادت رسیدند و آن کوه خود سردابی برای جسم مبارکش شد تا دعای مظلومه ای مستجاب شود.

نمی دانم لحظات احتضار بی بی زبیده خاتون بر قلب مبارکش چه گذشت ... شاید به یاد شهادت غریبانه ی جد غریبش امام حسین (علیه السلام) و پدر بزرگش امام رضا (علیه السلام) و پدر مظلومش امام جواد (علیه السلام) افتاد که هر کدام با لبی تشنه و بدنی آزرده در احتضار زمزمه ای داشتند.

نمی دانم بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) زیارت اربعین را از بلندای قتلگاهش چگونه

ص: ۱۰۱

خواند و سلام بر حسین آن روز فاطمه بنت الجواد (علیه السلام) با قلب جوشان سیدالشهدا ارواحنا فداه چه کرد که فاطمه ی صغرای دیگری با بدنی مجروح ، صورتی سوخته ، پاهایی خونین و تاول زده او را صدا و با او درد و دل می کند .

آنجا بود که ندای (يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ) (۱) در آستان خورشید طنین انداز شد و گوهر عترت در صدف کوه نراق آرام گرفت و به اجداد طاهرینش پیوست .

وقتی بنی العباس قتل و غارتشان به پایان رسید و حدود ۲۰۰ نفر از کاروان را به اسارت بردند و ۲۰۰ نفر دیگر را به همراه آن ۷ بلد راه که از اصفهان همراه کاروان بودند به شهادت رسانیدند و از بدست آوردن بدن نیمه جان حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) ناامید شدند جنازه های شهدا را به حال خود وا گذاشتند و آن سرزمین را ترک کردند .

بدن های شهدا که در دره عریان و بی کفن در زیر تابش خورشید تند کویر بود پس از چند روز اعجازی رخ داد و به اذن خدا دره شکافته شد و اجساد مطهر شهدا داخل زمین شدند و پس از استقرار در داخل سپس زمین دهان فرو بست تا اعجازی دیگری در تاریخ رقم بخورد تا سرّی از اسرار آل محمد (علیهم السلام) مخفی بماند تا روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ عیان کنند و به یاری موعود امم بپاخیزند .

روزهای بعد که خبر شهادت کاروان زبیده خاتون (سلام الله علیها)

به مردم اطراف رسید

ص: ۱۰۲

سراسیمه به آن سرزمین آمدند ولی اثری از قبر و بدن های شهدا نیافتند ... بعدها به اعجاز الهی چوپان هایی که شب ها از بیابان های اطراف می گذشتند انواری را در آسمان مشاهده می کردند که از سمت قم در نقطه ای فرود می آیند و از آن طریق ملتفت شدند اینجا سرزمین اسرار آمیز فاطمیه است و ما ادراک ما لفاطمه!؟



فصل چهارم: کرامات حضرت زبیده خاتون (علیها السلام)

اشاره

ص: ۱۰۴

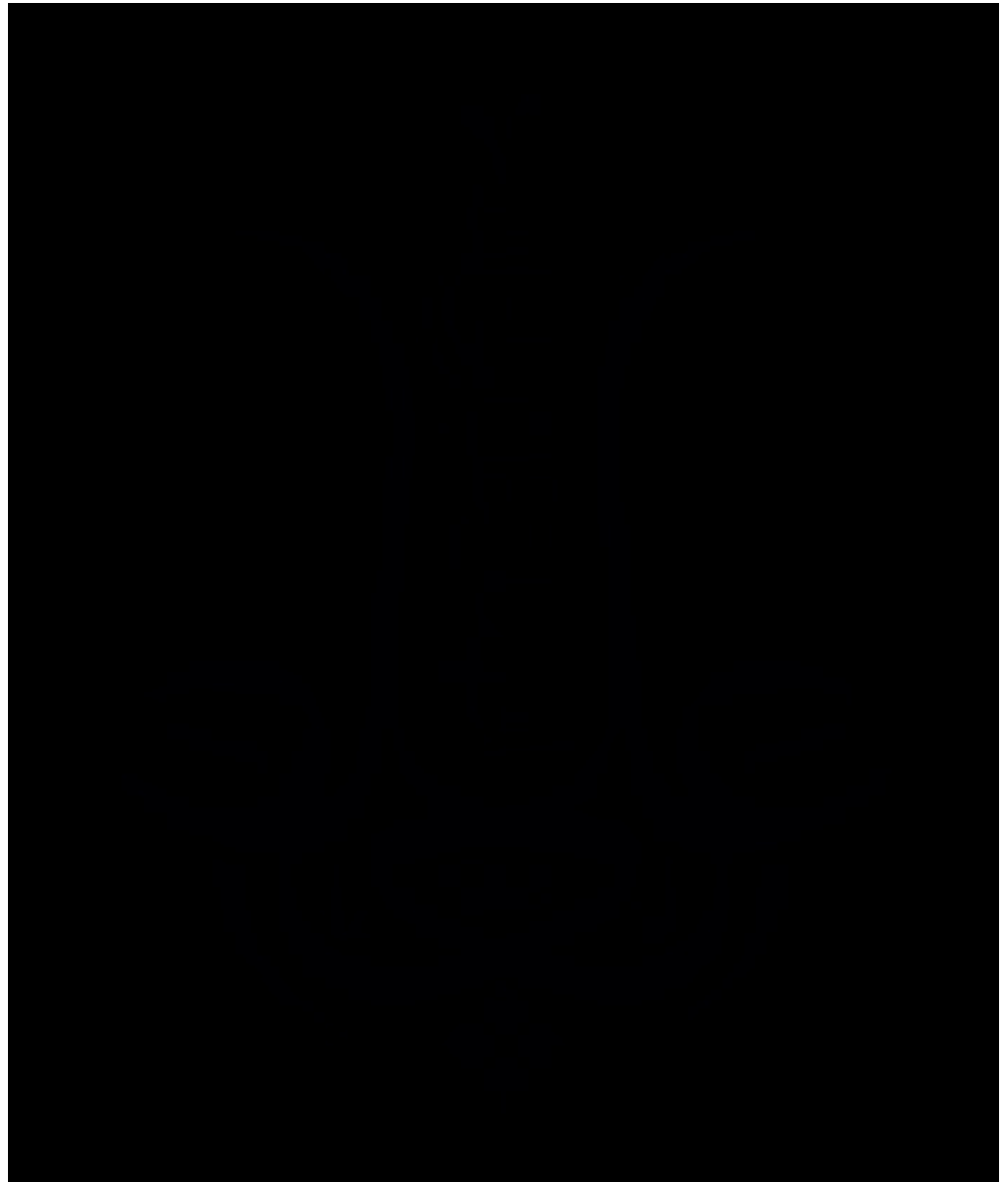
حجت الاسلام والمسلمین مهدی زاده نراقی از احیاگران آستانه ی مبارکه حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) که خود شاهد بسیاری از کرامات یادگار امام جواد (علیه السلام) در حرم مطهرشان بودند، در بیان کرامات عدیده ی این بانو در باب شفایافتگان می گوید: عمدتاً اینگونه کراماتی را که از دختر باجلالت حضرت امام جواد (علیه السلام)، حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) دیده شده به چند بخش تقسیم می شود:

۱. شفای بیماری های صعب العلاج و سرطان

۲. شفای بیماری های نازایی

۳. شفای بیماری های روانی

از آنجایی که تعداد شفا یافتگان بسیار بوده و ثبت همه ی آنان در مقاطع مختلف ممکن نبود، آمار مختصری که از شفایافتگان سرطانی در این آستان مقدس به ثبت رسیده است که بیش از ۱۲۰ مورد از بیماران سرطانی به برکت انوار قدسیه ی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) شفا یافتند که حدود ۷۰ مورد آن از اصفهان بوده است. حال برخی از شفایافتگان آستانه ی مبارکه ی بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) را در این فصل بیان می کنیم.



خانمی انگلیسی (همسر آقای حمید امینیان نراقی) که به سرطان مبتلا شد و به تشخیص اطبا ۹۹٪ در وی اثر کرده و تمام وجودش را در بر گرفته بود به همراه شوهرش که اهل نراق بوده به زیارت حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) می آید و به آن بانوی کریمه متوسل می شود .

به حضرت عرضه می دارد که من پنجشنبه در انگلستان نوبت برای عمل

جراحی دارم . ولی برای من شما اصل هستید و دواى درد خود را شما مى دانم. مبلغى داخل ضريح انداخت و رفت .

وقتى به انگلستان رفت ، دكترهاى انگلستان قبل از عمل جراحى آزمایشاتى از وى به عمل مى آورند تا بار ديگر وضعیت سرطان حاد وى را مورد بررسى قرار دهند.

پس از بررسى هاى دقيق كميسيون پزشكى متحير مى شوند و مى گویند اثرى از سرطان در اين بیمار نيست و ما نمى دانيم چه شده است و آزمایشات را تکرار مى کنند و مجدداً مى بینند نتیجه ی آزمایش هیچ اثرى از سرطان را در بدن اين خانم تأیید نمى کند . . . ! . . . و بیماری وى به واسطه توسل و عنایت بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) به طور کلی محو شد و آزمایش صحت کامل ، تمام پزشکان را به بهت و حیرت واداشته بود .

این خانم پس از شفا یافتن برای عرض تشکر از بی بی ، تعداد زیادى از لامپ هاى انرژی خورشیدی را از انگلستان خریدارى مى کند تا به ایران و به حرم ایشان بیاورد ، ولی در گمرگ انگلستان مأمور ویژه مانع از خروج لامپ ها به ایران مى شود . این خانم انگلیسى تازه شفایافته مى گوید : وقتى مأمور مانع شد از همانجا متوسل به بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) شدم و گفتم بی بی جان! این هدیه ی تشکر شفا یافتگی من به آستان مبارکتان است ، خودتان عنایتى کنید

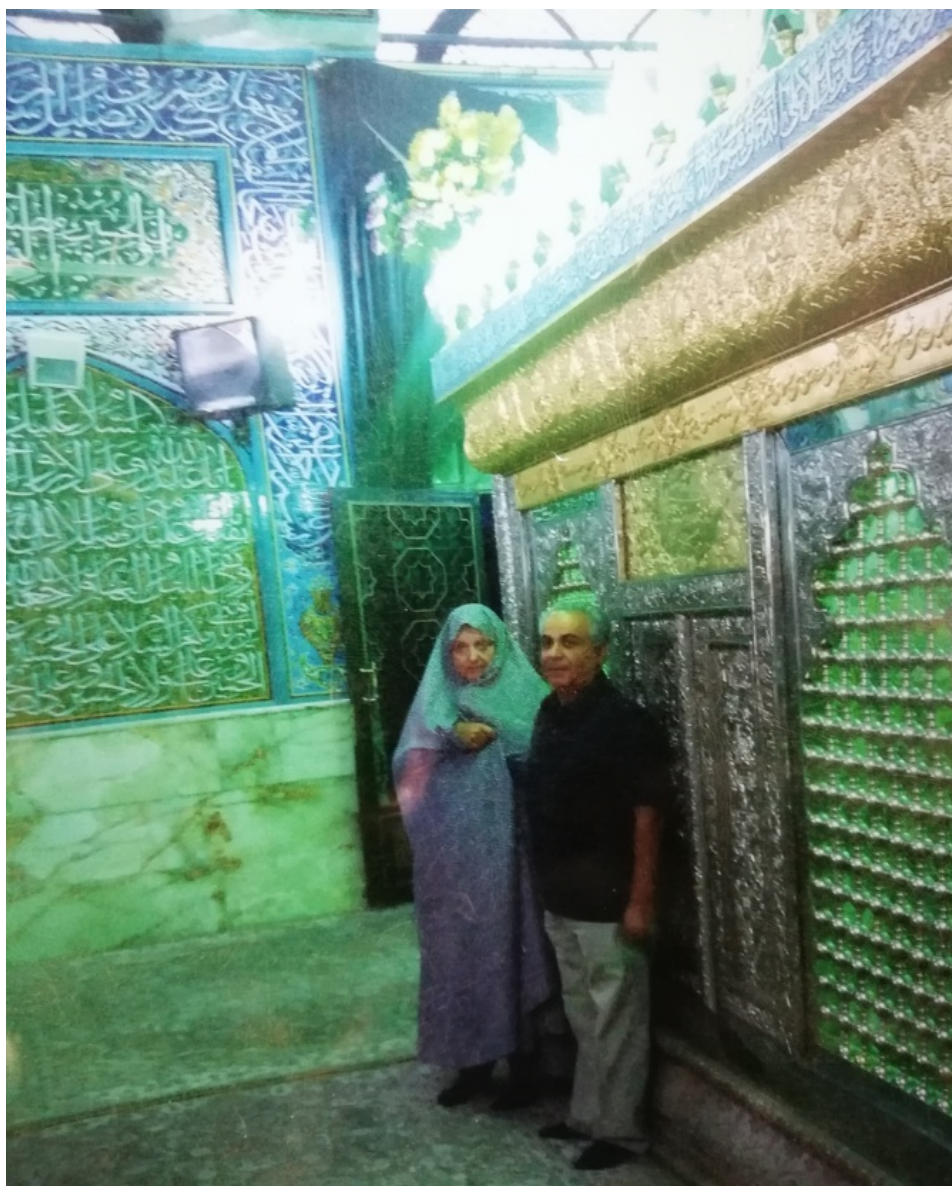
ص: ۱۰۷

دختر خردسالی به نام آتنا شیبانی اهل تهران که در کودکی به سرطان نخاع مبتلا بود و به بسیاری از پزشکان زبردست ایران و ... مراجعه کرد و علم پزشکی در آن زمان قادر به معالجه ی او نبود ، با توسل به حضرت فاطمه بنت الجواد (علیها السلام) شفا می یابد و پزشکان معالجش پس از بررسی های مجدد و انجام آزمایشات عدیده مات و مبهوت می مانند که چه شد که هیچ اثری از سرطان در نخاع این کودک وجود ندارد و این در حالی بود که نخاعش رو به زوال و امیدی به درمانش نبود.

تصویری که مشاهده می کنید همان دختر شفا یافته است که پس از سال ها به همراه پدرش مکرر به زیارت مضجع شریف زبیده خاتون (سلام الله علیها) نائل می شود .

شفای مرد یزدی که سرطان روده داشت

تصویر



مرد شریفی به نام عباس علی اکبری از یزد که سرطان روده داشت و سال ها از این بیماری رنج می کشید با توسل و زیارت حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) شفا یافت .

بیماری او آنچنان بود که تمامی اطباء از بهبودی او قطع امید کرده بودند و تنها نسخه ی شفای او بدست یادگار حضرت جوادالائمه (علیه السلام) امضاء شد و حال از زائران همیشگی کوی فاطمی این بارگاه نورانی هست .

شفای سرطان خون به عنایت بی بی زبیده (سلام الله علیها)

خانم منصوری از دلیجان نقل می کند : دخترم فاطمه ، در سن دوسالگی مریض شد و برای معالجه او را به اصفهان بردیم . تشخیص پزشکان حاذق این بود که فرزندم به نوعی بیماری خونی مبتلاست و می بایست تا هفته ی بعد آزمایش مغز و استخوان از او بگیریم .

این خبر برای ما بسیار وحشتناک بود ، از اینرو صبح روز جمعه به حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) رفتم و نماز امام جواد (علیه السلام) را به نیت شفای فرزندم خواندم .

در بین نماز بودم که ناگهان حس کردم که نوری در سجاده ام آمد و حال خوشی به من دست داد و صدای روضه ی حضرت رقیه (سلام الله علیها) که از حرم مطهر پخش می شد حالم را دگرگون کرد و پس از آن حس کردم شاید خبری شده باشد .

در دلم به حضرت گفتم اگر به دخترم شفا عنایت فرمودید چیزی به من نشان دهید که مطمئن شوم که همان لحظه اسکناس سبزی از بالای ضریح بر روی زمین افتاد و ملتفت شدم که عنایتی شده است .

فردای آن روز

فاطمه را برای آزمایش مجدد به آزمایشگاه بردیم و دکتر متخصص خون که انسان نورانی و معتقدی بود گفت : خانم منصوره چه کردید و او را کجا بردید که هیچ اثری از بیماری خون در دخترتان نیست .

با گریه گفتم بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) شفا دادند و گفت : خوشا به حالتان بروید به سلامت! . (۱)

شفای بیماری که دکترها از او قطع امید کردند!

خانم رفیعی از دلجان نقل می کنند : یکی از معجزاتی که من از زبان یکی از خدام آستانه ی مبارکه ی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) شنیدم این بود که می گفتند:

دختر نوزده ساله ای از تهران و از خانواده ای بسیار ثروتمند دچار سرطان سختی می شود . پدرش دختر را جهت درمان به چند کشور پیشرفته در علم پزشکی می برد ولی پزشکان آنها از او قطع امید می کنند .

یکی از آشنایان پدر به او می گوید ، شما که این دختر را به همه جا بردید ، او را در فلان مکان که زیارت گاهی هست که معجزات زیادی از او دیده شده نیز ببرید .

ص: ۱۱۱

پس از چندی آن دختر را به حرم مطهر بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) می برند و چند روز آنجا می ماند و بعد از سه روز توسل به دختر ۹ساله ی امام جواد (علیه السلام) به تهران بر می گردانند .

خانواده پیش خود گفتند برویم بار دیگر یک سری آزمایشات بدهیم و ببینیم وضعیت دختر چگونه است . وقتی برای آزمایش می روند و پزشکان نتیجه ی آنرا می بینند با کمال ناباوری می گویند هیچ اثری از این بیماری در وجود این دختر نیست؛ و به عنایت بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) این دختر شفا می گیرد .

پدر این دختر هم هر سال گوسفندی در حرم مطهر بی بی قربانی می کند و این خانواده زائر همیشگی آستان نورانی یادگار امام جواد (علیه السلام) می باشند . (۱)

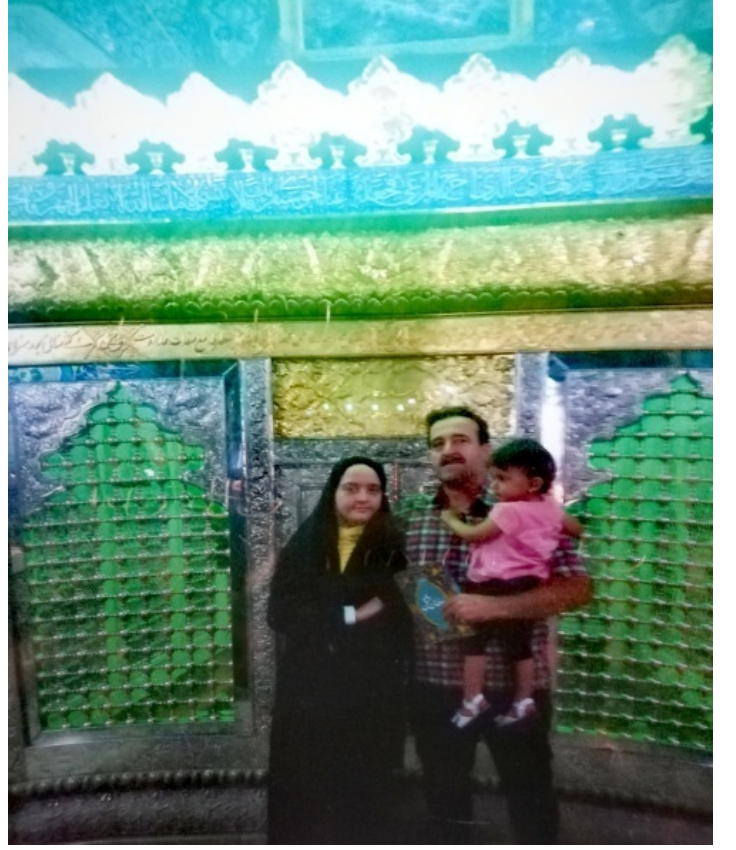
عنایت ویژه ی زبیده خاتون (سلام الله علیها) به کسانی که نازا بودند

یکی از شاخص ترین کرامات بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) تاکنون را اولاد دار شدن بیش از ۴۰ خانوار بی فرزند که سالیان سال در حسرت فرزند دار شدن به سر می برند نام برد . تعداد بسیاری از خانواده هایی که به دلایلی از نعمت فرزند محروم بودند با توسلات متعدد به حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) صاحب اولاد شدند و حلاوت برخی از آنان چنین بود که به عنایت بی بی ، خدای متعال فرزندان سه قلو و دوقلو پس از سال ها به آنها موهبت نمودند که تصاویر برخی از آنان

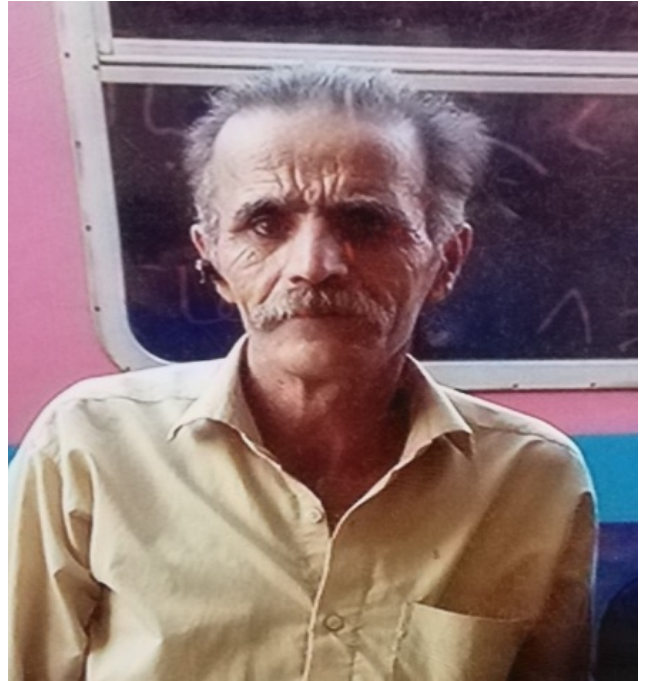
از نظرتان می گذرد :

ص: ۱۱۲

تصویر



تصویر



تصویر



تصویر



تصویر



عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها) و بچه دار شدن پس از ۸ سال

حاج علی پاکدامن از مداحان با اخلاص اهل بیت (علیهم السلام) از مشهد الرضا (علیه السلام)، برای نگارنده نقل نمودند: من ۸ سال بود که

بچه دار نمی شدم و اطباء گفته بودند که مشکل از من بوده و صراحتاً به ما گفتند که ۹۹ درصد این اتفاق نخواهد افتاد .

توسلات متعددی انجام دادم از جمله ختم لعن به دشمنان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

که از ناحیه ی امام رضا (علیه السلام) صادر شده بود .

ص: ۱۱۳

به عنایت امام رضا (علیه السلام) و لطف امام حسن (علیه السلام) در ایام چهلم هلاکت ملعون ازل و ابد طبق قرائن متوجه شدیم که حضرت عنایتی فرمودند . ولی به آزمایشگاه مراجعه نکردیم .

قبل از آزمایشگاه ایام شهادت حضرت معصومه (سلام الله علیها) فرا رسید که مصادف بود با سالگرد ارتحال مرحوم علامه ابطحی (قدس سره) که به قم آمدیم .

قبل از آن آیت الله حاج آقا حجت موحد ابطحی دام ظلّه با کاروانی از علما و بازاریان و هیئات مذهبی اصفهان در آستانه ی مبارکه ی بی بی زبیده (سلام الله علیها) مراسمی داشتند که حقیقتاً مجلس فوق العاده ای بود . ما هم در آن حضور یافتیم و عرض ادبی کردیم و پس از پایان مراسم ، کنار ضریح رفتیم و متوسل به حضرت شدم و عرضه داشتم : بی بی جان! ای دختر امام جواد! شما بهتر می دانید که چه مشکلی داریم! این توسل من به شماست! عنایت فرمایید و این را که پس از هشت سال است در پی آن هستیم و به آن فکر می کنیم صحیح و جواب آزمایش مثبت باشد؛ شما بزرگواری کنید و با تمام سختی هایی که هست ، این بچه به دنیا بیاید و من سال آینده ، همین روز و همین تاریخ اینجا برای شما روضه می خوانم .

به عنایت حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) چنین شد و دقیقاً وقتی برگشتیم رفتیم آزمایشگاه متوجه شدیم خدا فرزندی به ما عنایت کرده به نام نامی حضرت علی اکبر (علیه السلام) (به توصیه قبلی مرحوم آیت الله موحد ابطحی) و دقیقاً سال بعد در

همان تاریخ با قنذاقه بیچه به حرم مطهرشان رفتیم و روضه ی باشکوهی برپا کردیم.

شفای بیمار روانی به عنایت دختر حضرت جواد (علیه السلام)

تصویر



آقای علی محمدی از اهالی دهات نزدیکی نراق که قبلاً در دلیجان زندگی می کرد در سانحه ای تصادف می کند و پیشانی اش به عقب نیسان می خورد و دیوانه می شود .

این شخص ۱۴روز در حالت کما بود و پزشکان نا امید از بازگشتش اجازه ی اهدای عضو را صادر نمودند .

چند تن از خانواده اش با حال اضطرار با نیسان از بیابان ها به حرم مطهر بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) آمدند و متوسل به بی بی شدند . در اثنای خواندن دعای

ص: ۱۱۵

توسل بودند که از بیمارستان نقوی کاشان تماس گرفتند که بیمارتان که در حالت کما بود و الان به هوش آمد .

وقتی این شخص به هوش آمد ، دو ماه حالت روانی بود . فقط نگاه می کرد و حرف نمی زد .

فامیلی داشت به نام حاج محمد آواره ، شبهای جمعه که دعای کمیل در حرم خوانده می شد او را به حرم می آورد و به ضریح مطهر دخیلش می کرد .

به عنایت حضرت فاطمه بنت الجواد (علیها السلام) این جوان پس از دو ماه شفا گرفت و پس از مدتی ازدواج کرد و صاحب اولاد شده است .

دختر روانی که به عنایت بی بی شفا گرفت

دختر مرد شریفی به نام حاجی نجفی در اصفهان که ۳۰سالش بود یک شب ناخودآگاه حالش بد می شود و همسر و فرزندان خود را رها می کند و از حالت طبیعی کاملاً خارج می شود .

به اطبا و روان پزشک های متعددی مراجعه می کنند و نا امید از همه جا به پیشنهاد یکی از اهالی شهر نراق تصمیم به زیارت و توسل به حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) می گیرند .

وقتی به سمت جاده ی منتهی به حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) حرکت میکنند راه را اشتباه می روند . یک لحظه در مقابل خود مردی با لباس سفید می بینند که سوار بر موتور است و به آنها می گوید : راه را اشتباه رفتید! راه بی بی زبیده

از این طرف است! . همین که این جمله را گفت از دیدگان محو و غیب شد . همراهان بیمار متعجب به سمت راهی که آن شخص نشان داد حرکت نمودند و خیلی زود به مقصد رسیدند . سه شب بیمار را در حرم بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) خواباندند و متوسل شدند پس از سه شب دختر روانی شفا یافت و نزد همسر و فرزندان برگشت .

شفای سربازی که مشکل روحی داشت!

سربازی که در بیابان نگهبانی و پست می داد و شب به دلایلی دچار رعب و وحشت و دچار اختلالات متعدد روحی روانی شد ، پدرش نذر یک خاور آجر برای امامزاده زبیده خاتون (سلام الله علیها) می کند و فرزندش را به حرم مطهر آورده و متوسل می شود . چند روز نگذشت که تمامی آن حالات منفی از وجود این بیمار رخت بست و سلامت کامل روحی خود را بدست آورد .

شفای جنین به عنایت زبیده خاتون (سلام الله علیها)

از کرامات دیگر بی بی را می توان شفای جنین افغانی در شکم مادرش عنوان کرد . این خانواده افغانی پس از آگاه شدن از بیماری مادرزادی فرزندشان که دارای پاهایی کج است ، به دختر ۹ ساله امام جواد (علیه السلام) متوسل می شوند و در نهایت خداوند به واسطه آبروی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در نزد خودش این نوزاد را شفا داده و پدر و مادرش هم نام کودکش را زبیده می گذارند . (۱)

ص: ۱۱۷

عناياتی از حضرت زبیده خاتون (سلام الله عليها) به نقل از آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحي (دام ظلّه)

۱ - میهمان نوازی سیره ی آشکار زبیده خاتون (علیها السلام)

حضرت آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحي (دام ظلّه) از علمای برجسته ی اصفهان در بیان کرامات و فیوضاتی که در حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله عليها) مشاهده نمودند می فرمودند: یکی از خصوصیات حضرت زبیده خاتون (سلام الله عليها) که شخصاً آن را لمس کردم این بود که ایشان دوست می دارند که به نام ایشان، در رابطه با زائرانشان پذیرایی خوبی صورت پذیرد و این مطلب را در تمام سفرهایی که به آنجا داشتیم لمس نمودیم.

در برخی نوبت ها که هنوز این ازدحام ها در حرم مطهرشان نبود حس می کردم که ایشان دوست می دارند که زائر بیشتر در حرمشان بماند و با آن حریم نورانی انس گیرد و این حس برای خودم حس خاصی بود و عجیب با استخاره هایی که می کردم هماهنگی داشت که باید این کار بشود و بیشتر بمانیم.

در یکی از سفرهایی که زیارتان تا به شب ادامه داشت، توجه قلبی به من

دست داد که شب را باید در آن حریم نورانی بمانم، استخاره کردم که بسیار خوب آمد و ترکش نیز بد بود.

به همه ی کسانی که همراه من بودند گفتم شما بروید و من شب می مانم. آنها تعجب کردند و گفتند: الان وسط هفته است و ممکن است برای برگشت

به مشکل برخورد و شب تنها در این امامزاده در وسط بیابان به صلاح نیست. ؛ به آنها گفتم مانعی نیست و قصد کردم شب را تنها در حرم بمانم.

آن شب را تا به صبح در حریم نورانی حضرت زبیده خاتون ماندم و صبح که برای وداع بر آستان مقدسش بوسه زدم و از درب امامزاده بیرون آمدم دیدم یک ماشین از جاده ی خاکی به سمت می آید! . تعجب کردم آن ماشین نه مسافری داشت و نه کاری! . از او سؤال کردم جایی می روید؟! در پاسخ گفت : شما کجا می روید؟ گفتم دلیران! گفت سوار شوید تا دلیران در خدمت شما هستم.

به همراهش تا دلیران رفتیم تا در عبوری دلیران به قم پیاده شدم دیدم ماشینی برای رفتن به قم ایستاده بود و تا سوار ماشین شدم بدون آنکه منتظر مسافری باشد به سمت قم حرکت کرد و مرا به مقصد رسانید .

۲- پذیرایی غیر قابل وصف دختر امام جواد زاز قافله ی فاطمیه

در یکی از نوبت هایی که برای سفرهای مقدماتی فاطمیه با کاروان عزا به قم و تهران می رفتیم ، به زیارت بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) آمدم . همینکه مشغول زیارت بودیم به دلم افتاد که خوب است یک پذیرایی از این زائرها و عزاداران فاطمیه صورت پذیرد .

شام جمعه ، ساعت ده شب بود . در محل امامزاده که هیچ مغازه ای نبود و تصمیم گرفتم به دوستان بگویم از شهر نراق وسایل پذیرایی زائران حرم بی بی (سلام الله علیها) را تهیه کنند . آن ساعت از شب ، زمانی بود که بیشتر مغازه های شهرهای بزرگ تعطیل

است چه برسد به شهر نراق که در چنین ساعاتی باز بودن مغازه ها مرسوم نبوده است . به یکی از رفقا (آقای اکبری که خدایش بیامرزد) و دیگری که در قید حیات هست گفتم بروید نراق و هر چیزی که برای پذیرایی زائران مناسب بود تهیه کنید تا از طرف بی بی زبیده (سلام الله علیها) از زائران پذیرایی کنیم. در آن زمان شب که بیابان تاریک و خوفناک بوده ، آن هم در جاده ی خاکی به سمت نراق ، کار سخت و دشواری بود .

آنها که حرکت کردند برای تهیه وسایل پذیرایی ، ما شروع به قرائت حدیث کساء کردیم و عجیب است که هنوز قرائت حدیث کسای ما به اتمام نرسیده بود که آن دو نفر برگشتند و اشاره کردند که سفره ی پذیرایی زائران را پهن نمودند .

تعجب کردم! وقتی نگاهی به سفره انداختم دیدم هر غذا از بهترین نوعش فراهم شده و از هندوانه و خرمای بمی تا نان تازه به اندازه ی صد نفر روی سفره قرار دادند و برای من عجیب بود که چگونه این ها را تهیه نمودند .

گفتند : رفتیم نانوا دیدیم نانوا همینطور نشسته است و همه ی نانش روی میزش گذاشته است . گفت از عصر تا حالا هر چه میخواهم به منزل بروم یک نیروی عجیبی نگذاشت از جایم حرکت کنم و صدایی در گوش می گفت صبر کن تا این نان ها برود و اینکه من در این روز و در این ساعت تا شب بمانم سابقه نداشت و همیشه نان را به اندازه ای پخت می کردیم که تا عصر به اتمام رسد . سپس به سمت رفته مغازه ای رفتیم که در حال بستن آن بود . او هم همه چیز

داشت و دقیق به اندازه ی صد نفر شام زوار تأمین شد .

آن شب بی بی (سلام الله علیها) پذیرایی خوبی از میهمانان خود که از فعالان فاطمیه بودند کردند و همه حس کردند آن پذیرایی درجه یک بود .

۳ - کرامت زبیده خاتون (سلام الله علیها) در برکت غذا

در یکی از نوبت ها با کاروانی که حدود ۳۵۰ نفر بودند به حرم مطهر بی بی زبیده خاتون (علیه السلام) ، دختر با عظمت حضرت جواد الائمه (علیه السلام) رفتیم .

به همراهانم گفتم امروز مقدار بیشتری غذا درست کنید که اگر زائران دیگری هم بودند از آنان پذیرایی کنیم .

با اینکه وسط هفته بود دیدیم چندین هیئت به زیارت حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) آمدند و جمعیت فوق العاده بود . نگران شدم که چطور از همه ی زائران پذیرایی کنیم و ممکن است به همه غذا نرسد .

تدارک ما برای غذا برای ۳۰۰ نفر بوده و وقتی غذا را کشیدند ظرف دون شمار، بالای ۷۰۰ نفر غذای پُر خورده شد ، این در حالی بود که برای ۳۵۰ نفر تدارک دیده شد ، بدون اینکه غذا را کم بکشند .

با هر آشپزی که ما صحبت کردیم که همچنین مقدار کیلو برنج و مقدار غذای این جمعیت بالای ۷۵۰ نفر غذا خوردند تعجب کردند که ممکن نیست و متوجه عنایت ویژه ی ایشان شدیم .

سالی قرار بود جهت اقامه ی عزای فاطمیه با قافله ی عزا به قم بیاییم و در بیت الزهرا (سلام الله علیها)ی مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی (قدس سره) و ... برنامه ی عزاداری داشته باشیم و سپس مجدداً به اصفهان برگردیم و به سمت اقلید امام زمان (علیه السلام) برویم .

از یک طریق معنوی موظف شدم که در راه برگشت به زیارت حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) برویم .

قافله ی عزای فاطمیه که از اصفهان حرکت کرد در مکان های مختلفی توقف نمود و عزاداری های مفصلی انجام شد و برنامه ی ما تا ساعت ۱۲ شب به طول انجامید . در حال برگشت همه بدن ها خسته و رمق برای حرکت نداشت تا آنجا که وقتی سوار ماشین که شدند ، همه از شدت خستگی خوابیدند .

با آن حال نیمه های شب به بارگاه نورانی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) رسیدیم ، برخی اعتراض کردند که دیگر نایی در نوا نمانده است .

...

خلاصه جمعیت پیاده شدند و با پای برهنه به سمت حرم مطهر حرکت کردند .

عجیب است وقتی عزاداران وارد صحن و سرای بی بی شدند چنان شور و حالی به آنان دست داد که خودشان باور نمی کردند که با آن جسم خسته ی از ساعتها عزای فاطمیه بتوانند چنین حالات معنوی در حرم داشته باشند و با شور و حال

غیر قابل وصفی برای غربت مادر مظلومه ی شیعه در کنار ضریح مطهر دختر مظلومه ی امام جواد (علیه السلام) عزاداری کنند .

بقول فؤاد کرمانی : . . . سوختگان غمت با غم دل خرمند!

همه ی منتقدین خسته ی قبل از زیارت گفتند : عجیب بود برای که چنین شور و حالی پیدا شد ، و حال ملتفت شدیم که قرار بود فیضی به ما داده شود که به حرم نورانی یادگار حضرت جواد (علیه السلام) آمدیم .

اتوبوسی که از سقوط نجات یافت!

حجت الاسلام والمسلمین مهدی زاده نقل می کرد : روزی من با یکی از خدام حرم مطهر روی صندلی نشسته بودیم و به بیرون حرم مطهر نگاه می کردیم .

یک اتوبوس از خمینی شهر اصفهان ، (تعاونی یک و قرمز رنگ) در نزدیکی زیر پله های صحن حرم ایستاده بود . اتوبوس در مسیر سراسیمه پارک شده بود و زائرانی که زیارتشان به پایان رسیده بود ، قبل از آنکه ماشین روشن شود، سوار اتوبوس شدند و وقتی همه نشستند ماشین سنگینی کرد و از آنجایی که زمین شیبی دار بود به سمت درّه حرکت کرد .

وقتی ماشین به حرکت افتاد تنها صدای شیون وحشتناک مسافران به گوش می رسید که در این بین فریاد یا زبیده خاتون شنیده می شد . ماشین نصفش به سمت دره رفته بود و زن ها شیون کنان جیغ کشیدند .

نصف ماشین در جاده ، نصف دیگر آن روی هوا و به سمت دره بود و به عنایت بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) مشاهده کردیم که در یک لحظه ماشین میخ کوب شد و این در حالی بود که اتوبوس هفت متر بیرون بود و سه متر در دره .

مسافران تا متوجه ی عنایت بی بی که حضرت ماشین را نگه داشتند از اتوبوس به بیرون می پرند و خود را نجات می دهند .

هیچ یک از مسافران آن ماشین تا غروب از ترس قادر به تکلم نبودند چون مرگ را به چشم دیده بودند . و این از کرامات شگفت انگیز دختر بلافضل امام جواد (علیه السلام) است که همگان به چشم خود دیدند .

دختری که به درّه سقوط کرد!

دختری اهل منطقه ی حسین آباد آقا علی عباس (علیه السلام) که به همراه مادرش به زیارت حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) آمده بود ، در حال بازی در صحن و سرای حضرت بود که با سرعت به سمتی می دوید که ناخود آگاه متوجه ی درّه ای شد که دیگر قادر به کنترل سرعت خود نبود و به دره سقوط کرد! .

وقتی خانواده اش با پریشانی و شیون سراغش رفتند به چشم خود دیدند حتی یک قطره خون از بینی دخترشان جاری نشد و روح مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) بچه را حفظ کرد . دختر تا نیم ساعت از ترس بیهوش بود و بعد به هوش آمد و فردای آن روز مادرش نذرش را ادا کرد .

بچه ای که بین زمین و هوا ایستاد!

دختر ۶ساله ای فرزند آقای شعبانی اهل خاوه ی اردهال دلیجان که با خانواده اش به زیارت قبر مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) آمده بود ، در حالی که مشغول بازی بود از سالن حضرت زینب (سلام الله علیها) به درّه ی مجاور سقوط می کند .

مادرش وقتی این صحنه را می بیند شیون کنان فریاد می زند : یا بی بی زبیده ! بچه ام افتاد! خودت نجاتش بده! وقتی مادر نزدیک می آید می بیند بچه اش بین زمین و هوا ایستاده و به آرامی روی زمین ایستاد! ولی بچه تا یکسال از ترس می لرزید .

حجت الاسلام مهدی زاده نقل می کرد که روزی این مطلب را برای مردم می گفتم . شخصی از اهالی گلپایگان می گفت در ذهنم این کرامت را به تمسخر گرفتم که ممکن نیست بر خلاف نیروی جاذبه کسی بین زمین و هوا متوقف شود . این شخص نیم ساعت بعد وقتی از حرم خارج می شود کنار درخت چنار نزدیکی حرم ، یک لحظه خدا قدرت را از او می گیرد و تعادلش از دست می رود و نزدیک بود به روی سنگهای سیاه اطراف صحن بخورد که پسرش متوجه می شود و او را می گیرد . بعد از دقایقی برای پسرش نقل و اقرار می کند که من چوب مسخره کردن یکی از کرامات زبیده خاتون (سلام الله علیها) را خوردم و حال آن پیرمرد از دلدادگان دیرینه ی کوی بی بی زبیده شده است .

رفع مشکل دیرینه ی خانوادگی به عنایت بی بی (سلام الله علیها)!

رئیس کاروانی نقل می کرد به شخصی به نام عبدالله که از اعتقادات سالمی برخوردار نبود گفتم : عبدالله بیا برویم به زیارت بی بی زبیده!

با بی ادبی گفت : بی بی زبیده کیه؟ گفتم بی بی زبیده دختر امام جواد (علیه السلام) است.

گفت : عبدالله خودت خوب می دانی من دنبال این مسائل نیستم! .

به او گفتم به زور هم شده تو را به حرم بی بی زبیده می برم!

لبخندی زد و گفت اگر به زوره همراهت می آیم! .

رئیس کاراون در ادامه می گفت : وقتی عبدالله وارد حرم شد و نزدیک پله های نزدیک ضریح حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) شد یک دفعه دیدیم تمام وجودش منقلب شد و اشک از چشمانش مانند نهر آبی جاری و با حضرت صحبت می کند .

می گفت : به بی بی گفتم شنیدم خیلی پیش خدا مقررئی! . من پیش پدر بزرگتان امام رضا هم میرفتم اینقدر گریه نمی کردم! اگر واقعاً شما پیش خدا آبرو دارید ، داماد من دوسال است که دختر من را برده و هنوز دو دقیقه اجازه نداده دخترم را پیش ما بیاورد و او را برای لحظه ای ببینیم بی بی جان! خودت دلش را خوب کن که با ما صلح کند .

وقتی عبدالله از پله پایین آمد دیدم خیلی خوشحال هست ولی چشمانش از اشک کاسه ی خون شده!

به او گفت چه شده عبدالله تو که نمی خواستی بیای! می بینم گریه ها کردی!

عبدالله گفت : وقتی آمدم در حرم بی بی همچی از حضرت گرفتم !

گفتم مگر چه شده!؟

گفت هنوز صحبت هایم با حضرت تمام نشده بود که دخترم زنگ زد و گفت : شوهرم گفته بابا و خانواده ات را دعوت کنی شام بیاند منزل ما و صلح کرد و هفته بعد عبدالله و داماد و دختر و خانواده اش همگی آمدند به پابوسی حرم مطهر بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) و سال هاست مرید این بانوی با کرامت هستند .

برکت بی نظیر غذای تبرکی حضرت زبیده خاتون

در شب تولد امام جواد (علیه السلام) هیئتی را که همه از مداحان اهل بیت (علیهم السلام) از دلجان و حومه بود را با خانواده ی شان دعوت کردیم که شب ولادت حضرت در حرم مطهر مدیحه سرایی کنند و میهمان سفره ی با کرامت حضرت زبیده خاتون شوند .

به آنها گفتیم تعدادتان چند نفر هست که افتخار میزبانی تان را داشته باشیم ، گفتند با خانواده حدود ۷۵ نفر می باشیم .

عصر آنروزی که شبش تولد امام جواد (علیه السلام) بود ، وقتی وارد حرم بی بی شدم

دیدیم جمعیت باشکوهی در حرم هستند که بخاطر تولد جوادالائمه (علیه السلام) به گرد حریم دختر با عظمتش جمع شدند .

شاهدان عینی هستند ، ما آنروز برای ۲۵۰ نفر غذا درست کردیم ولی حدود ۷۰۰ غذای سر پر به زائران حرم دادیم و همه می گفتند در طول عمر خود چنین غذای معطری نخوردیم دادیم .

ص: ۱۲۷

خانه دار شدن جوان بیکار

جوان خانه داری که به دلیل بیکاری خانه نشین شده بود پس از شنیدن کرامات عظیمه بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها)، متوسل به آن حضرت می شود اما بنا به دلایلی حاجت جوان برآورده نمی شود تا اینکه جوان ناامید شکایتش را به درگاه امام رضا (علیه السلام) می برد و امام شب در عالم خواب به این جوان می گوید: جواد الائمه عزیز دل من است و عزیزه ی جوادم زبیده است و در همین جا بود که حاجتش روا می شود.

دستور بی بی زبیده و عنایت امام زمان (علیهما السلام) در ساخت حرم مطهر

حجت الاسلام والمسلمین مهدی زاده از احیایگران حرم مطهر زبیده خاتون (سلام الله علیها) نقل می نمودند: جریان احیای بارگاه نورانی حضرت از این قرار بود که شبی در بحبوحه ی جسارت به قبر مطهر، از طرف دختر باعظمت حضرت جواد الائمه (علیهما السلام) ملهم شدیم که باید اینجا را بسازیم!

حرم مطهر، یک تک اتاق گلین با یک در بوده و احیا و بازسازی آن بسیار مشکل و طاقت فرسا بود.

این موضوع را با برخی مطرح کردم و بسیاری به این سخن ایراد گرفتند که ممکن نیست این امامزاده احیا شود و هزینه ی بسیاری می برد.

به آنها گفتم: به قلبم الهام شده که حضرت مهدی (علیه السلام) عنایت خواهند کرد که بارگاه دختر بلافضل حضرت جواد (علیه السلام) را باشکوه بسازیم.

دو ماه از تصمیم ما گذشت و چون ساخت حرم نیاز به مقدماتی داشت و در آن برهه برخی نیازهای ساختمانی برای ما فراهم نبود و عملاً نتوانستیم کاری انجام دهیم .

پس از دو ماه بی بی زبیده خاتون (سلام الله علیها) در عالم رؤیا به طلبه ای از دلباختگان اهل بیت (علیهم السلام) به نام مرحوم سید ابوالفضل بابایی نراقی e فرمودند : بروید به شیخ بگویید ما به شما دستور دادیم حرم را بسازید ، چرا انجام ندادید؟! ما خودمان کمکتان می کنیم! .

با دست خالی کار را شروع کردیم و تمامی مصالح و حتی اجرت کارگران را نسیه حساب می کردیم تا اینکه ۱۸ روز گذشت .

روزی شخص ناشناسی که ساکن تهران بود نزد ما آمد و پرسید چه می کنید؟

گفتم بنا داریم حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) را بسازیم .

گفت خدا را شکر! من بارها دعا می کردم کسی پیدا شود و این مکان مقدس را بسازد .

پرسید : پول چقدر دارید؟ گفتم هیچ!

متعجب شد! ، گفت : واقعا؟ گفتم : بلی!

کمی به فکر فرو رفت و در اطراف امامزاده قدم زد و در همانجا مبلغ ۵۰۰ هزار تومان داد و گفت بروید سیمان بخرید و قرض های ساخت امامزاده را بدهید .

با آن مبلغ در آن زمان که مبلغ زیادی بود سیمان تهیه کردیم و تمامی قرض های ۱۸ روزه ی خود را تسویه نمودیم .

روزی دیگر آن جوان نزد من آمد و گفت دلم شور افتاده که گنبد را زودتر بزیند و هر چه بخواهید من می دهم .

اتفاق گلی را کاملاً خراب کردیم و دور قبر و بارگاه را بزرگ و به سبک قدیمی ساختم و کار پیش رفت و آن شخص هر چه پول برای ساخت حرم مطهر نیاز بود تأمین می کرد .

کار تا آنجا پیش رفت که گنبد و گلدسته و سالن یک و دو با هزینه ی همان جوان ساخته شد و ضریح مطلای آن را که در کارگاه آقای روزگاریان در اصفهان ساخته شد را با سلام و صلوات مردم با شکوه خاصی نصب کردیم و حال ، حرم به این شکل که مشاهده می کنید تا حدی آماده شده و پذیرای ارادتمندان دختر

با جلالت حضرت جوادالائمه (علیه السلام) است .

به یاد دارم تمام این سنگ ها را با جوانان نراق از بیابان ها جمع آوری کردیم و به صحن و سرای حرم آوردیم ، و در شگفتم که هیچگاه خسته نمی شدیم .

در ساخت این حرم نورانی ، مکرر بر ما ملهم و عیان گشته است که امام

زمان (علیه السلام) به شدت به عمه ی والامقامشان حضرت فاطمه بنت الجواد (علیهما السلام) (زییده خاتون (سلام الله علیها)) علاقمند هستند و به عنایت آن حضرت بود که در سال ۱۳۶۷ شمسی ، وقتی هیچ پولی برای احیای قبر مطهر آن بی بی مظلومه

نداشتیم، آن جوان ارزشمند به نام آقای یارعلی قاسمی نراقی بدون هیچ درخواستی از وی مبلغ ۱۲۰ میلیون برای ساخت حرم مطهر بانوی خیر شدند و تمام هم خود را برای تأمین ساخت بارگاه ملکوتی حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) گذاشته است که این حرم تا به این شکوه و جلال رسید.

اعتقاد قلبی ما این است که این حرم مطهر با اراده و عنایت ویژه‌ی امام زمان ارواحنا فداه ساخته و رونق گرفته است و امیدواریم روزی این مکان مقدس به پایگاه یاران مخلص صاحب الزمان (علیه السلام) تبدیل گردد.

جا دارد در اینجا یادی کنیم از دو خادم قدیمی و مخلص این بارگاه نورانی، یکی حاج ابراهیم فروغی که ۵۰ سال و دیگری بانو زهرا حیدری که ۱۰ سال خادم و خادمه‌ی این بارگاه نورانی بودند. «روحشان شاد».

ص: ۱۳۱

بررسی هجرت امامزادگان به سرزمین ایران

هر یک از امامزادگان جلیل القدر در جای جای این کره ی خاکی ، ستارگان درخشانی هستند که با قدوم مبارک خود به آن سرزمین ، دانش نبوی ، صولت حیدری ، عصمت فاطمی را به عنوان تحفه ای گران بها به همراه آوردند و ضمن رسانیدن پیام مظلومیت و مهجوریت قرآن و عترت با به ودیعه گزاردن ذراری خویش پیدایش شاخه هایی از شجره طیبه کوثر رسول اکرم **a** و زهرای بتول (سلام الله علیها) را سبب شدند

هجرت سادات به ایران ، آثار و برکات متعددی را به بار آورده است که با ورودشان به این دیار ، مردم به آنان گرایش پیدا کرده و در زمانی اندک ، جمع کثیری از مردم به آنان پیوستند .

مهاجرت در کتب آسمانی

مهاجرت از جمله موضوعات کلیدی است که در زندگی بشر اثرگذار بوده و نقش اساسی در این راستا ایفا کرده است .

اگر به تاریخ تحولات بشری توجه گردد این مطلب بدست می آید که مهاجرت از دیر باز جایگاه مهمی در این تحولات داشته و آن در ادوار تاریخ همواره حرکت آفرین بوده است .

از جمله موارد مهمی که باعث مهاجرت های تاریخی و مهم گردیده است ، حرکت های سازمان یافته انسان هایی است که به خاطر مقابله با زور گویان و

ستمگران دست به کوچ آگاهانه زده اند . کسانی که برای حفظ عقاید خویش و برای پایبندی به دین خود این راه پر مشقت ولی موثر را انتخاب کرده اند .

حرکتی که در تمام کتب آسمانی به آن اشاره شده است . اگر علاوه برقرآن ، در تورات(۱)

و انجیل(۲)

نیز تفحص کنیم ، به مهاجرت های مختلفی برخورد خواهیم کرد که انبیاء بزرگ برای آزادی فکر و عقیده خود از دست حاکمان زمانه ، روی به مهاجرت های دسته جمعی و یا در گروه های کوچک آوردند ، همان طور که در کتاب یوحنا یکی از علل این مهاجرت ها چنین بیان گردیده: اما بعد از دو روز از آنجا بیرون آمده بسوی جلیل روانه شد . زیرا خود عیسی شهادت داد که هیچ نبی را در وطن خود حرمت نیست . پس چون به جلیل آمد ، جلیلیان او را پذیرفتند . (۳)

مردان بزرگ الهی ، هجرت را به عنوان یک برنامه عملی و منسجم و به نوعی آن را یک استراتژی مهم برای اصلاح جامعه قرار دادند .

اما بی شک در زندگی انسان ها و بالخصوص مسلمانان ، مهاجرتی مهمتر و ارزشمند تر از هجرت رسول اکرم a به همراه عده ای از مسلمین از مکه به مدینه وجود ندارد ، هجرتی که از آن به عنوان مبدأ تاریخ ذکر شده و موجب

ص: ۱۳۴

۱- خروج ۱۴ : ۱۵ و اعداد ۳۳ در اینجا از کوچ های مختلفی سخن به میان آمده است .

۲- لوقا ۱۰ : ۱-۱۲ و اعمال رسولان ۲۱ : ۱-۴

۳- یوحنا ۴ : ۴۳-۴۵

در یک نگاه می توان به این نتیجه رسید که مهاجرت ، اصلی مهم در ایجاد خدا محوری (دیندار شدن مردم) ، پیشرفت علوم ، تعاملات فرهنگی ، امنیت ، شکل گیری نظامی محکم ، جامعه ای مدرن و ... است .

بر مبنای آن چه ذکر شد ، با روی کار آمدن و قوت گرفتن بنی امیه ، علویان و سادات منسوب به نبی مکرم اسلام **a** بر مبنای خط مشی کتاب الهی و سنن نبوی و به دلیل مخالفت با طواغیت زمانه خویش ، هر جا که فرصت برای قیام بود ، قیام می کردند و حتی خلفا نیز از این امر بیمناک بودند ؛ (۲) و هر زمان که محیط را مناسب برای ادامه فعالیت آزادی بخش نمی دیدند ، هجرت و مهاجرت را برای رسیدن به اهداف مقدس مشخص شده خویش انتخاب می کردند (۳) و از این طریق ، ارزش هجرت را براساس آن چه در آیات و روایات بیان شده ، عیان می ساختند .

ص : ۱۳۵

۱- . مسعودی ، علی بن حسین ، التنبیه و الاشراف ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، تهران ، علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۵ش ، ص ۲۶۷ ؛ البته در تاریخ طبری آمده است : « اگر چه مبدأ تاریخ مسلمانان از هجرت بود ، اما محرم را آغاز تاریخ کردند که دو ماه و دوازده روز زودتر از وصول پیامبر به مدینه بود . و وقت رسیدن وی مبدأ تاریخ نشد ، بلکه از اول سال آغاز کردند . » (طبری ، تاریخ طبری ، ترجمه پاینده ، ج ۳ ، ص ۹۲۶)

۲- . ابن اثیر ، علی بن ابی الکرم ، الکامل فی التاریخ ، بیروت ، دارصادر- دار بیروت ، ۱۳۸۵ه ، ج ۷ ، ص ۵۵-۵۶

۳- . ابن خلدون ، العبر ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، تهران ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، ۱۳۶۳ش ، ج ۲ ، ص ۲۶۷

مهاجرت های سادات علوی به ایران از جمله مهاجرت هایی بود که باعث ایجاد روحیه علوی دوستی و تحکیم و ترویج تشیع در این منطقه شد ، اگر این سادات عظام به این مناطق نمی آمدند شاید قرن ها طول می کشید تا این فرهنگ علوی و شیعی در ایران تجلی پیدا کند . بی شک ظهور تشیع در ایران ، خصوصا تشکیل حکومت های شیعی در ایران ، مدیون مهاجرت سادات بزرگوار به ایران است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد .

ورود سادات به ایران

ایرانیان پس از آن که اسلام را پذیرفتند با دقت در آموزه های آن ، در صدد یافتن اسلامی ناب برآمدند و این اسلام ناب که در کلام و سیره ی امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) متبلور بود با ورود سادات در دسترس ایرانیان قرار گرفت . سادات عظام ، مردم را به سوی زندگی علوی سوق دادند ، لذا مسئله نحوه ورود سادات به ایران از جمله مسائل مهمی است که در رویارویی مردم و ایجاد ارتباط با آن ها حائز اهمیت است و از آن جایی که هر برنامه فکری یا عملی و هر کار بنیادینی نیاز به طرح قبلی داشته و لازمه آن پیش بینی تمام جوانب آن است ، بنابراین علاوه بر اهداف ، شکل انجام یک عمل و رسیدن به آن اهداف و نتایج نیز ، اهمیت خاص خود را دارد و شیوه های خاص خود را می طلبد .

برای انجام هر عمل و رسیدن به مقصود، شکل انجام آن نیز مهم است، پس در بحث مهاجرت سادات بیان شیوه های مهاجرت تأثیر بسزایی در رسیدن به هدف یعنی آشنایی مردم با سادات و اثرپذیری از آن ها دارد. می توان شیوه مهاجرت را به دو صورت دسته جمعی و سازمان یافته و همچنین به شکل انفرادی و پراکنده ترسیم نمود.

مهاجرت های گروهی

مهاجرت های مختلفی به صورت دسته جمعی در قرن دوم اتفاق افتاد، اما منظور از مهاجرت های گروهی در این بحث، مهاجرت های نظام مند و سازمان یافته است. لذا مهمترین مهاجرت های گروهی در این زمان، در اواخر قرن دوم هجری و با روی کار آمدن مأمون عباسی و اجرای شیوه متفاوت خلافت او با سایر خلفاء عباسی خوش رویی با علویان و جذب آنان و هم چنین دادن ولایت عهدی به امام رضا (علیه السلام) اتفاق افتاد. (۱)

زمانی که مأمون حکومت را به دست آورد، دارای مقبولیت سیاسی بود اما از مشروعیت برخوردار نبود، لذا برای کسب آن دستور داد امام رضا (علیه السلام) را به مرو بیاورند، سفری که کاملاً اجباری بود و امام به خلاف میل باطنی خود به این سفر تن داد. (۲)

در عیون اخبار الرضا (علیه السلام) نقل شده، زمانی که حضرت آماده حرکت به خراسان

ص: ۱۳۷

۱- ابن العمرانی، محمد بن علی، الانباء، قاهره، دارالآفاق العربیه، ۱۴۲۱ه، ص ۹۸

۲- اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، بیروت، دارالمعرفه، ص ۴۵۴-۴۵۵

شدند وارد مسجد النبی شده و با صدای بلند گریه کردند و فرمودند: همانا از جوار جدم خارج می شوم در حالی که می دانم در بلاد غربت به شهادت خواهم رسید. (۱)

امام رضا (علیه السلام) بارها به کنایه در مجالس مختلف، از اجباری بودن سفرشان سخن گفتند و با بینشی بالا و رفتاری مناسب و تدبیری دقیق، پشت پرده این ماجرا را برای اطرافیان و مردم مشخص کردند. اتفاق مهمی که رخ داد عزیمت سادات علویه از اطراف شام، حجاز، عراق، یمن و مدینه و هر جا که بودند به سوی خراسان بود تا به امام رضا پیوندند. (۲)

حضرت سلطان علی بن محمد باقر (علیه السلام)

علی بن محمد باقر، فرزند بلا فصل محمد باقر پنجمین امام شیعیان است. در منابع غالباً از او با عنوان سلطان علی یاد می شود. براساس برخی از گزارش های تاریخی او بنا به درخواست دوستداران اهل بیت از اهالی چهل حصاران و فین کاشان در سال ۱۱۳ ه. جری قمری به این منطقه هجرت نمود و مدت سه سال به امر تبلیغ و ارشاد مردم همت گماشت. علی بن محمد سرانجام در سال ۱۱۶ هجری قمری به همراه تعدادی از اهالی منطقه توسط نیروهای حکومتی در دربند ازناوه کشته شد. پیکر او در امامزاده مشهد اردهال

ص: ۱۳۸

۱- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه، عیون اخبار الرضا ج ۲، (بیروت: انتشارات مؤسسه الاعلی للمطبوعات، سال

۱۴۰۴ه) ص ۲۳۴، ح ۲۶

۲- آملی، اولیا الله، تاریخ رویان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، سال ۱۳۴۸ش، ص ۸۱

(در مشهد اردهال) به خاک سپرده شد . مراسم قالی شویان هر سال در دومین جمعه مهرماه به یاد شهادت علی بن محمد با شور و غوغای وصف ناپذیر ، همراه با عزاداری و نوحه خوانی در مشهد اردهال برگزار می شود .

کاروان علویان به رهبری احمد بن موسی (علیه السلام) (شاهچراغ)

سلطان الواعظین شیرازی در کتابش در مورد این هجرت می گوید : در آخر قرن دوم هجری که مأمون ، حضرت امام رضا (علیه السلام) را جبراً ولیعهد خود نمود و به طوس برد ، بعد از مدتی برادران امام ، به شوق زیارت ایشان به سمت خراسان عزم سفر کردند . در این سفر ، جناب سید امیر احمد عابد و جناب سید علاءالدین حسین ، برادران معظم و جمع کثیری از برادرزادگان و بنی اعمام و اقارب و دوستان حضور داشتند . طریق مسافرت به طوس در آن زمان غالباً از راه کویت ، بصره ، اهواز ، بوشهر و شیراز بوده است . (۱)

در این مسیر نیز عاشقان زیادی به این کاروان پیوستند و جمعیتی بالغ بر پانزده هزار نفر از زن و مرد را به وجود آوردند . خبر به مأمون رسید و او دستور صادر نمود که تمامی حکام بلاد در هر جا که قافله بنی هاشم و علویان را دیدند ، مانع از ادامه حرکت ایشان شده و آنها را به مدینه بازگردانند ، البته در بعضی کتب این طور آمده که در هر جا آن ابوتراب (احمد بن موسی (علیه السلام)) را یافتید

ص: ۱۳۹

۱- شیرازی ، سلطان الواعظین ، شبهای پیشاور ، ج ۱ ، (قم ، انتشارات دلیل ما ، سال ۸۵ ، ص ۱۸۴ تا ۱۹۵

به قتل برسانید. (۱)

قتلغ خان (حاکم شیراز) با چهل هزار سرباز در «خان زنیان» در هشت فرسخی شیراز اردو زدند و با رسیدن قافله علویان، دستور مأمون را به گوش سران علویان رساندند اما آن‌ها حاضر به بازگشت نشدند. سرانجام همین که صبح روز بعد کوس رحیل نواخته شد، لشکر حاکم فارس، راه را بست و عاقبت کار از حرف به حرب کشید و جنگ خونین آغاز شد و وقتی سپاهیان حاکم شیراز دیدند در مقابل علویان ناتوان هستند دست به نیرنگ و حيله زدند و علویان را وارد شهر کردند و کارشان را یک سره نمودند و همگی را در مواضع مختلف به قتل رساندند. (۲) مسلماً اگر غرض از این هجرت، صرف دیدار امام بود، معقول نمی‌آمد که ایشان کار را به جنگ بکشانند؛ در واقع این هجرت به منظور قیام بر علیه خلیفه بوده است. قیامی که انگیزه آن آگاه شدن احمد بن موسی (علیه السلام) از توطئه قتل امام و یاری وی، در دفع توطئه مأمون ذکر شده است (۳).

و این نشان از هدف و مقصد بزرگی بود که همواره اهل بیت (علیهم السلام) دنبال می‌کردند و

ص: ۱۴۰

۱- فرصت الدوله، آثار العجم، ص ۴۴۵ - محمد هاشم، منتخب التواریخ، ص ۶۸۰ - کنز الانساب، ص ۹۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۶ با تفاوت‌هایی آوردند.

۲- شاملی، محمد جعفر، هدیه احمدیه، ص ۱۶؛ شبهای پیشاور، پیشین، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ شوشتری، میرعبداللطیف خان، تحفه العالم و ذیل التحفه، به اهتمام صمد موحد، تهران، طهوری، ۱۳۶۳ش، ص ۲۸

۳- عرفان منش، جلیل، چلچراغ شیراز، تحلیلی از قیام احمد بن موسی و برادران امام رضا(ع)، (مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی) ص ۶۱

هر زمان که این امکان به هر شکلی پیش می آمد، این بزرگواران مهاجر، لحظه ای را از کف نمی دادند.

با تاریخ شدن هوا و پایان این جنگ خونین، عده ای از سران اصلی علوی به صلاح دید سید احمد بن موسی (علیه السلام) به اطراف و اکناف پراکنده شدند. به همین ترتیب، عده ای به سمت مناطق مرکزی و سپس شمال ایران رفته و مخفیانه ادامه حیات دادند. جناب سید احمد بن موسی (علیه السلام) با برادران خویش، یعنی محمد بن موسی (علیه السلام) معروف به عابد و حسین بن موسی (علیه السلام) معروف به علاءالدین حسین، مخفیانه وارد محله ای در شیراز شده و زندگی مخفیانه ای را آغاز نمودند. (۱) دشمن به سختی در جستجوی آن ها بود و سرانجام محل اختفای او و یارانش را یافتند و آنان را به شهادت رساندند (۲).

که امروزه محل زیارت عاشقان اهل بیت می باشد. (۳)

جایگاه احمد بن موسی به قدری بالا بود که برخی قائل به امامت وی بودند. (۴)

ص: ۱۴۱

-
- ۱- شبهای پیشاور، پیشین، ص ۱۸۹ - گیلانی، بحر العلوم، انوار پراکنده نسابه، ج ۱، ص ۱۰۴
 - ۲- حسینی فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری- مؤسسه انتشارات امیر کبیر، سال ۶۷ش، محل شهادت او را در محله «بازار مرغ» ذکر می کند. کنز الانساب، ابومخنف بن لوط بن یحیی، چاپ بمبئی، ۱۳۰۲، محل شهادت او را در محله «سوق الغازان» که به بازار ریسمان نیز شهرت داشت، می دانند. در فارسنامه ناصری ص ۵۴ برخی از تذکره ها توصیف افسانه مانند از شهادت احمد بن موسی ارائه کرده اند.
 - ۳- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، رحله ابن بطوطه، الرباط، اکادیمیه المملکه المغربیه، ۱۴۱۷ه، ج ۲، ص ۴۷
 - ۴- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴ه، ص ۸۵

هجرت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و همراهانش

نمونه دیگری از این مهاجرت ها که تقریباً زمانی مصادف با هجرت جمعی از سادات به رهبری احمد بن موسی (علیه السلام) داشته و هنوز هم دلیل اصلی جدایی این هجرت ها معلوم نشده است، [\(۱\)](#)

مهاجرت حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، دختر امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و خواهر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ملقب به فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به ایران است. که آثار شگرفی در سیر حوادث ایران بر جای گذاشته است. با تحلیل حوادث سال ۱۹۹ تا ۲۰۲ هجری و با سفر امام رضا (علیه السلام) به مرو فهمیده می شود که مأمون با شیوه های مختلف، گروه های طالبیان و علویان را تحت کنترل خود درآورد. آن ها که همکاری می کردند، در امان بودند و مخالفین کشته می شدند بر این مبنای سال های ۱۹۹ تا ۲۰۲ هجری را میشود سال های قتل عام فرزندان موسی بن جعفر (علیه السلام) دانست. [\(۲\)](#) حضرت معصومه (سلام الله علیها) در این اوضاع مجبور به هجرت شدند اما عوامل مهم هجرت ایشان به جهت اشتیاق ملاقات با برادرش امام رضا (علیه السلام) بود که به همراه جمعی از سادات از مدینه راهی خراسان شد. [\(۳\)](#)

ص: ۱۴۲

۱- شاید بتوان دلیل این جدایی را علت هجرت احمد بن موسی دانست که علاوه بر دیدار با امام رضا (ع) قصد قیام داشتند لذا به سبب احتمال جنگ، حضرت معصومه (سلام الله علیها)) در این سفر شرکت نداشتند.

۲- مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر بن احمد (نوشته در ۷۳۰)، تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوایی، (تهران: انتشارات امیر کبیر، چ سوم، ۱۳۶۴ش) ص ۲۰۴ و ۲۰۵

۳- قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۵۸۱، به تحقیق ناصر باقری بیدهندی، (قم: انتشارات دلیل، چاپ اول سال ۷۹)

به سبب درگیری که بین این کاروان با افراد ناشناس افتاد به دستور حضرت ، به قم وارد شدند و این به موجب همان عنایتی بود که علویان به این شهر داشتند. (۱)

علامه سید جعفر مرتضی عاملی حفظه الله عالم مورخ نامی شیعه می نویسد : « فیقال إنها هی الاخری قد دس إليها السم فی ساوه ؛ ولهذا لم تلبث إلا أياماً قليلة واستشهدت » . (۲)

گفته شده در ساوه دسیسه کردند و به حضرت معصومه (سلام الله علیها) سم دادند؛ به خاطر همین حضرت جز مدت اندکی زنده نماند و شهید شد .

اقامت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در قم به علت فقط ۱۷ روز ادامه یافت و ایشان پس از آن بر اثر همان سم به شهادت رسیدند . از برکت وجود ایشان ، حوزه های علمیه حدیثی و فقهی در قم دائر شده که امروزه نقش منحصر به فردی در گسترش فرهنگ شیعی و اسلامی دارد .

* مهاجرت حضرت موسی مبرقع (علیه السلام) و همراهانش

حضرت موسی مبرقع (علیه السلام) فرزند بلافضل امام جواد (علیه السلام) ، به همراه سایر علویان ابتدا در کاشان ، نزدیک قم اقامت نمودند و پس از مدتی ، عده ای از سرشناسان اشعری و اهل قم به آنجا رفته و با عزت تمام وی و همراهانشان را به

ص: ۱۴۳

۱- . قمی ، حسن بن محمد ، تاریخ قم ، ترجمه حسن بن علی قمی ، تحقیق سید جلال الدین تهرانی تهران : انتشارات توس ، سال ۱۳۶۱ش

۲- . الحیاه السیاسیه للإمام الرضا (علیه السلام) ، تألیف سید جعفر مرتضی عاملی ، صفحه ۵۴۸

شهر قم وارد کردند و حتی عمارت بزرگی برای قافله وی خریدند و عواید چند روستا، لباس های فاخر و مرکب های جوان را نیز برای ایشان جهت تبلیغ شعائر الهی وقف نمودند(۱).

و به فرزندان وی رضویون لقب می دادند. (۲) آن حضرت از جهت علمی در درجه ای بود که جماعتی از بزرگان علمای شیعه از او روایت نقل کرده(۳).

و از نظر دیانت و کیاست و عقل و درایت در مرتبه ای بوده که امام جواد (علیه السلام) او را متولی موقوفات و صدقات کرده است، به همین سبب زمانی که وارد قم شد بزرگان عرب خیال می کردند حضور آن حضرت به ریاست آن ها لطمه وارد می کند لذا او را از شهر خارج کردند اما بعد از مدتی به اشتباه خود پی بردند و ایشان را به قم بازگرداندند و از ایشان بهره مند گشتند. (۴)

سید موسی بن محمد مبرقع در شب چهارشنبه ۲۸ ربیع الاول سال ۲۹۶ هجری در

سن ۸۲ سالگی در قم وفات نمود و عباس بن عمرو غنوی امیر قم بر او نماز خواند. (۵)

همچنین مهاجرت های انفرادی نیز برخی از امامزادگان همچون یحیی بن زید، یحیی بن عبدالله حسنی، عبدالعظیم حسنی و ... داشتند که در این نوشتار مجالی به بررسی آن نیست.

ص: ۱۴۴

-
- ۱- . مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ه، ج ۵۰، ص ۱۶۰؛ قمی، تاریخ قم، پیشین، ص ۲۱۵
 - ۲- . مجلسی، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ه، ج ۶، ص ۱۲۷
 - ۳- . شیخ مفید، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ه، ص ۹۱
 - ۴- . مرتضی، السید علی الکاش، اضواء علی حیاة موسی مبرقع و ذریته (نجف الاشرف: مطبعه الاداب) ص ۹۵
 - ۵- . قمی، تاریخ قم، ص ۲۱۶؛ اوموی، میرجلال الدین محدث، تعلیقات نقض، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش، ج ۲، ص

۱۳۷۲

علل مهاجرت سادات به ایران

هر زمان که هجرتی رخ می دهد انتخاب مقصد معنای خاصی دارد . تمام اهدافی که شخص مهاجر از کوچ خود انتظار دارد ، در مقصد به بار خواهد نشست . لذا انتخاب مقصد برای هجرت ، امری حیاتی است .

علل مهاجرت علویان به ایران را می توان در سه مقطع ، قبل و بعد از ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران و همین طور دوره حکومت علویان طبرستان مورد بررسی قرار داد . مطمئنا این سه برهه زمانی ، علاوه بر داشتن انگیزه های مشترک ، دارای دلایل مهم مستقلی هستند که باعث روی آوردن سادات به سرزمین ایران شده است که هر کدام از این سه مقطع زمانی ، مورد ارزیابی قرار می گیرد .

علل مهاجرت سادات پیش از ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران

با وقوع قیام های مختلف ضد بنی امیه و بالاخص قیام حجر و یارانش ، تشیع رنگ نهضت به خود گرفت . هدف از آن ، بازگرداندن حکومت اسلامی ناب محمدی بود ، اما این جنبش های آزادی خواهانه با مقاومت شدید حکومت جور زمان روبرو شد که با ایجاد فضای کاملاً آلوده و نبود موقعیت فرهنگی و جغرافیایی مناسب ، موجبات هجرت علویان را فراهم کرد . از ادله مهاجرت علویان به ایران پیش از ورود امام رضا (علیه السلام) می توان این موارد را برشمرد :

ص: ۱۴۵

وجود امنیت قابل ملاحظه در ایران

در آن زمان ، ایران از مرکز خلافت دور بود و به همین واسطه از فشار کارگزاران اموی و عباسی ، به طور نسبی ، در امان بود . ایران از جمله مناطق مهاجرپذیر در صدر اسلام بود همچون هجرت اشعریان به قم . (۱)

اعراب به راحتی ، خود را با شرایط جغرافیایی و فرهنگی ایرانیان وفق می دادند ، لذا برای انجام فعالیت و کار فرهنگی می توان ایران را بهترین مکان در آن زمان قلمداد کرد .

زمانی که یحیی بن زید قصد هجرت نمود ابتدا خواست به بین النهرین برود اما سلمه بن ثابت به او گفت که اگر می خواهی بین النهرین را محل نهضت خود قرار دهی خویست در همین جا برخیزیم و بجنگیم و کشته شویم ، بعد از آن یحیی به کربلا- و از آن جا به خراسان نقل مکان نمود . انتخاب ایران برای هجرت انفرادی یحیی بن زید نشان از امنیت نسبی ایران دارد که علویان را به سوی این سرزمین سوق داد .

تنوع آب و هوا و مناطق طبیعی مناسب در ایران

به علت تنوع آب و هوایی و وجود جنگل ها و مناطق حاصلخیز ، کسب درآمد برای ادامه حیات ، در این سرزمین آسان بود به عنوان مثال آب و هوای قم با طبع عربی سازگار بود ، لذا مهاجرت های عده زیادی به شهر قم بود .

ص: ۱۴۶

۱- . قمی ، تاریخ قم ، پیشین ، ص ۲۳؛ جعفریان ، رسول ، مقالات تاریخی ، دفتر اول (قم : انصاریان)ص ۲۷۶

رفاهی که شهرهای ایران ایجاد می کرد ، موجب روی آوردن اعراب به این مناطق بود و همین موضوع موجب جذب سادات نیز شده است . وجود این مناطق ، می توانست موجب این شود که سادات فراری از دست حکومت ، در بیرون از شهر و در منطقه ای دور از دست حاکمان جور زندگی کنند و رفاهی نسبی را برای خود فراهم آوردند .

محبوبیت سادات نزد ایرانیان

سادات در ایران نسبت به سایر بلاد اسلامی همواره از محبوبیت ویژه ای برخوردار بودند . این رویکرد به طور طبیعی موجب گرایش آنان برای عزیمت به سوی ایران می شد . ریشه این محبوبیت را می توان در عملکرد امام علی (علیه السلام) جست . امام علی (علیه السلام) چندین اقدام مهم انجام داد و ایرانیان را شیفته خود نمود . یکی این که بعد از پیروزی سپاهیان اسلام بر ایران ، به اسرای ایرانی کمک زیادی کرد و حتی خواستار قصاص قاتل هرمان شد . از سرداران و سایر اسرا حمایت نمود ، خانواده سلطنتی را از بین اسرا خارج کرد و شهربانو، دختر شاه ایران را به همسری فرزند خود امام حسین (علیه السلام) درآورد و نگذاشت اعتبار ایرانی و شکوه آنان شکسته شود .

دوم این که تبعیض بین عرب و عجم را از بین برد و همه را برابر معرفی نمود . به عنوان مثال روایتی از امیرالمومنین هست که می فرماید : خداوند شش گروه را به خاطر شش خصلت ، عذاب می کند ، نخست عرب به خاطر تعصب عربی .

سوم این که ایشان دستگاه حکومتی را به کوفه منتقل نمودند ، جایی که سرای ایرانیان بود و به این ترتیب جمع کثیری از سپاهیان امام را ایرانیان تشکیل می دادند و امام از آن ها در بدنه حکومتی خود نیز استفاده می کرد .

از جمله دلایل محبوبیت سادات در ایران ، به جز خدمات امام علی (علیه السلام) می توان از حضور امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در سال ۲۹ هجری در ایران و منطقه طبرستان و رویان دانست ، همان طور که بلاذری نیز به این مطلب اشاره می کند و می نویسد : عثمان بن عفان ، سعید بن عاص بن امیه را در سال ۲۹ هجری والی کوفه گردانید ، پس سعید به طبرستان رفت و گویند که حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) فرزندان امام علی (علیه السلام) نیز با وی بودند . البته اولیاء الله آملی و به تأسی از وی مرعشی ، در صحت این خبر تردید و آن را رد کرده اند .

علویان که انسان هایی بسیار با ایمان و زاهد و خداپاور بودند ، رفتارشان باعث جذب محبت و جلب قلوب انسان های تازه مسلمان ایرانی می گشت .

عدالت خواهی ایرانیان

نکات مشترک زیادی بین ایرانیان و اعتقادات شیعی وجود دارد از جمله نگرش عدالت خواهانه و ضد ستم . در منابع اهل سنت ، اعتقاد به جنگ با حاکم فاسد و جائر از نشانه های شیعی عنوان گشته است .

ویژگی که در میان ایرانیان نیز مورد احترام بوده است . مسعودی در مورد حرکت یحیی ابن زید می گوید :

او بر ضد ظلم و ستمی که تمامی مردم را فرا گرفته بود، قیام کرد. زید بن علی (علیه السلام) درباره علت قیام خود می گوید: ای مردم! ما شما را به کتاب خدا و سنت رسولش دعوت می کنیم هم چنین به جهاد با ظالمین، حمایت از مستضعفین، کمک به محرومین، تقسیم موجودی بیت المال میان کسانی که سزاوار آن هستند و نیز کمک به اهل بیت علیه کسانی که ناصبی بوده و نسبت به حقوق آنها جاهل هستند، فرا می خوانیم. این مسائل نه تنها قوی بودن جنبه ضد ظلم را در حرکت شیعی نشان می دهد، بلکه تکیه بر سنت پیامبر، احیای قرآن و حمایت از مستضعفین را نیز آشکار می کند. این حرکت ها در تفکرات ایرانی نیز مثبت جلوه می کرد، لذا ضمن جذب افراد مؤمن و سادات عظام به این منطقه، زمینه گسترش تفکر شیعی را نیز فراهم ساخت.

ظلم و جور امویان و عباسیان به ویژه حجاج و منصور

یعقوبی می نویسد: زمانی که زید بن علی (علیه السلام) کشته شد، شیعیان خراسان به حرکت درآمده و تلاش هایشان را آشکار کردند و تعداد زیادی نزد آنها رفت و آمد نموده و متمایل به آنها شدند. هر چه ظلم امویان و عباسیان زیاد می شد، ایرانیان به سادات بیشتر تمایل نشان می دادند و از طرفی سادات که عرصه را برای فعالیت تنگ می دیدند برای رهایی از فشار به ایران هجرت می نمودند. ابن اسفندیار درباره رفتار سخت گیرانه متوکل با شیعیان و بالآخر سادات می

آورد: « فی الجملة سادات علوی به عهد او به کنج ها و به وادی و خرابی ها متواری بودند » .

اقدامات ظالمانه امویان به ویژه در زمان حجاج و عباسیان بالاخص در دوره منصور و فشارهای زندگی که در پی این اقدامات ظالمانه به وجود آمد ، موجبات هجرت را برای علویان فراهم نمود که دستجات مختلفی به ایران آمدند . شواهد تاریخی فراوانی نشان می دهند موالی هر وقت می دیدند علویان مورد ستم قرار گرفته اند از آنان حمایت می کردند و در مقابل ظلم امویان و عباسیان به آنان پناه می دادند . چون موالی محب امام علی (علیه السلام) بودند ، میزان هجرت علویان در این دوره به حدی بود که می توان این دوره را آغاز هجرت سادات به ایران عنوان کرد .

ورود یحیی بن زید و یحیی بن عبدالله محض حسنی به ایران

یحیی بن زید که پس از شهادت پدرش ، به ایران گریخت به خراسان رفت و به سبب زهد والا و اخلاق علوی و حسنه ، مورد پسند مردم قرار گرفت و مردم خراسان او را الگوی رفتاری و مرجع سیاسی خود قرار دادند . اندکی بعد که ایشان قصد قیام داشتند ، مردم ایران به دور او گرد آمده اند که این گردآوری سپاه به دور یحیی بن زید ، موجبات هجرت سایر علویانی که منتظر فرصتی برای قیام بودند را فراهم آورد .

ص: ۱۵۰

اما زمانی که یحیی بن عبدالله به ایران وارد شد، مسئله تغییر کرد، چرا که مقدمات کار را یحیی بن زید فراهم کرده بود و یحیی بن عبدالله به محض حضور در خراسان، مردم دور او جمع شدند و از دستورات او اطاعت کردند. ایشان از روایان احادیث امام صادق (علیه السلام) و از جمله اشخاصی بود که امام به او وصیت کرد تا مشخصاً معلوم نشود که موسی بن جعفر (علیه السلام) جانشین اصلی امام است. او که سیدی فاضل و مردی شجاع بود، با طینت پاک و وقار و زهد بالایشان، موجب روی آوردن مردم ایران به سوی تشیع گردید و بدین جهت قصد تشکیل حکومتی مستقل را در ذهن پروراند. در این برهه زمانی، عده زیادی از سادات به ایران نقل مکان نمودند تا در اداره امور حکومتی به او کمک کنند.

پس از شهادت این دو بزرگوار، سادات باقی مانده در ایران به مناطق مختلف پراکنده شدند و لذا ما شاهد امامزاده های مختلف در نقاط متفاوت ایران هستیم.

مهاجرت ایرانیان به دیار عرب

در اواخر سده اول و دوم هجری، شمار بسیاری از ایرانیان به میان رودان (عراق کنونی) مهاجرت کردند و با ویژگی های عدالت اسلامی آشنا شدند. تسلط ستمگرایانه امویان بر مقدرات مسلمانان، این آشنایی را به باور مبدل ساخت.

(۲) علل مهاجرت بعد از ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران

ص: ۱۵۱

بعد از ورود امام رضا (علیه السلام) و گرفتن پست ولایتعهدی، تقریباً رفاه و آسایش به خاندان علویان بازگشت و هجرت‌هایی که در این دوره اتفاق افتاد به سبب فشار و ظلم نبود، بلکه به دلایل دیگری بود که به آن پرداخته می‌گردد.

ورود امام رضا (علیه السلام) به ایران

بعد از گذشت ۲۵ سال از قیام یحیی بن عبدالله حسنی، امام رضا (علیه السلام) به ایران آمد، لذا بعد از ایشان گروه‌های فراوانی از سادات راهی ایران شدند. تسامح مأمون در برابر علویان در مقابل سختگیری پدر و اجدادش نسبت به سادات، در رشد و سربلندی علویان تأثیر به‌سزایی داشت که مسیر هجرت سادات به ایران را هموارتر نمود. اولیاء آملی در کتاب خود می‌آورد:

سادات علویه به سبب آوازه ولایتعهدی و حکومت امام رضا (علیه السلام) روی به این طرف نهادند و او را ۲۱ برادر بودند با چندین برادرزاده و بنی اعمام از بنی الحسن و بنی الحسین، اینها به ری و نواحی عراق و قومس رسیدند که دست محبت دنیا، قلم نسیان بر جریده بصیرت مأمون کشید... او امام رضا (علیه السلام) را به شهادت رساند و این خبر در مسیر مهاجرت سادات به آنان رسید، و آنان در هر جا که بودند، پناه به کوهستان دیلمان و طبرستان و ری نهادند. بعضی را همین جا شهید کردند، و مزار ایشان باقی است و بعضی وطن ساخته، همین جا ماندند.

و همین طور در جایی دیگر آمده است که امام رضا (علیه السلام) پس از ولایتعهدی، نامه ای برای بستگان خود نوشت و آنها را به ایران دعوت کرد. این نامه باعث شد که ۱۲۶۷۳ نفر از بستگان آن حضرت در چندین کاروان به ایران وارد شوند.

ورود سادات به عرصه سیاست

عبدالله مأمون، خلیفه عباسی، گروهی از آل ابی طالب را به سوی مرو فراخواند که امام رضا (علیه السلام) نیز از همین گروه بود. با آمدن امام رضا (علیه السلام) و قبولی ولایتعهدی، برخی از سادات به پست ها و مناصب دولتی دست پیدا کردند و این باعث امنیت بیش از پیش برای سادات گردید. به علاوه این احتمال نیز می رود که شوق رسیدن به مقام و منزلت، گروهی از علویان را به سمت خراسان کشیده باشد. انتخاب ابراهیم بن موسی بن جعفر (علیه السلام) به جای حمدویه به عنوان حاکم یمن از سوی مأمون از جمله این موارد است.

. بسیاری قائلند این انتخاب جهت گرفتن رضایت علویان به ویژه امام رضا (علیه السلام) بوده است. در سایر مناطق نیز مواردی یافت می شود که سادات به مشاغل دولتی پرداختند.

ورود سادات به منطقه با تأسیس حکومت علویان در طبرستان

حکومت طبرستان در سال ۲۵۰ هجری به وسیله حسن بن زید تأسیس گردید و برای نخستین بار حکومتی کاملاً مستقل علوی با مذهب تشیع در ایران به وجود آمد. در این زمان که حسن بن زید به آمل وارد شد و توانست کل مناطق

را تحت کنترل خود در بیاورد ، برادر او نیز تهران ، مناطق قصران و لارجان را فتح کرد . خود حسن بن زید مدتی بعد ری را به تصرف درآورد .

حاکمان علوی طبرستان ، از ادبا و دانشمندان عصر خود بودند و با الفت و مهربانی و صداقت با مردم برخورد می کردند و این باعث گرایش مردم به آنان می شد . ابن اثیر درباره داعی صغیر می نویسد : محمد بن زید شخصی ادیب و دانشمند بود و با مردم حسن سلوک داشت . ناصر کبیر از فقها و متکلمان زمان خود بود . با ایجاد چنین فضایی ، علویان به این مناطق روی آوردند و محافل علمی در این دیار برپا نمودند و با برخوردها و آموزه های صحیح ارائه شده از طرف علویان ، مردم این دیار با آغوش باز پذیرای آن ها شده و از آن ها حمایت نمودند .

با ایجاد تشکلات شیعی ، ساداتی که در مناطق دیگر اسلامی زیر فشار زندگی می کردند ، به طبرستان آمدند تا علاوه بر امنیت و آرامش ، بتوانند رسالت واقعی اسلام را به جهان بفهمانند . ایرانیان شیعه ، به عنوان حامی اهل بیت پیامبر **a** پشتیبان تشیع شدند و به گفته مؤلف احسن التقاسیم « به هنگام خروج مهدی نیز از مردم خراسان همین توقع بیشتر است . ایشان دولت مردان پیروزمندند و یارای حق ، هر جا که باشد » .

ص: ۱۵۴

دانسته شد که هجرت از جمله عوامل ایجاد تمدن و ساخت فرهنگ‌ها است که سادات عظام با آمدن خود به ایران، سهم زیادی در وارد کردن فرهنگ شیعی علوی داشته‌اند. این هجرت‌ها با خود آثار بسیار مثبت و مفیدی به ارمغان آورده و نتایج جالب توجهی به ویژه از جنبه رواج افکار ناب اسلامی داشت که مهمترین آن‌ها، تبدیل پایگاه تفکر تشیع سیاسی به تفکر عقیدتی شیعه و گسترش مراکز علمی و فرهنگی و حوزه‌های زیرساختی اسلامی گردید که در نتیجه آن هزاران فرهیخته در ابعاد مختلف علمی به ظهور رسیدند.

بدون شک، مهاجرت سادات به ایران به طور طبیعی منتج به گسترش تشیع در ایران گردیده است و قطعاً علت اصلی این مسئله، دعوت به رفتار و عمل بود. علاوه بر آن، بیان مطالب مستدل برای مردم در گرایش‌های آنان به تشیع مثمر ثمر بوده است همان طور که مرعشی در کتاب خود، همین شیوه‌های علویان را در تبلیغ فرامین الهی گزارش می‌دهد.

قیام‌هایی که توسط این بزرگواران در خاک ایران به وقوع پیوست موجبات بیداری مردم این سرزمین را فراهم آورد که در ادامه شاهد تشکیل حکومت‌های شیعی از جمله آل بویه در ایران هستیم. نتیجه و پیامد عمومی این مهاجرت در عرصه سیاسی و کوتاه مدت، روی کار آمدن امارت و حاکمیت معنوی برای علویان که در مواردی هم موجب شده است که علویان طبرستان

تبدیل به یک حاکمیت مقتدر محلی شده و در دراز مدت نیز شیعه را تبدیل به یک مرکز ثقل اصلی در ایران نموده که در پناه آن حاکمیت مقتدر آل بویه به ظهور رسید. اما در ابعاد فکری و فرهنگی،

قدرت شیعه و عمق آن را با تربیت شاگردان زیاد و تشکیل محافل علمی فزونی داد. در عرصه حکومت داری مشخص شد که آنان از محبوبیت بالایی بین مردم برخوردار بودند.

شاید بتوان این طور بیان نمود که مهاجرت سادات دلیل اصلی گسترش تشیع در ایران بوده است و سایر ادله ذکر شده در واقع زیر مجموعه همین هجرت می باشد، به عنوان مثال علمایی که در این گسترش تأثیرگذار بودند در واقع با واسطه یا بی واسطه جز شاگردان سادات محسوب می شوند که نشان روشن از تأثیر هجرت سادات در گسترش تشیع در ایران دارد. لذا آن به دست آید، تأثیر مستقیم و غیر مستقیم سادات در گسترش تشیع در ایران به واسطه مهاجرتشان است. (۱)

شایان ذکر است طبق آمار مسئولان ذریبط، در ایران اسلامی، ۸ هزار و ۵۰۰ بقعه متبرکه امامزادگان و پیامبر وجود دارد که سالانه ۱۰۰ میلیون نفر به زیارت این خانه های نورانی می روند. (۲)

حال که دلایل هجرت سادات عظیم الشان تبیین گشت و از خودگذشتگی های آنان برای هدایت مردم آشکار شد، شایسته است به تعظیم و تجلیل از مراقد

ص: ۱۵۶

۱- اقتباسی از بررسی فرهنگ هجرت با الگوگیری از مهاجرت سادات به ایران در قرن دوم و سوم هجری - دکتر سید مرتضی میرتبار

۲- خبرگزاری تابناک - کد خبر: ۱۱۱۸۲۸

مطهر آنان بپردازیم و جایگاه آنان را در کلام علما و مراجع عظام مورد بررسی قرار دهیم .

تجلیل از زیارتگاههای امامزادگان (علیهم السلام) از دیدگاه مراجع معظم تقلید

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه)

امامزادگانی وجود دارند که هنوز ناشناخته هستند و باید با شناساندن آن ها در تقویت فرهنگی دینی گام برداشت ، در صورت ناشناخته ماندن زندگی امامزادگان بخشی از فرهنگ دینی شیعیان ناقص می ماند و با توجه به اینکه مسئولان اوقاف کشور در راه تعلیم مبانی دینی حرکت می کنند باید در این راستا اقدام کنند . (۱)

آیت الله العظمی بهجت (قدس سره)

این امامزاده ها و مشاهد مشرفه و عتبات عالیات را که ما شیعیان در اختیار داریم ، دیگران از این گونه فیوضات محرومند . اگر کسی بتواند کرامات و معجزاتی را که از ضرایح آنها صادر شده جمع آوری کند ، کتاب هایی از کرامت و معجزه تألیف خواهد شد .

امامزاده های آنها سفره های رحمتند و چه بسا نسخه ی دردهای ظاهری و باطنی ما به دست یکی از آنها باشد . خود را از زیارت مشاهد آنها محروم نکنیم. (۲)

ص: ۱۵۷

۱- . خبرگزاری مهر

۲- . خبرگزاری فارس

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه)

واقعیت این است که امامزادگان در سراسر کشور پناهگاهی برای مردم به شمار می روند چرا که هنگامی مشکلی برای مردم پیش بیاید و بخواهند توسل به درگاه خدا پیدا کنند شفیعیانی داشته باشند برای حل مشکلاتشان به سراغ آنها می روند و یقین داریم که در روحیه آنها اثر می گذارد و هم روحیه می دهد و هم سطح تقوا را بالا می برد و هم حالت توبه از گناه به آنها دست می دهد. (۱)

امامزادگان در واقع مبلغان خاموش هستند؛ یعنی هر امامزاده ای تبلیغ شب و روز دارد، به سوی خدا و پاکی دعوت می کند و لو اینکه ظاهراً خاموش است و به همین دلیل باید مردم را تشویق کرد که از این برنامه ها استفاده کنند.

آیت الله العظمی مظاهری (دام ظلّه)

بی تردید حضور گرامی خاندان پیامبر خاتم و اهل بیت عصمت و طهارت در گوشه و کنار بلاد اسلامی و از جمله ایران، یکی از مؤلفه های تأثیرگذار و با اهمیت در نشر و انتقال مکتب تشیع و معارف نورانی ائمه هدی بوده است. مهاجرت امامزادگان اولاً: عامل گسترش و انتشار تشیع بوده و ثانیاً: باعث انتقال پیام مظلومیت اهل بیت رسول خدا گردیده و ثالثاً: حضور این بزرگواران را به مأمنی فکری و عقیدتی برای شیعیان و دوستداران اهل بیت عصمت و

ص: ۱۵۸

طهارت تبدیل ساخته و رابعاً: منشأ پیدایش و پرورش خانواده ها و اعقاب سادات و خلاصه، رشد و نمو شجره طیبه دودمان پیامبر اکرم گشته است. (۱)

آیت الله العظمی سبحانی (دام ظلّه)

در هر شهر و روستایی اگر بقعه یک امامزاده باشد، مردم آنجا از نظر اخلاق و روحیه دینی با مردم شهرهای دیگر که فاقد چنین مقام متبرکی هستند، فرق می کنند، چرا که آنان با حضور در این اماکن دو رکعت نماز می خوانند و در کنار یکدیگر اظهار ادب می کنند. این همه مقابر نورانی و همچنین مجالسی که برای این بزرگان برگزار می شود، نشانه مهر و محبت ماست، از این رو کسانی که برای از بین بردن این آثار تلاش ما می کنند، ولایت اهل بیت ندارند و دیدگاهشان مادی به تمام معناست، چرا اگر روحانی باشند این آثار را به صورت یک امر مطلوب تلقی می کنند. (۲)

آیت الله العظمی نظری خادم الشریعه (دام ظلّه)

« مکان، زمان، افراد، کتاب و پیامبر در دین مقدس ما دارای جایگاه ارزشمندی است. اماکن مقدس، مورد احترام ما و در مسیر ارزش و اهمیت خانه خدا قرار دارد و احترام و خدمت به اماکن مقدس موجب ارزش دنیا و آخرت می شود. ساخت و احترام و نگهداری اماکن مقدسه چون امامزاده ها به تقوا و

ص: ۱۵۹

۱- خیرگزاری فارس

۲- همان

فضیلت فرد بستگی دارد و زندگی را معنوی می کند ، هر قدم و قلمی که در مسیر خدمت به اماکن مقدسه انجام شود مورد احترام است و کمک به ساخت و توسعه اماکن دینی نوعی توفیق الهی است « . (۱)

عظمت امامزادگان

فاضل محترم ، دلباخته ی امام زمان (علیه السلام) ، حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علیرضا نعمتی دام عزه (۲) می

نویسند : باید این حقیقت را درک کنیم که خدای تبارک و تعالی امامزادگان را به عنوان معلمان مدرسه ی اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده است و آنها مسئولین تزکیه و تعلیم حقایق و تربیتی ما هستند و لذا نکات مهمی را باید درباره ی این بزرگواران بدانیم .

حدود بیست سال پیش روزی به زیارت یکی از امامزادگان والامقام در اطراف

قم ، در کَهک ، به

نام حضرت زینب خاتون (سلام الله علیها) و برادر بزرگوارشان مشرف

شدیم که وضعیت ساختمانی مناسبی نداشت .

در وهله ی اول ، یک حالت خاصّی از این مظلومیت به نظر انسان می آید که افراد ظاهربین شاید با نگاه بر چهره ی مظلومانه ی حرم از عظمت آن امامزاده غافل شوند .

وقتی به داخل آن مرقد مطهر و منور رفتیم ، نماز خواندم و زیارت کردم ؛ ناگاه

ص: ۱۶۰

۱- . همان

۲- . مدیر مسئول محترم مجله ی منتظران

یک مطلبی از آیات و روایات اهل بیت (علیهم السلام) مثل برق درخشش کرد و مانند چراغی که اتاق تاریک را ناگهان روشن کند، این مطلب نورانی از میان آیات و روایات اهل بیت (علیهم السلام) ذهنم را روشن کرد و جمله ای که در ذهن من شکل گرفت این بود: " این امامزاده ها که شما این طور مظلوم و مهجور آنها را می بینید، اینها مسئولین حکومت اهل بیت (علیهم السلام) بوده و خواهند بود "

روی این جمله، خیلی کار کردیم و خدای تعالی توفیق دهد باز هم بیشتر کار می کنیم؛ و به صراحت باید بگوییم که: " این بزرگواران با ظهور امام زمان ارواحنا فداه، از مسئولین حکومت جهانی حضرت خواهند بود "

سخن آن است که بعضی از امامزادگان در مناطق دوردست دفن شده اند و شاید رسیدگی مناسبی نسبت به بارگاه نورانی شان نشده باشد ولی این مطلب باید در ذهنمان باشد که به این بزرگواران، با عظمت نگاه کنیم.

امامزادگان (علیهم السلام)

مظلومانه و غریبانه و در ترس از ظالمین در میان مردمی که باید به دست آن بزرگواران به سعادت برسند، زندگی کردند و بعد که به شهادت رسیدند، مراقبشان مهجور ماند و بعدها که توجهی شد و کراماتی از آنها صادر شد، خدای تعالی کم کم مردم را به در خانه ی آنها آورد اما این حتی نمی از دریای علم و کرامات آنها هم نیست و ما خیلی از آنها عقب و از فیوضاتشان محروم هستیم.

ص: ۱۶۱

غرض از بیان این مطلب این بود که قطره ای از اقیانوس عظمت این خاندان را بیان کنیم که چه مقاماتی دارند و الان بشریت و حتی مؤمنین چقدر از آنها محرومند و در نظرها غریب و مهجور و متروک مانده اند . (۱)

ص: ۱۶۲

۱- . بخشی از مقاله ی جامع مدیر مسئول محترم مجله منتظران بعنوان امامزادگان (علیهم السلام) پناهگاه مردم

فصل ششم: اشعار و مدح و مرثیه شاعران ولایی در عظمت بی بی زبیده خاتون (علیها السلام)

اشاره

ص: ۱۶۳

سروده: شاعر دلداده اهل البيت (عليهم السلام)

آقای محسن اسلامی (پویا)

(از اصفهان)

امتداد شکوه فاطمی

ای

شمیم عطر گل های بهشت

آسمانی

بانوی کوثر سرشت

ای شکوه فاطمی را امتداد

اشفعی یا حضرت بنت الجواد

ای

شرف بخش شرف ، بانوی نور

ای بلند قامتت نخل شعور

معجز

تو تار و پودش (انما) ست

چادرت (یاسین) ردایت (هل ائی) ست

حضرت

معصومه ی ثانی تویی

مثل

او جاوید قرآنی تویی

(نجم) و (طاها) (رعد) نورانی سخن

دختر

(فجر) همیشه شب شکن

)

فاطر) و (اعراف) را معنا تویی

(فتح) و (نصر) و (طارق) و (اعلی) تویی

ای

به هم کوبنده ی ظلم و نفاق

حرف

حرف آیه های (انشقاق)

ص: ۱۶۴

ای

زبان زینبی در کام تو

مصحف

سی جزء حق پیغام تو

ای

زبان ذوالفقار حیدری

کارزارت

کارزار حیدری

فطرت

تو فطرت پاک (رضا) ست

در

وجودت نور ادراک (رضا) ست

ای

تو چون خورشید با شب در نبرد

فخر

زن ها آبروی هر چه مرد

چارمین

خیر النسا بانوی نور

نسل

پاک اولیا بانوی نور

ای

شکوه فاطمی را امتداد

اشفعی

یا حضرت بنت الجواد

ای

تبار سبز پوش سوره ها

بانوی

دریا خروش سوره ها

روح

جاوید ملک سیما تویی

هم

زیبیده ، زینب و زهرا تویی

ای

منور از تو چشم جان شده

اعتبار

عترت ایمان شده

دختر

نورانی ابن الرضا

جلوه

ی روحانی ابن الرضا

اصل

استمرار هستی از شماست

جنب

و جوش حق پرستی از شماست

از

شما باب حقیقت باز شد

صبح

ایمان با شما آغاز شد

کیست

تا تکذیب این معنا کند

جلوه

ی حق بیند و حاشا کند

آسمانی

بانوی منصور حق

گوهر

گنجینه ی مستور حق

ای

کلام تو حقیقت را حیات

ای

وجودت (الجوار المنشئات)

ظاهرت آئینه ی انوار حق

باطنت گنجینه ی اسرار حق

صاحب

اکرام ، بانوی کمال

ای

رخت آئینه دار ذوالجلال

نام

تو مشکل گشایی می کند

تربت

کار خدایی می کند

ای شکوه فاطمی را امتداد

اشفعی یا حضرت بنت الجواد

تربت

تو سجده گاه خاکیان

بار گاهت

قبله ی افلاکیان

هستی

ما جمله از هست شماست

رشته

ی دل های ما دست شماست

یا)

زییده) بانوی آلاء حق

چلچراغ

افروز ایوان فلق

ص: ۱۶۶

تربت

تو جلوه گاه راز هاست

بار گاهت

شاهد اعجاز هاست

هر

که جانش خسته و رنجور شد

آمد و زوّار (دار النور) شد

چار

رکن کعبه ، چار ارکان توست

حجر

اسماعیل ، آن ایوان توست

کعبه را رکن و مقامش از گِل است

تو حریمت قبله ی اهل دل است

مروه

و سعی و صفای زائری

زمزم

و آب بقای زائری

بانوی

کوثر گل باغ ولا

رحمت

حق زاده ی ابن الرضا

سرنوشتت

با شهادت شد قرین

گشت

توأم با عزای اربعین

بی

گمان سرّی از اسرار خداست

اینکه

پیوند تو با کرب و بلاست

اعتقادم

اعتقادی محکم است

نام

تو بر زخم دلها مرهم است

ای

بسا زائر که با صد ابتلا

با

توسل بر تو شد حاجت روا

تا

خدا بر ما خدایی می کند

دست

تو مشکل گشایی می کند

ص: ۱۶۷

ما

به در گاهت پناه آورده ایم

یک

جهان دل را گواه آورده ایم

ای

که نسل پاکت از آئینه هاست

داستانت

داستان کربلاست

کربلا

در سینه ی صد چاک ماست

شعبه

های نینوا در خاک ماست

ما

به در گاهت پناه آورده ایم

در

کف دل اشک و آه آورده ایم

ای شکوه فاطمی را امتداد

اشفعی یا حضرت بنت الجواد

رخصتی فرما که با روشندلی

متصل گردیم ، با آل علی

در

طریق معرفت (پویا) شویم

با

شما باشیم تا معنا شویم

ص: ۱۶۸

سرودۀ : شاعر دلدادۀ اهل بیت (علیهم السلام)

یادگار آل عشق

فاطمه

بنت الجواد ای یادگار آل عشق

با قدمهایت شده شهر نراق همچون دمشق

ای

سفیر خاندان جود و احسان و کرم

ای

زبیده دختر مظلومه و فخر عجم

گرچه هم چون فاطمه قدرت نهان باشد ز ما

لیک

گشته نام تو مشکل گشای قلبها

از

تو می گویم اگر یزدان مرا یاری کند

تا

که مهدی از برای غربتت زاری کند

کعب نی را زد ز کین بر پای تو خصم لعین

ضجه ای زد زین مصیبت در فلک روح الامین

آتشی

بر کاروان تو بپا شد این چنین

یادم

آید از وفای مرد مقطوع الیمین

بارالها

این زبیده زائر معصومه بود

از

نگاه مادرش، هم از پدر محرومه بود

گرچه او در آن بیابان زار و محزون شد شهید

عاقبت در نزد خوبان جهان شد رو سفید

ص: ۱۶۹

مرحوم مهندس محمد علی حسینی دلجانی

سروده: شاعر دلباخته اهل بیت (علیهم السلام)

این حرم بوی پیمبر می دهد

این حرم بوی پیمبر می

دهد

بوی

زهرا بوی حیدر می دهد

عطر

جان بخش امام مجتبی

بوی

عاشورا مکرر می دهد

بوی سردار رشید کربلا

بوی

عباس دلاور می دهد

عطر

زینب روز و شب افشان شود

بوی

اکبر بوی اصغر می دهد

مقدم

جد عزیز بی بی است

اینکه عطر روح پرور می

دهد

از خراسان ضامن آهو رضا

بوی

مشک و بوی عنبر می دهد

از فضا عطر جواد اهل

بیت

بوی

زمزم بوی کوثر می دهد

مدفن

دخت عزیز فاطمه

عطر

شب بوهای پر پر می دهد

از

امام هادی و پورش حسن

این

مکان شم معطر می دهد

بوی

عطر مهدی صاحب زمان

یوسف

زهرای اطهر می دهد(۱)

ص: ۱۷۰

۱- این شعر به دستور حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها) توسط مرحوم مهندس حسینی دلجانی سروده شده است که در عالم رویا بیت اول را خود بی بی برای ایشان املا نمودند و فرمودند مابقی آن را تو بگو و ایشان شعر را ادامه می دهند و این در حالی است که این شخص اصلاً شاعر نبوده و نیست. به دلیل این کرامت این شعر بصورت کاشی کاری در حرم مطهر بی بی نصب شده است

آقای محمد خادم (از اصفهان)

سروده: شاعر آئینی خاندان امامت و ولایت (علیهم السلام)

به شعر، زائر بی بی زبیده خواهم شد

اگر

قبول کنندم، اگر فراهم شد

به شعر

، زائر بی بی زبیده خواهم شد

به شعر

، قصد زیارت نموده ام امشب

اگرچه

شعر غریبی سروده ام امشب

چگونه

شعر، من بی سواد بنویسم

برای

فاطمه بنت الجواد بنویسم

به قصد قربت حق می نویسم از ایشان

که او

شهیده شد از کینه بد اندیشان

دل از

کریم نباید که نا امید شود

که گر مریدش خاک است رو سفید شود

نگو که صحن و سرایش چقدر خلوت بود

که این

ضریح برای ملک به نوبت بود

به صحن او است که بوی حسین می شنوم

و ذکر

خیرش در کاظمین می شنوم

چرا

حسین؟ که راوی به ما خبر داده

به پای

بوسی او نیز نیزه سر داده

ص: ۱۷۱

بین که غصه ی این قصه ضجه ساز شده

که رو

به غربتش آغوش کوه باز شده

عزیزه

، دختر نه ساله ی امام نهم

رسیده

و نرسیده به عمه اش در قم

شنیده

ام کرم از خدمتش رها نشده

دهان

به گفتن حاجت هنوز وا نشده

به یک

اشاره بر آورده است حاجت را

قبول

کرده پس این شعر ، این زیارت را

ص: ۱۷۲

آقای محمد حسن زاده

سروده: شاعر دلدادۀ اهل بیت (علیهم السلام)

(راضی اصفهانی)

گوهری از تبار حضرت زهرا (سلام الله علیها)

السلام ای شهیده ، مظلومه

روضه

هایت شبیه معصومه

گوهری

از تبار زهرایی

چون

رقیه عزیز بابایی

دختر حضرت جوادی ، تو

خواهر

و نور چشم هادی ، تو

نوه

حضرت رضا هستی

وارث

رأفت رضا هستی

آفتاب

تو در نَراق دمید

که به آن گفته اند خاک

سفید

حرم تو پناه دلها شد

دردهایی در آن مُداوا

شد

حمله بر کاروانتان

کردند

عده

ای را ز جمعتان کُشتند

عده

ای هم اسیر آن اشرار

نیست

از سرنوشتشان اخبار

ضربه

خوردی ز دشمن بی رحم

شد

به سر نیزه ، ساق پایت زخم

تا

که رو کرد بر دلت اندوه

با

دعایت شکافت سینه کوه

چون

رقیه غریب جان دادی

به اسارت ، ولی

نیفتادی

با تو یاد رقیه افتادم

نالهِ از سوز سینه سر

دادم

نه شدی زائر بریده سر

نکشیدند

از سرت معجز

آتشی

کس نریخت بر مویت

یا

نزد با لگد به پهلویت

ص: ۱۷۳

جان به قربان غربت

بانو

دیده

گریان غربت بانو

یا

زیبیده ، نگاه می خواهم

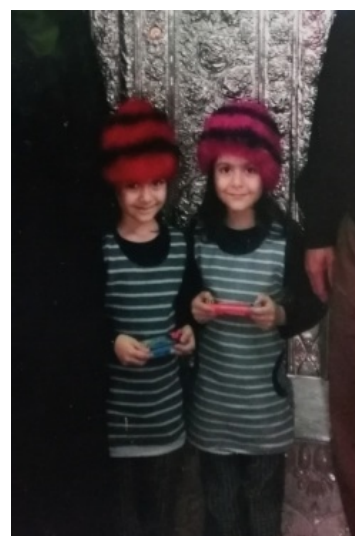
نالہ

و اشک و آہ می خواهم

کوه

غمهای من ز هم واکن

کربلای مرا تو امضا کن



ص: ۱۷۴

استاد فضل الله شیرانی

سرود: شاعر دلدادۀ اهل بیت (علیهم السلام)

(سخا اصفهانی)

عطر گل فاطمی

از مشرکین به آل پیمبر

چها رسید

هر

بار و هر زمان ستمی ناروا رسید

ناگفتنی

است آنچه که از آن ستمگران

بعد

از پدر ، به حضرت خیرالنسا رسید

با تیغ فتنه فرق علی را

شکافتند

بین

شعله شرارتشان تا کجا رسید

در

کام ما هنوز شرننگ مصیبت است

ز

آن ز هر کین که بر جگر مجتبی رسید

زینب

هنوز داغ حسن را به سینه داشت

کز گرد راه ، فاجعه

کربلا رسید

در کربلا به سرور

آزادگان حسین

غربت جدا ، داغ جدا ، غم

جدا رسید

مانند نی ، نوای دلم

شور تازه یافت

بر

گوشم آنچه زمزمه از نینوا رسید

در

راه شام و کوفه چه سنگین مصائبی

بر

اهل بیت خامس آل عبا رسید

بر

قلب پاک حضرت سجاد ، سال ها

داغ

و فراق و رنج اسارت چرا رسید

بر پنجمین امام مبین ، باقر

العلوم

از

ابتدا مصیبت بی انتها رسید

بنیانگذار

مکتب پُر فیض جعفری

کز

علم او تشیع کامل به ما رسید

نا

حق شهید ز هر جفا گشت و در غمش

فریاد شیعیان ز سحک تا

سما رسید

موسی

بن جعفر از دل زندان به آسمان

با ذکر استغاثه و بال

دعا رسید

زجر

آنچنان کشید ، که روز شهادتش

زنجیر

در غمش ، به خروش و نوا رسید

ص: ۱۷۵

سلطان

ارض طوس که از قدر و منزلت

در

پیشگاه حق به مقام رضا رسید

بیداد ها ز جانب مأمون

نابکار

بر

آن امام مقتدر مُقتدا رسید

قربان

آن شهید غریبی که روز و شب

لطفش

به هر غریبه و هر آشنا رسید

این

الرضا ، امام تقی ، حجت نهم

کز

همسرش به او ستمی جانگزا رسید

روز

شهادتش ز محبان به آسمان

فریاد یا جواد ، به

عرش عُلا رسید

از کینه و عداوت

عباسیان چقدر

با هر طریق ، هاشمیان

را جفا رسید

بی بی زبیده ، بنت

امام جواد نیز

در

غُرْبَت نَرّاق ، به قُرب خدا رسید

نُه

ساله آمد و ، به شهادت درین مکان

در

روز اربعینِ شه کربلا رسید

هر کس به بارگاه شریفش

پناه بُرد

گویِ

به کوی جدّ غریبش رضا رسید

هر

کس که با دعا ز خدا خواست حاجتی

وارد

درین سرا شد و ، به مدّعا رسید

گراین

قصیده عطر گل فاطمی گرفت

از

حضرت جواد ، مدد بر (سخا) رسید

ص: ١٧٦

آقای معصوم (عاصی)

سروده: شاعر دلدادۀ اهل بیت (علیهم السلام)

چشمه ی جود جواد

کیست این بانو که مقنع بر جمال افکنده است

ماه

رویش پرتوی از ذوالجلال افکنده است

نیست

این دختر مگر سرچشمۀ جود جواد

معدن

جود و سخاوت را مثال افکنده است

فاطمه

بنت الجواد آئینه ی مهر رضاست

زیور

طاها و یاسین بر مدال افکنده است

کنیه

اش باشد زبیده زُبدۀ ی آل رسول

جلوه اش صد طور را در انحلال افکنده است

بهر

دین خود را بسی بر آب و آتش میزند

همچو زهرا خویشتن را در ملال افکنده است

چون

سکنیه در غم بابا پریشان گشته است

کین چنین خود را به صحرا لا محال افکنده است

ثانی

معصومه باشد در مقامات رفیع

کاظمین و طوس بر روحش ظلال افکنده است

بارگاهش چون رضا با صولت و با هیبت است

زائرش

پیش رضا دل در وصال افکنده است

آنقدر

دارد تالو چهره ی بنت الجواد

جلوه از خورشید و رونق از هلال افکنده است

ص: ۱۷۷

تا

مشرف گشته ام بر بارگاه قدس او

نور

این مضجع دلم در ابتهال افکنده است

چون به عصر مهدی موعود بی بی رهگشاست

شهرتش عهد خمینی در مقال افکنده است

هیچ میدانی چرا (عاصی) مکرم می

شود

صورت خود بر تراش بر نعال افکنده است

ص: ۱۷۸

حاج محمد علی فریور (از اصفهان)

سروده: شاعر دلباخته اهل بیت (علیهم السلام)

باب حاجات مردم عالم

بین ابن الرضا

زیبده بود

نسلی از مرتضی زیبده

بود

آنکه گشته شهید راه

خدا

در نراق از جفا

زیبده بود

نام او هست

فاطمه صغری

زینبش عمه ، جدّه

اش زهرا

بود بنت الجواد و

نه ساله

گشت پژمرده چون گل

لاله

شیعه از داغ او

پریشان حال

مهدی

از داغ او زَنَد ناله

حرم او بود به شهر نراق

هست دار الزیارة

عشاق

یادگار خدیجه کبری

نسل شاه ولایت و

زهرا

نوه ی حضرت امام

رضا

نور چشم تقی شه والا

خواهری بر امام هادی بود

عمه عسگری و مهدی (علیه السلام) بود

چون پدر بود اهل

جود و کرم

با خدا همچو

فاطمه محرم

حرمش با صفا چو باغ

ارم

باب حاجات مردم عالم

معجزاتی در آن نمایان شد

باعث وجد اهل ایمان شد

ص: ۱۷۹

چونکه عمّالی از بنی

عباس

آن خطا فطرتان حق

نشناس

از ره ظلم و کینه و

عصیان

حمله بردند سوی آن

گل یاس

شدند ز سر نیزه پای او پُر درد

کوه او را گرفت و پنهان کرد

السلام ای عزیز جان

رسول

السلام ای امید قلب

بتول

بنما حق چارده معصوم

از « فریور » تو

این چکامه قبول

ای کریمه ! به حرمت کرم

کن نصیبش زیارت حرمت



ص: ۱۸۰

سرود: شاعر دلدادۀ اهل بیت (علیهم السلام)

دختر نُه سالة امام الجواد (علیه السلام)

زمان

جوش و خروش است و دل سیه پوش است

به مدحت علی و آل

، حلقه در گوش است

شهیده دختر

نُه سالة امام جواد

چه

قرن ها است که در بقعه اش فراموش است

شبیہ فاطمه

اینجاست دختری معصوم

که کوه ، پیکر

او را ، تمام آغوش است

ز غلغل ملک

اینجا صدا به عرش رسد

اگرچه

ظاهر آن ساکت است و خاموش است

مزار حضرت بی بی

زیبده ، شهر نراق

چو

خاک شهر قم و جمکران صفا جوش است

شبيهه طور تجلی

است ، دامن این کوه

نگاه

کن که در اینجا ، کلیم مدهوش است

سلام کن ز سر

کوه ، بر حسین و بنال

که

ایستاده ابوالفضل و مشک بر دوش است

به زیر قلّه این

کوه ، می کنی برخوردار

ص: ۱۸۱

به زیر قلهٔ این

کوه ، می کنی برخورد

به

صد شهید که با خون خود کفن پوش است

خضاب ، خطهٔ ایران

به خون آل علی است

از

این جفا دل (قدسی) همیشه غم نوش است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سروده: شاعر دلدادۀ اهل البيت (عليهم السلام)

استاد محمد قدسی اصفهانی

شهر پر ستاره

در وصف امام زادگان (عليهم السلام) و (بی بی زبیده (سلام الله علیها))

دلا!

تو کشته تیر بلا چه می دانی؟

حکایت

غم آل علی ز نمی خوانی

ستاره

فلکی نور می دهد ، تو چرا؟

میان

دخمۀ تاریک خود به زندانی

خبر

رسیده که از فتنۀ بنی عباس

شدند

آل پیمبر a قتل و قربانی

بگو

که کشتن آنان « بِأَيِّ ذَنْبٍ » بود

خلاصه

کن ، که بسوزم ز وصف طولانی

به

گوشه گوشۀ ایران قدم گذار و بین

بوی تربتشان گشته عنبر آفشانی

بسی

ستاره که این خاک در نگین دارد

که

می کنند به ایران ما ، سلیمانی

تمام

خطه ایران به نورشان روشن

ستارگان

سپهرند در فروزانی

دریغ

و درد که از خانواده عصمت

ص: ۱۸۳

دریغ

و درد که از خانواده عصمت

چه

گنج ها که نهان شد به گنج ویرانی

امام

زاده هر شهر هست حصن حصین

بدون

اوست تو را تلخی پشیمانی

ز رحمتی که به صحن و سرایشان جاری است

کجاست

رحمت رحمان ، بدین فراوانی

مزار مضجعشان ، هست قطعه های بهشت

بهشت

قرب الهی ، بهشت رحمانی

ملک

به مرقدشان عشق می کند تدریس

که

عشق باشد از ابعاد فوق انسانی

تمام

نسل نجیب محمدند a و علی j

تمام

واله و شیدای وجه ربانی

امام

زاده هر شهر را زیارت کن

که

می دهد به تو حالات خوب ، ارزانی

غلام

حلقه به گوش طریق آنان باش

اگر

که می طلبی اقتدار سلطانی

قدم

به مشعر سعی و صفایشان بگذار

بین

چو کعبه و میقات ، هست نورانی

به

جانماز و کتاب دعا به دور ضریح

ز

نقل اشک ، بچین سور و سات عرفانی

ص: ۱۸۴

بخوان

نماز و سپس دست بر دعا بردار

که

عادت تو شود خُلق و خوی یزدانی

امام

زاده ، شبیه امام معصوم است

ادب

به ساحت او هست از مسلمانی

»

فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد»

کنی

زیارتشان گر به چشم بارانی

مباد

دست کم این خانواده را گیری

که

قُلِّهِ قُلِّهِ رَفِيعُنْدَ وَ تُو نَمِي دَانِي

به

هر دیار ، سفر می کنی نخست بگیر

سراغ

بُقَعَةُ اَيْنَ عَارْفَانَ رَبَانِي

به

چشم دل بنگر هر یکی به تنهایی است

به

عرش نور چو منظومه های وحیانی

چنین

که جلوه گری می کنند کی بینی

ستارگان

فلک را ، بدین فروزانی

رواق

روضه هر یک ، محل یاد خداست

در

آ! که مست شوی از شراب روحانی

مگیر

فاصله با عشق این « ذَوِی الْقُرْبَى »

میار

روی ، به معیارهای شیطانی

به

علم و فضل لدنی تمام استادند

بدون

درسی و بحثی و معرفت خوانی

ص: ۱۸۵

حدیث

ماهی و آب زلال می باشد

حکایت

تو در این بقعه های نورانی

به

دل هر آن که ندارد مَوَدَّتِ آنان

چه

بهره دارد از آموزه های قرآنی

یکی از این همه « بی بی زبیده » است که هست

به

بام شهر نراق ، اخترش به تابانی

برای

دفع شیاطین از آسمان کافی است

همین

یکی ، که براند سهام شیطانی

به دفع فتنه تو (قدسی) ! بگو علی ز دارم

که

مشکلات تو حل می شود به آسانی



آقای محمدرضا فناعتی (از اصفهان)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

فاطمه بنت الجواد (سلام الله علیها)

دختری

از جنس باران ، کهکشانی را گرفت

نور

ایمانش یقیناً آسمانی را گرفت

خسته

ای آزرده دل از راه دوری آمده است

با دو

دست کوچکش آمد جهانی را گرفت

گشته

الگویش یقیناً ، فاطمه بنت نبی

این

چنین باشد که جام جاودانی را گرفت

شک

ندارم صد ملک سجده کند رو به حرم

آن زمان که آستانش ، بی کرانی را گرفت

مشهد

او سجده گاه اهل ایمان شد مدام

از

همان روزی که راه جانفشانی را گرفت

فاطمه

بین الجواد از پاک های عالم است

صیت

محبوبیت و لطفش جهانی را گرفت

هر که

شد زائر بر آن مظلومه شد حاجت روا

زان حریم پاک فیض آسمانی را گرفت

ص: ۱۸۷

حجت الاسلام و المسلمین شیخ علیرضا محمدی (مسافر)

سروده : شاعر خاندان رسالت (علیهم السلام)

(از اصفهان)

قبله حاجات

دختری گردیده مدفون در

نراق

همچو

آن ماهی که باشد در محاق

هست

او دخت امام ما جواد

قبله

حاجات و هم باب المراد

صاحب تقوا و علم و

معرفت

با

وقار و شوکت و نیکو صفت

بانویی

با عفت و با آبرو

از

کراماتش بگویم مو به مو

داده

بر خیل مریضاتش شفا

حاجت زوار خود سازد

روا

آنکه از اولاد بوده نا

امید

با عنایاتش به او داده

نوید

بس جوان ها را نموده

خانه دار

شاد

کرده مردمانی دل فکار

بس

کرامت ها از ایشان دیده شد

وصف

او از این و آن بشنیده شد

او شهید گشته در دار

فنا

همچو

زهره مادرش خیر النساء

گفته

اند بی بی زبیده نام او

پاکدامن

، هم خودش ، هم مام او

دختری

نه ساله بوده گوئیا

کشته اند او را گروه

اشقیا

گوش کن تا باز گویم

ماجرا

داستانی بس حزین و غم

فزا

تا شود او زائر کوی رضا

از

مدینه آمده با اقربا

کاروانی

ویژه از سادات بود

بین

آنها قبله ی حاجات بود

ص: ۱۸۸

چارصد

مرد و زن از نسل علی

عالم از انوار آنها مُنجلی

چونکه آنها وارد ایران

شدند

رو

به رو با خیل مأموران شدند

چند

مأمور از سوی عباسیان

حمله

بنمودند بر آن کاروان

جملگی گشتند آنها قتل

عام

بین آنها بود این دُخت

امام

خورده سر نیزه به ساق

پای او

آسمان

بگریسته از وای او

خواستہ

آن دم ز خلاق جهان

تا

نگردد او اسیر دشمنان

یک شکافی گشته در کوهی

پدید

در

دل آن کوه گشته ناپدید

کوه

بر هم آمد از امر خدا

او

شهیده گشت آخر از جفا

مرقدش

باشد زیارتگاه ما

آستانش قبله ی حاجات ما

بر (مسافر) شد

عنایت از خدا

گفت مدح دختر ابن الرضا

ص: ۱۸۹

آقای محسن ناصحی (از اصفهان)

سروده: شاعر آئینی خاندان امامت و ولایت (علیهم السلام)

بی بی زبیده دختر امام جواد (علیهما السلام)

زائرم ، اشتیاق می

خواهم

در

مسیرم ، بُراق می خواهم

رفتم

از قم به مشهد و این بار

از

خراسان عراق می خواهم

گفتم از کاظمین قم بروم

از

قم اینک نراق می خواهم

در

حریم زبیده زائرم و

خلوتی

در رواق می خواهم

به

جوادالائمه مدیونم

که غلام زبیده خاتونم

قم کوچک نراق این

بانوست

مژه

هایم در این حرم جاروست

من کجا در پناه او بودن

خادم بارگاه او بودن

من کجا و لیاقت حرمش

راه

داده مرا هم از کرمش

شیعیان جمله زائران وی

اند

که

ملائک مجاوران وی اند

پادشاهی

است سائلش بودن

به گدایی مقابلش بودن

من اگر اعتقاد می جویم

نزد بنت الجواد می جویم

ص: ۱۹۰

وصف او را قلم کم آورده

ست

الغرض

شعر هم کم آورده ست

از زبیده نوشتن آسان

نیست

واژه

این محتشم کم آورده ست

آه ، بانو ! خودت عنایت

کن

شاعرت

در حرم کم آورده ست

به حریمت اگر نشد برسم

زائر

تو قدم کم آورده ست

هر

چه می خواستم به من دادی

کی

کریمی کرم آورده ست

الرحمن الرحيم
والعالمين
بسم الله الرحمن الرحيم

سروده: شاعر دل‌بسته خاندان رسالت (علیهم السلام)

آقای سید محمود مرتضوی

(ناظر)

عزیز جان جواد الائمه [

شهیده

ای که به خاک نراق خفته غریب

عزیز

جان جواد الائمه ، نور هداست

به نام

حضرت بی بی زبیده اش خوانند

اگر چه

فاطمه وز نسل ارجمند رضاست

فغان

که از ستم بی حد بنی عباس

به

غربت است دچار ، از دیار خویش جداست

کمین

به کوه گرفت از هجوم دشمن دون

شهید

گشت در آن کوه و تربتش آنجاست

چو

در گه کرمش بابا حاجت خلق است

همیشه

در حرمش شور محشری برپاست

به

حلقه های ضریحش دخیل می بندد

دلی که

مضطرب است و غریق بحر بلاست

اگرز

روی ارادت طلب کنی حاجت

در این

مقام نیاز تو بی دریغ رواست

ص: ۱۹۲

شفای

خویش گرفتند خیل بیماران

از او

که تربت پاکش برای درد شفاست

میان

جمع محبان خویش مرقد او

شبیهِ

ماه ، میان ستارگان پیداست

هر

آنکه (ناظر) این غربت است می گوید

چو جدّ

پاک و غریبش ، اسیر رنج و بلاست

این بنت امام نهمین

گشته نهان

در کوه ز خوف حاکمی بی

ایمان

بگذشته زمانی که مزارش

ناگاه

چون

گوهر شبچراغ گردیده عیان

زیبده از ستم حاکمان بی

ایمان

شد

از مدینه روان سوی کشور ایران

پناه برد به کوه نراق و

گشت شهید

چنان

رقیۀ مظلومه ، رفت سوی جنان

بی بی زیبده از ستم قوم

نابکار

بیرون

شد از مدینه دل افسرده و فکار

وقتی

که حمله برد بر او خصم ، ناگهان

کوهی

پناه داد به او زامر کردگار

ص: ۱۹۳

ابو مخنف (مورخ شهیر شیعه)..... ۲۰۴،۱۴۱،۲۴

ابن شهر آشوب مازندرانی ، علامه (مفسر ، محدث ، ادیب و فقیه بزرگ شیعه) ۲۰۴،۵۲،۴۹

انصاری خوینی ، آیت الله العظمی علامه شیخ ابراهیم (مرجعیت شیعه - لبنان) ۷۳

اربلی ، علامه بهاء الدین اربلی (محدث ، مورخ ، ادیب و شاعر شیعی)
..... ۲۰۴،۵۲،۴۹

ام الفضل ۲۰

احمد بن ابراهیم ۴۷

ابوعلی الحسن المحدث (علیه السلام) ۴۸

ابو احمد حسین ۴۸

ابو موسی عمران ۴۹

ام کلثوم (سلام الله علیها) ۵۳،۴۹

ام محمد ۴۹

اماحه ۴۹

امینیان نراقی ، حمید ۱۰۶

احمد بن موسى ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹

امیری سواد کوهی . مجید..... ۱۶۹، ۱۴

ب

بهجت . آیت الله العظمی محمد تقی (مرجعیت شیعه) ۱۵۷

پ

پاکدامن ، علی..... ۱۸۸، ۱۱۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۱۷

ت

تبریزی ،

آیت الله العظمی میرزا جواد آقا (مرجعیت شیعه) ۷۳، ۷۱

ح

حسن بن زید..... ۱۵۴، ۱۵۳

حسین بن سعید اهوازی ۴۴

حکیمه خاتون (سلام الله علیها) ۴۸، ۴۷، ۲۲

حیدری . زهرا..... ۱۳۱

خ

خوئی ، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم (مرجعیت شیعه) ۷۵، ۷۳

خدیدجه کبری (سلام الله علیها)..... ۱۷۹، ۸۳، ۴۹

د

دهخدا ، علامه علی اکبر..... ۲۰۴، ۳۶

ص: ۱۹۶

روزگاریان ، استاد..... ۱۳۰

زید بن علی..... ۱۴۹

زکریا بن آدم اشعری قمی (محدث شیعه) ۲۸،۲۷

سبحانی ،

آیت الله العظمی (مرجعیت شیعه) ۱۵۹

سمانه ی مغربیه (سلام الله علیها)..... ۴۹،۲۱،۱۷

شیرازی ، آیت الله سلطان الواعظین (عالم شیعه) ۲۰۴،۱۵۸،۱۳۹

شهربانو..... ۱۴۷

شیبانی ، آتنا..... ۱۰۹

صدوق ، علامه شیخ (محدث خیر) ۲۰۲،۱۳۸،۷۰،۴۸،۳۴،۲۶

صافی گلپایگانی ، آیت الله العظمی (مرجعیت شیعه) ۱۵۷

طبرسی ، علامه شیخ الاسلام (مفسر کبیر شیعه) ۲۰۲،۵۱،۴۹

طهماسب ، شاه ۴۶

عيسى ١٣٤،١٩

عبدالعظيم حسنى ١٤٤،٤٤

على اكبرى ، عباس ١١٠

على بن محمد باقر ١٣٩،١٣٨

عبدالله مأمون ١٥٣

ف

فاطمه ي كبرى (سلام الله عليها) ٢٦

فاطمه ي وسطى (سلام الله عليها) ٢٦

فاطمه ي صغرى (سلام الله عليها) ٦٥،٦٤،٦٣،٥٥،٢٦

فاطمه ي اخرى (سلام الله عليها) ٢٦

فقيه محمدى جلالى ، دكتور محمد مهدى (محقق و مورخ) ٦٣

فضل بن شاذان نيشابورى ٤٤،٣٤

فاطمه ي معصومه (سلام الله عليها) ١٦٩،١٦٤،١٤٣،١٤٢،١١٤،٩٧،٥٥،٥٤،٤٩،٣١،٣٠،٢٦

فتال نيشابورى ٣٤

فروغى . ابراهيم ١٣١

ق

قمى ، محدث

(محدث خبير شيعه) ٢٠٥،١٤٢،٤٦

قائى ٧٥

کرمانی ، فواد..... ۱۲۳

گلپایگانی ، آیت الله العظمی سید محمد رضا (مرجعیت شیعه) ۱۵۷،۸۰،۷۹

مجلسی . علامه محمد باقر (محدث خبیر و فقیه شیعه) ۲۰۵،۲۰۳،۱۴۵،۱۴۰،۸۰،۷۷،۵۳،۴۹،۳۴،۲۳ ..

مفید . علامه شیخ - (فقیه و متکلم برجسته شیعه) ۲۰۴،۱۴۴،۵۱،۴۹،۲۶،۲۵ ..

محمدی کرمانشاهی ، حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل (مدیر کتابخانه و مرکز اسناد حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)) ۵۴

مهدی زاده نراقی ،

حجت الاسلام والمسلمین (از احیاگران حرم مطهر حضرت زبیده خاتون (سلام الله علیها)) ۵۴،۵۳،۴۹

مکارم شیرازی . آیت الله العظمی شیخ ناصر (مرجعیت شیعه) ۱۵۸

مظاهری .

آیت الله العظمی شیخ حسین (مرجعیت شیعه) ۱۵۸

مهدی پور ، حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی اکبر (محقق و اندیشمند) ۷۶،۷۰

مرتضی عاملی ، آیت الله علامه سید جعفر (محقق و دانشمند شیعه) ۱۴۵

موحدابطحی اصفهانی ، آیت الله العظمی سید محمد باقر (محدث خبیر و جامع منقول ، معقول) ۲۰۲،۱۲۲،

۱۱۴،۸۲،۸۱،۸۰،۷۹،۷۷،۳۹

موحدابطحی ، آیت الله حاج سید رضا (عالم شیعی) ۸۰

موحدابطحی ، آیت الله میر سید حجت (دانشمند محقق و مدقق) ... ۱۱، ۸۳، ۸۵، ۱۱۸

موسی مبرقع (علیه السلام) ۲۰۳، ۱۴۴، ۱۴۳، ۴۷، ۴۶، ۴۵

محمدی ، علی ۱۱۵

میمونه ۴۹

معمد عباسی ۴۴

ن

نرجس خاتون (سلام الله علیها) ۴۷، ۲۲

نراقی . علامه ملا احمد (دانشمند و مجتهد شیعه) ۵۳

نظری خادم الشریعه . آیت الله العظمی عبدالله (مؤسس دهه غدیر) .. ۱۵۹، ۸۷، ۸۶

نظری خادم الشریعه . آیت الله شرف الدین (دانشمند متبع) ۸۶

نعمتی . حجت الاسلام والمسلمین شیخ علیرضا (مدیر مسئول مجله منتظران) ۱۱۲، ۱۱۱

نوروزی ۶۹

نجفی . حاجی ۱۱۶

ی

یونس بن ظبیان ۳۳

یحیی بن زید ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۶، ۱۴۴

یحیی بن عبدالله محض ۱۵۱، ۱۵۰

ص: ۲۰۰

آثار العجم - فرصت الدوله شيرازى

الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد - محمد بن نعمان (شيخ مفيد)

اعلام الورى بأعلام الهدى - امين الاسلام ابو على فضل بن حسن طبرسى (شيخ طبرسى)

الغدیر فى الكتاب و السنه و الادب - عبدالحسين امينى (علامه امينى)

اصول كافى - ابو جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق رازى (شيخ كلينى)

القول المعتبر فى مولد الامام موسى بن جعفر (عليهما السلام) - سيد محمد باقر موحد ابطحي اصفهاني

الاستيعاب فى معرفه الأصحاب - ابن عبد البر ، ابو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد نمرى قرطبي

احقاق الحق و ازهاق الباطل - سيد نورالله حسيني شوشترى (قاضى نورالله شوشترى)

أعلام النساء المؤمنات - محمد حسون و ام على مشكور

إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع - تقى الدين احمد مقريزى

اثبات الوصيه للامام على بن ابى طالب - على بن حسين مسعودى

اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات - محمد بن حسن بن على بن محمد بن حسين (شيخ حر عاملى)

المنتظم فى تاريخ الأمم و الملوك - ابوالفرج عبدالرحمن بن على بن محمد بن جوزى

اكسير العبادات فى اسرار الشهادات - ملا آقا بن عابد بن رمضان على بن زاهد شروانى (فاضل دربندى)

المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى - احمد بن محمد بن على الفيومى

اكمال الدين - شيخ صدوق

انجيل لوقا

ص: ٢٠٢

انجيل يوحنا

الكامل فى التاريخ - على بن ابى الكرم (ابن اثير)

التنبيه و الاشراف - على بن حسين مسعودى

العبر و ديوان المبتداء و الخبر - ابوزيد عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حَضْرَمِي (ابن خلدون)

الحياه السياسيه للإمام الرضا (عليه السلام) - سيد جعفر مرتضى عاملى

اضواء على حياه موسى مبرقع و ذريته - مرتضى على الكشميرى

امامزادگان

، پناهگاه مردم - عليرضا نعمتى

انوار پراکنده نسابه - بحر العلوم گیلانی

بحار الانوار - ملا محمد باقر مجلسى

تاريخ قم - محمد حسين ناصر الشيعه

تاريخ رويان - آملی ، اوليا الله

تحفه العالم و ذيل التحفه - ميرعبداللطيف خان شوشترى

تاريخ اهل البيت (عليهم السلام) - سيد محمد رضا حسینی

تاريخ گزيده - حمد الله بن ابى بكر بن احمد مستوفى قزوینی

تاريخ قم - حسن بن محمد قمى

تاريخ الأمم و الملوك - ابوجعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب طبرى

تاج العروس من جواهر القاموس - سيد مرتضى حسینی زييدى واسط

جَنَات الخلود - محمدرضا بن محمد مومن امامى خاتون آبادى

چلچراغ شيراز - جليل عرفان منش

خزائن - احمد بن محمد مهدى فاضل نراقى

خصال - ابوجعفر محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه قمى

دلائل الامامہ - ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری صغیر

ص: ۲۰۳

دُر النظیم - یوسف بن حاتم شامی

در شعاع جانان - محمد امیری سواد کوهی

ریاحین الشریعه - ذبیح الله محلاتی

سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد - شمس الدین ابو عبداللہ محمد بن یوسف بن علی صالحی شامی

شبهای پیشاور - سلطان الواعظین شیرازی

عیون اخبار الرضا (علیه السلام) - صدوق ، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه فرهنگ سخنان حضرت زهرا (سلام الله علیها) -

محمد دشتی

فارسانامه ناصری - میرزا حسن حسینی فسایی

فرق الشیعه - حسن بن موسی نوبختی

فرهنگ هجرت با الگوگیری از مهاجرت سادات به ایران در قرن دوم و سوم هجری - دکتر سید مرتضی میرتبار

کنز الفوائد - شیخ ابوالفتح ، محمد بن علی بن عثمان کراچکی طرابلسی

کنز الانساب - ابومخنف لوط بن یحیی خزاعی

کریمه ی اهل بیت (علیهم السلام) - علی اکبر مهدی پور

کشف الغمه فی معرفه الائمه - ابوالحسن علی بن عیسی هکّاری مشهور به بهاءالدین اِزبلی

لسان العرب - محمد بن مکرم بن علی ، أبو الفضل ، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفعی الإفريقي

لغت نامه ی دهخدا - علی اکبر دهخدا

مناقب آل ابی طالب - محمد بن علی بن شهر آشوب سَیَرُوی مازندرانی ، (ابن شهر آشوب) وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه - شیخ

محمد بن حسن حُرّ عاملی (شیخ حر عاملی) مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء - ذبیح الله محلاتی

مجمع الرجال - عنایت الله قهپایی

ص: ۲۰۴

مقتل الحسين (عليه السلام) - ابومخنف ، لوط بن يحيى بن سعيد بن مخنف بن سليم غامدي ازدي

مدینه معجز الائمة اثني عشر و دلائل الحجج علی البشر - سيد هاشم بحرانی

منتهی الامال - شیخ عباس قمی

مقاتل الطالبین - ابوالفرج اصفهانی

منتخب التواریخ - محمد هاشم بن محمد علی خراسانی (ملا هاشم خراسانی)

مرآة العقول - ملا محمد باقر مجلسی

نهج البلاغه - ابوالحسن محمد بن الحسين بن موسى (سيد رضی)

نگین شهر نراق - علی محمد مظفری

وقعه الطف - لوط بن يحيى ابومخنف ازدي

هدیه احمدیه - محمد جعفر شاملی

بایگاه های مجازی

خبرگزاری فارس

خبرگزاری تابناک

خبرگزاری راه شلمچه

شبستان

روزنامه جوان

دانشنامه اسلامی

مزارات ایران و جهان اسلام - سایت علمی پژوهشی زیارتگاه های ایران جهان اسلام

وب سایت شهرداری نراق

ص: ۲۰۵

ضمیمہ

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

